اعتماد

چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۱
۳۰ شوال ۱۴۴۳
اول ژوئن ۲۰۲۲
سال نوزدهم
شماره ۵۲۲۲
۱۲ صفحه
۷۰۰۰ تومان

ETEMAD Wed □ 1 Jun 2022 □ vol. 19 □ No. 5222 □ 12 Pages □ 70000 Rials

با در نظر گرفتن معافیت برای مجارستان و تعدادی دیگر از کشورهای شرق اروپا، ششمین بسته تحریمی علیه مسکو به تصویب رسید

اجماع اروپایی علیه نفت روسیه

۴

نخست‌وزیر رژیم اسراییل ایران را به سرقت اسناد آژانس متهم کرد

تئاتر توییتری تل آویو

۳

نامه سرگشاده کمیسیون زنان بنیاد باران خطاب به «انسیه خزعلی»:

اصلی‌ترین مساله زنان این سرزمین تامین امنیت است

۲

انتشار اوراق ارزی در شرایط تحریمی چه نتایجی به دنبال دارد؟

تکرار یک تجربه شکست خورده

۸

در مراسمی از اساسنامه صندوق حمایت از توسعه زراعت در دیمزارها رونمایی شد

اعتبار ۲۰۰۰ میلیارد تومانی صندوق برای جهش تولید در ۱۰ میلیون هکتار دیمزار

۱۰

۵ دانش‌آموز از قربانیان حادثه هستند

تعداد جانباختگان متروپل به ۳۶ نفر رسید

۵

بعد از ۱۵ سال انتظار خدمات پرستاری قیمت‌گذاری می‌شود

وعده‌ای به نام «قانون»

۵

محسنی اژه‌ای در نشست با اعضای هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی:

قانون مطبوعات باید تغییر کند

ستاره کاظمی/اعتماد

۲

سلام برآینده

در ۴۴ سالگی جمهوری اسلامی

عباس عبدی

دیروز خبری خواندم که دقیقا در ۴۴ سالگی تاسیس روزنامه جمهوری اسلامی، (تاسیس ۹ خرداد ۱۳۵۸) این روزنامه را از سهمیه آگهی‌های دولتی محروم کرده‌اند. علت؟ تذکرات هیات نظارت بر مطبوعات به این روزنامه بوده است. بر اساس ماده ۲۱ آیین‌نامه آگهی‌های دولتی، هر رسانه و نشریه‌ای که از سوی هیات نظارت بر مطبوعات تذکر بگیرد، به مدت یک ماه آگهی‌های دولتی آن قطع می‌شود. یاد خاطره‌ای افتادم. دقیقا ۲۶ سال پیش در پایان خرداد ماه و روز پایان چهل‌سالگی‌ام بود که از طرف مقامات قضایی و امنیتی به روزنامه سلام اعلام کردند که در صورت ادامه نوشتن بنده در روزنامه، سلام توقیف خواهد شد. اتفاقا مجموعه یادداشت‌های من در روزنامه تحت عنوان «انسان بی‌پناه» که خاطرات زندان بود، روزانه در حال انتشار بود که در نیمه راه قطع شد. احتمالا برای آن هم ماده و قانونی پیدا می‌شد. به‌طور معمول چهل‌سالگی پختگی هر انسانی است و هم‌زمان با آن با چنین وضعی مواجه می‌شود. چهل‌وچهار سالگی روزنامه جمهوری اسلامی و در همان زادروزش نیز دچار سرنوشت نه لزوما یکسان، بلکه تا حدی شبیه هم می‌شود. روزنامه‌ای که به عنوان نمادی از حکومت بعد از انقلاب و مستقل از فضای کلی نشریات قبلی پا به عرصه رسانه گذاشت و صاحب امتیاز و اعضای اصلی آن از حزب جمهوری اسلامی بودند و اکنون برای طرح برخی نکات انتقادی با مجازات مالی مواجه می‌شود. حتما می‌گویند آیین‌نامه است، ولی در اصل ماجرا تاثیری ندارد، زیرا دلایلی که برای چنین رفتاری ذکر کرده‌اند ناظر به موضوعات آزادی بیان است. مساله این است که استانداردهای موجود ایران در زمینه‌های تولید، خدمات، فرهنگ و سیاست و... در بیشتر موارد پایین‌تر از استاندارد این موارد در جوامع پیشرفته است. کافی است استاندارد ساختمان‌سازی و مسکن، خودروسازی، ارایه خدمات دولتی، شهرسازی و هر چیز دیگری را با استانداردهای موجود جهانی مقایسه کنیم تا این واقعیت روشن شود. برای مثال مصرف سوخت و انرژی در ایران به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی، چند برابر متوسط مصرف جهانی است. یعنی استانداردهای انرژی ما بسیار پایین است. ولی به گمان من استاندارد رسانه‌های رسمی ایران و به‌طور مشخص صداوسیما و تا حدی مطبوعاتی که مجوز دارند در مقایسه با استانداردهای متعارف جهانی بسیار پایین‌تر است، یکی از نشانه‌های آن عدم تحمل نقد و انتقاد ولو تند مطبوعات است. شخصا آشنایی کافی با محتوای روزنامه جمهوری اسلامی ندارم، فقط گاهی مطالب نقل شده آن را می‌بینم که طبعا انتقادی است و البته زبان صریحی هم دارد. ولی مساله این است که صاحبان قدرت باید به این پرسش پاسخ دهند که چرا کار به جایی رسیده که روزنامه جمهوری اسلامی نیز پس از ۴۴ سال با چنین وضعی مواجه شده است؟ آیا فقط باید وجود امثال کیهان را پسندید؟ این چه رفتاری است که مخالفان یا منتقدان را با انواع ابزار از جمله اقتصادی تبعیض‌آمیز تنبیه و مجازات کنید؟ البته همین وابستگی به آگهی‌های دولتی یا یارانه‌های کاغذ و امثال آن نشانه وضعیت علیل و درمانده رسانه‌های رسمی است که محصول سیاست رسانه‌ای کشور است. آن‌هم در جهانی که بازار رسانه هر روز بزرگ‌تر و سودآورتر می‌شود، عده‌ای در ایران دنبال کوچک‌تر شدن این بازار و فربه کردن رانتی صداوسیما هستند تا بلکه جایگاه انحصاری رسانه‌ای گذشته خود را حفظ کنند. بنده منکر این نیستم که مطبوعات نیز اشکالات و ضعف‌های خود را دارند ولی یکی از مهم‌ترین علل این مشکلات و ضعف‌ها در ناتوانی اقتصادی آنها است که آن نیز معلول فقدان میدان وسیع برای ایفای نقش رسانه‌ای است. به همین علت هم مردم کم‌کم با آنها قهر کرده‌اند. شاید اگر بخواهید نیز نمی‌توانید سیاست رسانه‌ای خود را به یک باره تغییر دهید. ولی حداقل کاری که می‌توان کرد توقف این وضعیت و معکوس کردن روند محدودیت‌هاست. معتقدم که صداوسیمای آبادان گرچه به صورت مستقیم و مباشر در فروریزی ساختمان عبدالباقی نقش نداشته است ولی از باب تسبیب نقش مهمی داشته چرا که وظیفه نظارت عمومی بر امور شهر خود را انجام نداده‌اند و اینجا اثر «سبب» بیشتر از «مباشر» است و باید به عنوان متهم معرفی شود. چون این نظارت وظیفه آن رسانه است.

ادامه در صفحه ۲

سیاست

دفاع جاهلانه از ارزش‌ها

اسماعیل گرامی‌مقدم

در حکایت شماره ۱۴ باب چهارم گلستان سعدی که در باب «خاموشی» است حکایت جذابی وجود دارد که انگار وصف حال بسیاری از کسانی است که قادر به درک اهمیت سکوت نیستند. در این حکایت شیرین آمده است: «ناخوش آوازی به بانگ بلند قرآن همی خواند. صاحبدلی بر او بگذشت. گفت: تو را مشاهره (اجرت) چند است؟ گفت: هیچ. گفت: پس این زحمت خود چندین چرا همی دهی؟ گفت: از بهر خدا می‌خوانم. گفت: از بهر خدا مخوان!» و در ادامه می‌گوید: «گر تو قرآن بر این نمط خوانی/ببری رونق مسلمانی.» به نظر می‌رسد، سیستم امروز در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی به نوعی خودزنی دچار شده است. به این صورت که برخی از افراد و جریانات در دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین کشور آنقدر بدعمل می‌کنند که گاهی این دفاع به ضد خود بدل شده و باعث خدشه‌دار شدن ارزش‌ها می‌شوند. نمونه‌هایی از این نوع رفتارها در جریان حمله به سفارت عربستان، حمله به سفارت انگلیس و... به‌عینه قابل مشاهده است. رخدادهایی که عربستان و انگلیس را از جایگاه «متهم» در کرسی «مدعی» نشانده و فشار مضاعفی را متوجه ایران و دستگاه دیپلماسی کشور کردند. معتقدم قوه عاقله نظام به ویژه در راس هرم تصمیم‌سازی‌ها، موافق یک چنین تصمیماتی نبوده و نیستند، اما گروه اندکی از طرفداران جاهل، حاکمیت را دچار گرفتاری‌هایی کردند که تبعات خسارت‌بار آن همچنان بر دوش کشور سنگینی می‌کند. اساسا این روزها هر مساله‌ای در ایران به یک کلاف سردرگم بدل می‌شود و نوع خاصی از مازوخیسم در روند کنشگری‌ها و واکنشگری‌ها مشاهده می‌شود. شاید ریشه یک چنین رفتارهایی برآمده از دفاع‌های بدی است که پیش از این در خصوص موضوعات مختلف صورت گرفته است. زمانی که رفتارهای سلبی غیرمنطقی در خصوص پدیده‌ای مانند حجاب در پیش گرفته شود، افکار عمومی حتی در خصوص ارزش‌های واقعی و عینی این فرهنگ متعالی نیز موضع‌گیری سلبی می‌کنند.

ادامه در صفحه ۲

متروپل - ۱

فاجعه متروپل فساد و زمینه‌های آن

ابراهیم امینی

این روزها شهر آبادان، همان شهری که زمانی نماد زیبایی، پیشرفت و آبادانی بود، به محل سوگ دسته‌جمعی ایرانیان عزادار تبدیل شده است. سوگ و اندوهی که این بار نه صدام و رژیم جنایتکار بعثی، نه ریزگردها و نه سیل و خشکسالی که عاملی ویرانگرتر از همه اینها، یعنی «فساد» و «فساد دولتی» عامل مستقیم آن است. آنچه در واقعه متروپل به وقوع پیوست، نتیجه بلافصل فسادی است که سال‌هاست فریاد دادخواهی مردمان دیارمان را بلند ساخته است. در این مورد خاص، صحبت از حضور پررنگ شهرداری است که در مقابل دیدگان مخاطبان، مجری تلویزیون را تهدید می‌کرد و استانداری که ذکرگویان اهالی رسانه و مطبوعات را به محکمه می‌کشاند و تعداد پرشماری از مقامات و مسوولان انتخابی و انتصابی محلی است. یعنی همان کسانی که باید مرجع تظلم‌خواهی و حل مشکل شهروندان باشند. در چنین شرایطی گویی در دل آن بیت معروف زیست می‌کنیم که سراینده‌اش می‌گفت: «گر حکم شود که مست گیرند/در شهر هر آن که هست گیرند.» اما این فساد ناشی از چیست و ریشه آن به کجا برمی‌گردد؟ آیا همه این مسوولان بالذات دارای فساد بوده‌اند و حتی در مواردی نظیر برخی از اعضای فعلی و وقت شورای شهر آبادان که با اتهاماتی در این پرونده روبرو هستند، از ابتدا به اشتباه از سوی مردم انتخاب شده بودند و با زمینه‌های فساد و به نیت مشارکت در افعال مجرمانه و دست زدن به تخلفات مالی به عرصه رقابت‌های شورا ورود پیدا کرده بودند؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ واضح است، خیر! همانند دیگر انسان‌ها، هیچ‌یک از این افراد ذاتا مفسد یا متخلف به دنیا نیامده‌اند. اما حقیقت این است که همان گونه که بسیاری از اندیشمندان نیز گفته‌اند، به همان اندازه که انسان ذاتا مفسد نیست، قدرت و عدم پاسخگویی، مفسده‌آفرین هستند و اساسا وقتی انسان در مقامی برتر و قدرتی که امکان دست‌درازی به حقوق دیگران را به وی می‌دهد، قرار می‌گیرد، مستعد فساد و دست‌اندازی به حق دیگر انسان‌ها است. از این رو دیرزمانی است که نظام‌های مترقی سیاسی، اداری و قضایی بیش از آنکه بر شخص و فساد احتمالی او متمرکز گردند، بر زمینه‌ها و عوامل فساد متمرکز شده‌اند تا مشکل را به صورت ریشه‌ای حل کنند...

ادامه در صفحه ۹

روزی، روزگاری ایران

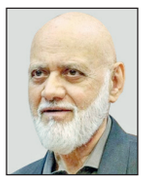

یکه‌تازی روس‌ها در بازار نفت تحریمی

علی شمس اردکانی

داگلاس نورث در کتاب «اقتصاد، سیاست و مسائل توسعه در سایه خشونت» تلاش می‌کند نوری به ابعاد پنهان مدیریت در جوامعی بتاباند که در آنها ظرفیت‌های طبیعی، انسانی و خدادادی فراوانی وجود دارد، اما این کشورها قادر نیستند از این ظرفیت‌ها برای دستیابی به توسعه و پیشرفت بهره ببرند. در یک چنین شرایطی است که برخی جریانات رانتی در این سرزمین‌ها پا گرفته و از ظرفیت‌های اقتصادی موجود در راستای گسترش خشونت و نهادینه‌سازی فساد و رانت بهره می‌برند. نورث معتقد است مقابله با یک چنین وضعیتی، تنها از طریق افزایش آگاهی عمومی و تشریح تبعات مخرب این رویکردهای مفسده‌انگیز ممکن است. بلافاصله پس از اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه به دلیل تجاوز این کشور به اوکراین، صادرات نفتی روسیه متوجه کشورهای آسیایی شد و این کشور، صادرات نفت به کشورهای چین، هند، امارات و... را مورد توجه قرار داد. کشورهایی که به‌طور سنتی، مقاصد صادراتی نفت ایران را تشکیل می‌دادند و ایران طی سال‌های اخیر از طریق صدور نفت به این کشورها تلاش می‌کرد، کمی از بار سنگین فشار تحریم‌ها را پوشش دهد. در اثر این تغییر رویکرد روسیه، چین به عنوان یکی از مهم‌ترین خریداران نفت ایران در دوران تحریم‌ها، خرید نفت از ایران را کاهش داد و به همان نسبت بر واردات نفت از روسیه افزود. جدای از چین، امارات نیز که بر اساس برخی برآوردها، طی سال‌های اخیر روزانه حدود ۲۴۰ هزار بشکه نفت از ایران خریداری می‌کرده، نفت روسیه را جایگزین نفت ایران کرده است. این گزاره در خصوص خرید نفت ایران توسط هند نیز به همین صورت محقق شده است. یعنی هند از واردات نفت ایران کاسته و بر خرید نفت از روسیه افزوده است. مبتنی بر این اخبار ذخایر نفت ایران روی دریا حدود ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده است که ناشی از افزایش اقبال مشتریان آسیایی به نفت روسیه بوده است. روسیه بعد از مواجه شدن با بحران تحریم‌ها، تلاش می‌کند از طریق اعمال تخفیف‌های بیشتر، بازارهای صادراتی افزون‌تری را در آسیا به دست آورد و این بازارها را جایگزین مشتریان اروپایی و غربی خود کند. البته این نوع رفتار روس‌ها از منظر تاریخی، مسبوق به سابقه است و بارها تکرار شده است.

ادامه در صفحه ۸

رسانه

رسانه‌های نوین و باز تولید اعتماد در مخاطبان

زهرا نژادبهرام

از ویژگی‌های اصلی رسانه‌ها اعتمادسازی، اعتماد مداوم و اعتماد پایدار است، با این کلمه عمق رسانه تعریف می‌شود. اعتماد به اخبار منتشره، اعتماد به مخاطبان، اعتماد به گویندگان و... این بذر نقطه آغاز حرکت رسانه است هر چند رسانه تکنولوژی، ابزار، سوژه و... لازم دارد، اما اعتماد ستون استقرار آن است. با روند رو به گسترش در مالکیت رسانه‌های جریان اصلی از سوی سیاستمداران، صاحبان سرمایه و ذی‌نفوذان دایره اعتمادزایی به رسانه روز به روز کوچک‌تر شده است. اما با ورود رسانه‌های نوین به عرصه خبررسانی و اطلاع‌رسانی تغییری شگرف در ادبیات رسانه از یک سو و مساله اعتماد از سوی دیگر شکل گرفت! بر اساس تحقیق در سیاستگذاری رسانه‌ای توجه به چند موضوع ضروری است: ۱. آشنایی با نظام باورهای مخاطبان؛ این باورها به تدریج شاخص‌های شناختی افراد را شکل می‌دهند و چگونگی خوانش آنها را مشخص می‌سازند. ۲. دسته‌بندی مخاطبان بر اساس نظام باورها و تمایزات زیستی؛ تفاوت‌های زیستی می‌تواند نظام باورهای افراد در یک جمع به ظاهر یکسان را متفاوت کند، باید مخاطب هدف با توجه به تفاوت‌های زیستی و نظام باورها انتخاب شود. ۳. ارتباط‌گیری با مخاطب از طریق همدلی و ایجاد اعتماد؛ پیش‌فرض مهم مخاطب برای گزینش یک رسانه، پیشنهادی است که از آن در ذهن دارد، این موضوع هوشمندی رسانه‌ها را برای انتخاب شدن از سوی مخاطب و رابطه‌گیری با او را می‌طلبد. (۱) از این رو رسانه‌های نوین بستری برای خلق ارتباط بودند. آنها توانستند ارتباط مونولوگ را دیالوگ کنند و به مخاطب اجازه دادند نه تنها نظردهی کند، بلکه خود فرصتی برای گفتن داشته باشد. در این رسانه‌ها فناوری دست مخاطب و رسانه را با هم گشود هر قدر قدرت رسانه از نظر تکنولوژی افزایش یافت به همان میزان قدرت مخاطب بالا رفت. در کنار این مهم بستری دیگر نیز فراهم آمد و آن در دسترس بودن رسانه بود برای همه علاقه‌مندان و مخاطبان و آنها توانستند در اندک زمانی خبر بگیرند و خبر بدهند!

ادامه در صفحه ۹

متروپل - ۲

متروپل از زاویه دیگر

علی نوذرپور

نرجس سلیمانی عضو شورای اسلامی شهر تهران: «شهرداری در پروژه‌های مشارکتی با توجه به منفعت نمی‌تواند وارد نظارت شود». ایشان علت قصور شهرداری آبادان در پروژه متروپل را شراکت شهرداری با بخش خصوصی دانسته و ضرورت نظارت دقیق بر پروژه‌های مشارکتی را یادآور شده است. تجربه نگارنده در دوران تصدی شهرداری منطقه ۲۲ در دوره پنجم شورای اسلامی شهر تهران موید تذکر ایشان است. شهرداری‌ها در غیاب جایگاه مناسب درآمدهای پایدار در نظام درآمدی خود قریب به سه دهه است که با تشکیل سازمان‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت مردمی در جست‌وجوی منابع درآمدی جایگزین منابع درآمدی ناشی از ساخت‌وساز هستند. اولین بار این سازمان در دوران سرپرستی مهندس مقیمی در شهرداری تهران پا به عرصه گذاشت و بعدها در سایر شهرداری‌های کلانشهرها و بزرگ‌شهرها نیز شکل گرفت. این پروژه‌ها که عمدتا با روش‌های BOT یا BOLT با مردم به مشارکت گذاشته می‌شوند، درآمدهای اندکی را به سفره درآمدی شهرداری‌ها اضافه کرده است و در صورت آسیب‌شناسی و رفع نواقص آن می‌توانند در زمره درآمدهای پایدار، جایگاه خوب و مناسبی را در نظام درآمدی شهرداری‌ها داشته باشند. بررسی آسیب‌های پروژه‌های مشارکتی نشان از اشکالات جدی و اساسی از جمله موارد ذیل است.

۱- فقدان جایگاه قانونی در آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها و آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران:

در مقررات مالی حاکم بر نظام شهرداری‌ها با کمینه یا بیشینه قیمت‌ها مواجه هستیم، یعنی با مزایده یا مناقصه. لیکن معاملات از نوع مشارکتی فراتر از بیشینه یا کمینه قیمت‌ها است و مولفه‌های دیگری چون مدت بهره‌برداری و میزان اجاره علاوه بر میزان سرمایه‌گذاری مشارکت‌کننده در تعیین برنده فراخوان دخالت می‌کند که این مولفه‌ها در آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها ذکر نشده است از این رو همواره این نوع معاملات با ابهامات و بعضا تخلفاتی از ناحیه نهادهای نظارتی مواجه می‌شود و مدیران شهرداری درگیری‌های قضایی متعددی را در این خصوص تجربه می‌کنند.

ادامه در صفحه ۲

خبر و بیشتر
ویدیوها و گفت‌وگوهای متفاوت
ETEMADONLINE.COM

کالای شما را ما معرفی می‌کنیم
سازمان آگهی‌های روزنامه اعتماد
تلفن: ۶۶۱۲۴۰۲۵ _ ۶۶۴۲۹۹۷۳

ادامه از صفحه اول

در ۴۴ سالگی جمهوری اسلامی

حالا که در مرکز کشور با انتقادات ساده از سوی روزنامه‌ای که قرار بود معرف نظام جدید باشد، چنین برخوردی می‌شود معلوم است که نه صداوسیمای آبادان و نه هیچ جای دیگر کشور نخواهند توانست گامی به پیش بردارند و برای پوشاندن ضعف خود دنبال بستن فضای مجازی هستند. مشکل فضای مجازی نیست، بلکه فقدان رسانه‌های واقعی رسمی مشکل اصلی است. همان گونه که منع نوشتن من در سال ۱۳۷۵ مشکلی را حل نکرد که بیشتر کرد، این رفتار با روزنامه جمهوری اسلامی نیز همین سرنوشت را خواهد داشت.

دفاع جاهلانه از ارزش‌ها

اینکه به بهانه حجاب، اجازه داده نشود خانواده‌های ایرانی و زنان کشور از حق طبیعی خود برای تماشای مسابقات فوتبال بهره‌مند شوند، ممکن است اصل فرهنگ متعالی حجاب را نیز خدشه‌دار کند. چرا که گروهی از این ارزش متعالی، دفاع بد و جاهلانه داشته‌اند. این دفاعیات بد و برخوردهای دوگانه باعث می‌شود تا افکار عمومی در زمان برگزاری همایش سلام فرمانده به عنوان یک حرکت فرهنگی، این پرسش را مطرح کند که اگر حضور زنان در ورزشگاه‌ها اشکال دارد، چرا در زمان برگزاری این همایش، جلوی حضور زنان در ورزشگاه‌ها گرفته نشده و اگر حضور زنان و دختران ایرادی ندارد، چرا در سایر برهه‌ها اجازه حضور به بانوان ایرانی داده نمی‌شود؟ این ابهام باعث می‌شود تا اصل محتوای این همایش که نظام آن را ترتیب داده تا در بطن آن ارزش‌های مورد نظر خود را تبلیغ کند، مورد ابهام قرار بگیرد. این ابهامات زمانی ظهور پیدا می‌کنند که برخوردهای دوگانه و دفاعیات نامناسبی از ضرورت‌های فرهنگی صورت گرفته باشد. نباید فراموش کرد، موضوع مرگ دختر آبی به دلیل دستگیری در زمان حضور در ورزشگاه آزادی و برخوردهای سخت با بانوان متقاضی حضور در استادیوم مشهد، حوادثی هستند که مدت زمان زیادی از آن نگذشته است. این رسوبات فکری باعث می‌شود تا در زمان برگزاری همایش سلام فرمانده، افکار عمومی مدام از خود بپرسد، اگر حضور زنان ایراد دارد، چرا این حجم انبوه از زنان برای حضور در یک همایش، راهی ورزشگاه آزادی شده‌اند و اگر ایرادی ندارد، چرا در طول تمام این سال‌ها این حق طبیعی از زنان و دختران ایرانی دریغ شده است؟ همین امروز که دولت مدام از ضرورت بهره‌برداری از جام جهانی فوتبال سخن می‌گوید، ضروری است که مشکل حضور زنان و دختران ایرانی در ورزشگاه‌ها یک‌بار برای همیشه حل شود. به نظرم دیگر زمان آن رسیده که سیستم از خودزنی، دست برداشته و تلاش کند، مجموعه گروه‌ها و جریانات کشور را ذیل یک قانون و یک هنجار ساماندهی کند. اینکه برخی افراد و جریانات تصور کنند قدرت و نفوذی فراتر از قانون دارند و مبتنی بر این تصور هر اقدام درست یا نادرستی را می‌تواند انجام دهند، همان دفاع بدی است که نهایتا باعث خدشه‌دار شدن ارزش‌های بنیادین کشور می‌شود. ارزش‌هایی که همه روی آن توافق داریم و حفظ آنها را برای تداوم تاریخ و تمدن ایرانی ضروری می‌دانیم. ارزش‌هایی برای همه فصول و همه اعصار...

متروپل از زاویه دیگر

همچنین انتخاب سرمایه‌گذار به دلیل فقدان مقررات مورد نیاز به درستی صورت نمی‌گیرد و افرادی در این پروژه‌ها مشارکت کرده که از توان مالی لازم برخوردار نیستند. لذا با طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها و در نتیجه اتلاف منابع روبرو می‌شویم.

۲- زمین‌های فاقد سند مالکیت شهرداری:

آورده شهرداری در این پروژه‌ها معمولا زمین‌هایی است که فاقد سند مالکیت هستند که نمونه این پروژه‌ها در تهران، پروژه هزار و یک شهر را می‌توان نام برد که مدت‌های زیادی به واسطه فاقد سند بودن اراضی در اختیار از سوی شهرداری با تعطیلی و توقف مواجه شده بود که در نهایت در سال ۱۳۹۹ این اراضی که از سوی تعاونی مسکن یکی از سازمان‌های نظامی به شهرداری داده شده بود با پیگیری‌های زیاد صاحب سند شدند، لذا تاخیر در اجرای پروژه، اساسا ادامه پروژه را فاقد توجیه اقتصادی برای شریک کرده است.

۳- فاقد پروانه ساختمانی بودن برخی از پروژه‌های مشارکتی:

به دلیل فاقد سند بودن املاک شهرداری در پروژه‌های یادشده شهرداری‌ها نمی‌توانند پروانه ساختمانی برای پروژه‌های مشارکتی صادر کنند و در نتیجه ساختمان‌هایی احداث می‌شود که مقررات ملی ساختمان و نیز ضوابط و مقررات شهرسازی رعایت نمی‌شود یا کمتر رعایت می‌شود، معمولا به دلیل فاقد پروانه بودن ساخت‌وسازها از میزان مقرر در قراردادها تجاوز می‌کند و تخلفات عدیده و بزرگی صورت می‌گیرد و از آنجا که شهرداری‌ها در پروژه‌های مشارکتی ذینفع هستند از تخلفات ممانعت نکرده و برای رسیدگی به کمیسیون‌های ماده صد قانون شهرداری ارجاع نمی‌کنند. از اینگونه پروژه‌ها نمونه‌های متعددی در شهر تهران اجرا شده است که نیازمند توجه و رسیدگی شهرداری و شورای شهر است.

در منطقه ۲۲ پروژه‌های مشارکتی فاقد پروانه ساختمانی را به کمیسیون ماده صد ارسال می‌شد که اساسا با تعجب و مخالفت همکاران شهرداری مواجه می‌شد، با این استدلال که در صورت اصرار رای مبتنی بر قلع و تخریب، شهرداری باید پروژه‌هایی که در آن منفعت دارد را از بین ببرد یا اینکه رای مبتنی بر جریمه چه توفیری برای شهرداری دارد، چرا که مبلغ جریمه از جیب شهرداری به آن جیب شهرداری واریز می‌شود.

در خاتمه باید اذعان کرد که منفعت شهرداری در پروژه‌های مشارکتی چون متروپل آنها را از نظارت دقیق بازمی‌دارد و بروز این حوادث ناشی از ناکارآمدی و نبود مقررات روشن و عدم مراقبت جدی، محدود به متروپل نخواهد بود.

قوه قضاییه

اژه‌ای در نشست با اعضای هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی:

قانون مطبوعات باید تغییر کند

اگر فردی، همراه انقلاب نبود و شکایت کرد، ما نباید بگوییم به آن شکایت رسیدگی نمی‌کنیم

گروه سیاسی

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، در نشست با اعضای هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی، ضمن تبیین و تشریح نقش و تاثیرگذاری رسانه‌ها بر حوزه‌های مختلف زیست اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و عملکرد رسانه‌های نوینی که سبب تحول در جنگ روایت‌ها شده‌اند، اظهار کرد: امروز تاثیرگذاری رسانه‌ها در شوون مختلف زندگی و مسائل حکمرانی، برجسته است؛ از سوی دیگر، پیوسته شاهد تحول در حوزه رسانه و ابزارهای مرتبط با آن هستیم؛ لذا ما نیز نیازمند تحول در این مقوله هستیم.

به گزارش ایلنا، رییس دستگاه قضا در ادامه با اشاره به اصل ۲۴ قانون اساسی، ناظر بر آزادی بیان نشریات و مطبوعات مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد و همچنین اصل ۱۶۸ قانون مزبور، ناظر بر رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به صورت علنی و با حضور هیات منصفه گفت: از اول انقلاب در قانون مطبوعات اصلاحات و تغییراتی لحاظ شده است و انجام این اصلاحات در زمان حاضر نیز مبتنی بر شرایط و مقتضیات زمان، ضروری به نظر می‌رسد.

رییس عدلیه ضمن یادآوری این مهم که دستگاه قضایی نمی‌تواند از اجرای مفاد و حکم قانون تخطی کند، تصریح کرد: ما در قوه قضاییه این آمادگی را داریم که با اعضای هیات منصفه جرایم سیاسی و مطبوعاتی و سایر نخبگان این حوزه در راستای اصلاح قوانین مربوطه، تصحیح روش‌ها و ارایه آموزش‌های به‌روز، نشست‌های هم‌اندیشی و تخصصی برگزار کنیم تا در خصوص اختلاف‌نظرها و نکات و نقاط دارای ابهام به جمع‌بندی و اشتراک نظر و عمل نائل شویم. رییس قوه قضاییه در همین راستا بیان داشت: بدون تردید در قبال مسائل و موضوعاتی نظیر مقوله‌های رسانه‌ای، فرهنگی، سینمایی و مقوله‌های مشابه، اختلاف دیدگاه و نظر وجود دارد؛ اما آن چیزی که ملاک و معیار است، اجرای قانون و عمل به آن است؛ لذا چنانچه هیات منصفه جرایم سیاسی و مطبوعاتی یا هیات قضایی رسیدگی کننده به جرایم مزبور، وقوع جرمی را محرز دانست باید بدون توجه و مدخلیت دیدگاه‌های بعضا متفاوت موجود، موضوع را تعقیب و رسیدگی کند.

«بر اساس فتوای شما نظر هیات منصفه بر رای قاضی، رجحان دارد یا اینکه دیدگاه هیات منصفه یک نظر مشورتی است؟» این سوالی بود که در این نشست یکی از اعضای هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی از رییس قوه قضاییه مطرح کرد و قاضی‌القضات خطاب به او گفت: در مورد این نکته که تعبیر به فتوا کردید، باید بگویم که من صاحب فتوا نیستم و فتوا هم نمی‌دهم؛ ملاک و معیار ما باید قانون باشد؛ البته ممکن است این موضوع مطرح شود که نیاز به اصلاح قانون وجود دارد، این مبحث جداگانه‌ای است؛ چنانکه روزی اصلاح قانون لازم بود و این مهم انجام شد، کما اینکه پیش‌تر نیز این اتفاق رخ داده، آنگاه بر مبنای قانون جدید و اصلاح شده، عمل می‌کنیم.

محسنی‌اژه‌ای در ادامه با اشاره به وظایف و مسوولیت‌های قانونی اعضای هیات منصفه مطبوعات و همچنین قضات رسیدگی‌کننده به جرایم سیاسی و مطبوعاتی تصریح کرد: فهم قانون، تشخیص موضوع، انطباق حکم با موضوع و همچنین توجه به مستندات و مدارک اثبات‌کننده جرم، از ملزومات و ضروریات امر خطیر قضاوت است؛ اعتنا و التفات تمام و کمال به این شاخصه‌ها در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. رییس قوه قضاییه با اشاره به جنگ نرم و ترکیبی دشمن علیه کشور و مردم ما و انقلاب اسلامی اظهار داشت: نحوه مواجهه و برخورد با مسائل و معضلات فرهنگی متفاوت از رسیدگی به سایر جرایم و تخلفات نظیر سرقت و... است؛ ما در دستگاه قضایی به این مهم التفات و عنایت داریم و اقدامات مقتضی را در این راستا ترتیب داده‌ایم. چنانچه موضوعی قابل تخفیف و تعلیق بود باید بر مبنای ترتیبات و پیش‌بینی قانونی، این موارد تخفیف و تعلیق مجازات لحاظ شود.

رییس عدلیه با تاکید بر اینکه قوه قضاییه طبق قانون اساسی و قانون موضوعه باید مأمن و ملجأ و مرجع تظلم‌خواهی همگان باشد، خطاب به اعضای هیات منصفه رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی اظهار داشت: اگر فردی، همراه انقلاب نبود و شکایت کرد، ما نبایدبگوییم به آن شکایت رسیدگی نمی‌کنیم؛ یا بالعکس اگر کسی همراه انقلاب بود و جرمی مرتکب شد، نباید چشم‌پوشی کرد، چراکه این خلاف انصاف و قانون و عدل است؛ البته چنانچه موضوعی قابل تخفیف و تعلیق بود باید بر مبنای ترتیبات و پیش‌بینی قانونی، این موارد تخفیف و تعلیق مجازات لحاظ شود.

پیش از سخنان رییس قوه قضاییه در این نشست، حجت‌الاسلام‌والمسلمین رحیمیان، رییس هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی اظهار کرد: همان‌طور که حضور حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای در راس قوه قضاییه با پیشینه درخشانی که در این دستگاه داشتند منشا خیرات و برکات بسیاری بوده، امیدوار هستیم که در مسائل مرتبط با حوزه‌های سیاسی و مطبوعاتی و آنچه در این عرصه‌ها می‌گذرد نیز شاهد شکوفایی و روند مطلوب‌تری در قوه قضاییه باشیم. وی با اشاره به تغییر و تحولات صورت گرفته در عرصه رسانه طی سالیان و دهه‌های گذشته، احکام و قوانین مربوط به عرصه رسانه و مطبوعات را نیازمند اصلاح دانست و گفت: در گذشته تنها روزنامه‌ها و مجلات، مصداق رسانه بودند اما امروز این مفهوم بسیار گسترده شده و شاهد هستیم که گاهی نقش تابلوها و بیلبوردهای خیابانی و بزرگراهی، فراگیرتر و نافذتر از رسانه‌های معمولی است.

مواردی که رای قاضی خلاف رای برائت یا مجرمیت هیات منصفه بوده انگشت‌شمار و بسیار معدود است ناصر سراج، نماینده رییس قوه قضاییه در تعیین اعضای هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی نیز طی سخنانی در این جلسه گفت: در حال حاضر کلیه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی کشور بدون استثنا با حضور هیات منصفه تشکیل می‌شود. سراج همچنین مواردی که رای قاضی خلاف رای برائت یا مجرمیت هیات منصفه بوده را انگشت‌شمار و بسیار معدود دانست و گفت: مادامی که قانون فعلی وجود داشته باشد، قضات موظف هستند طبق قانون حکم دهند و طبیعی است که اگر قانون اصلاح شود قضات نیز تابع قانون جدید خواهند بود.

وی با بیان اینکه در نتیجه انتخابات مهر ماه سال ۱۴۰۱، تعداد ۴۴۱ نفر به عضویت هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی سراسر کشور در آمدند، گفت: اعضای هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی در تهران ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر است. علی‌اکبر کساییان، دبیر هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی نیز در این جلسه با قدردانی از تحولات صورت گرفته در دستگاه قضایی طی دوره ریاست حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای در قوه قضاییه اظهار کرد: اقدامات و ابتکارات عدالت‌گستر رییس عدلیه نظیر قلع و قمع مستحدثات غیرمجاز در حریم رودها و دریاها، مبارزه با مفسدان، کوه‌خواران و جنگل‌خواران، رسیدگی به مسائل زندانیان و همچنین بازدیدهای سرزده از مراجع و محاکم قضایی و حضور در کنار مردم، زیر ذره‌بین آحاد ملت بوده و نور امید به دستگاه قضا را در دل‌ها تابانیده است. علیرضا سربخش نیز در این جلسه با بیان اینکه مرحوم آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در دوران ریاست خود بر قوه قضاییه، نظر هیات منصفه را بر نظر قاضی صائب می‌دانستند و آیت‌الله آملی لاریجانی نیز در زمان ریاست خود بر عدلیه، نظر هیات منصفه را به عنوان مشاور قاضی قلمداد می‌کردند، خواستار آن شد که رییس کنونی قوه قضاییه نیز فتوای خود را در خصوص جایگاه‌های رای هیات منصفه و حکم دادگاه بیان کند.

اکبر نصراللهی نیز در این جلسه ضمن قدردانی از اقدامات امیدبخش، تحول‌آفرین و اعتمادآفرینی که در دوره تحول و تعالی قوه قضاییه صورت گرفته و بازخوردهای مثبتی در جامعه داشته است، عنوان کرد: در عصر کنونی، علاوه بر تغییر و تحولات صورت گرفته در منابع خبری، شاهد هستیم که مدل تولید، توزیع و انتشار اخبار و پیام‌ها نیز تغییر کرده و ضروری است که متناسب با این تغییر و تحول، قانون مطبوعات نیز تغییر پیدا کند و اصلاح شود.

وی در ادامه خواستار آن شد که آموزش سواد رسانه‌ای به قضات و کارکنان قوه قضاییه، در اولویت امور دستگاه قضایی قرار داشته باشد. احمد مومنی‌راد، سخنگوی هیات منصفه سیاسی و مطبوعاتی نیز در این جلسه قانون مطبوعات را نیازمند تغییر و تحول در راستای تحولات رخ داده در جامعه و رسانه‌های امروزی دانست و گفت: باید بررسی شود که چرا گاهی یک قاضی، رای به محکومیت فردی می‌دهد که اعضای هیات منصفه سیاسی و مطبوعات بالاتفاق رای به برائت او داده‌اند.

نامه

نامه سرگشاده کمیسیون زنان بنیاد باران خطاب به «انسیه خزعلی»:

اصلی‌ترین مساله زنان این سرزمین تامین امنیت است

به گزارش دیده‌بان ایران؛ کمیسیون زنان بنیاد باران با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به معاون رییس دولت سیزدهم درباره مانع‌تراشی‌ها در مسیر تصویب لایحه حفظ امنیت و کرامت زنان و خانواده و عواقب آن هشدار دادند. متن کامل این نامه به شرح زیر می‌باشد:

به نام خدا

نامه سرگشاده

سرکار خانم دکتر خزعلی

معاون محترم رییس جمهور

با سلام

احتراما به آگاهی می‌رساند اکنون که در دهه پنجم انقلاب اسلامی به سر می‌بریم مطالبات انباشته شده زنان روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود. زمانی که با ندای رهبر کبیر انقلاب امام خمینی زنان و مردان این سرزمین پا در عرصه مشارکت برای پیروزی انقلاب اسلامی گذاشتند، اهداف بلندی نظیر استقلال و آزادی را در لوای جمهوری اسلامی به عنوان نظام دموکراتیک و اسلامی مورد نظر داشتند. آنها با امید به اینکه در پرتوی نظام سیاسی مبتنی بر دین اسلام و مشارکت مردمی بتوانند مشکلات و نیازهای خود را برآورده کنند تلاش‌های بسیاری انجام دادند و زخم‌های ناشی از جنگ تحمیلی هشت ساله به همراه فشارهای ناشی از تحریم را به جان خریدند تا بتوانند کشور خود را از شر دشمنان دور کنند و مطالبات خود را پاسخ بگیرند.

اکنون پس از طی نزدیک به نیم قرن آنان همچنان نیازمند طرح مطالبات هستند چرا که پاسخ‌های درخور هنوز برای آنان ارایه نشده و شکاف جدی میان خود به عنوان زنان این سرزمین و تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها می‌بینند. زنان این سرزمین اصلی‌ترین مساله خود را امنیت می‌دانند امنیت در جامعه و خانواده و این میسر نمی‌شود مگر آنکه ریشه‌های خشونت علیه زنان از نظر فرهنگی و قانونی خشکیده شود.

لایحه حفظ امنیت و کرامت زنان و خانواده بیش از یک دهه در کش و قوس قوای مختلف درگیر بود و اکنون که به مجلس شورای اسلامی ارسال شده بیش از یک سال است که اتفاقی نیفتاده است. مطالبات زنان که ناشی از گسترش خشونت برای آنان در فضای خانواده و اجتماع اشکال نگران کننده‌ای به خود گرفته نیازمند توجه بیشتر قانونگذاران و مسوولان اجرایی کشور است.

از این رو خواهشمند است با عنایت به وقایع اخیر و اقدامات نگران کننده در شهرها و استان‌های مختلف کشور نظیر خوزستان، گیلان و شهرهای بزرگ و کوچک دیگر اقدام عاجل برای بررسی و قانونگذاری در این خصوص صورت پذیرد. بدیهی است پیگیری جنابعالی امکان دستیابی به این هدف را بیشتر خواهد کرد.

در ادامه لازم می‌دانیم به عنوان یک تشکل غیر دولتی از دیگر مطالبات اساسی زنان نظیر رفع تبعیض شغلی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای زنان در جهت کاهش نابرابری اقتصادی و بروز نوعی فقر مزمن که دامنگیر آنان گشته به ویژه زنان سرپرست خانوار و دختران تحصیلکرده کشور، با کمک سایر دستگاه‌ها اقداماتی جدی در این خصوص صورت پذیرد.

در همین راستا بروز برخی نگرانی‌ها ناشی از جداسازی و تشویق کودک‌همسری به بهانه افزایش جمعیت که دغدغه جنابعالی و ما است را به عنوان یک امر مهم برای سلامت دختران خردسال این سرزمین می‌دانیم که نیازمند توجه بیشتر دولت است. آموزش خانواده‌ها، کمک‌های مالی به آنها برای ادامه تحصیل دختران خردسال این سرزمین به معنای سرمایه‌گذاری بر نسل آینده زنان پرتوان این کشور است پس در نگاهی آینده‌نگر به سلامت روح و روان و جسم آنان توجه ویژه باید صورت پذیرد. طرح‌های توانمندسازی خانوار و حمایت قانونی و حقوقی از این فرزندان خردسال معنای واقعی عدالت است که نظام سیاسی ما همواره در پی آن بوده است.

در ادامه ضروری می‌دانیم توجه ویژه‌ای به مطالبات زنان کشور بر اساس نظرسنجی که در سال ۱۳۹۶ صورت گرفته و اصلی‌ترین مسائل آنان طرح شده صورت بگیرد.

بدیهی است جایگاه معاونت زنان ریاست جمهوری مأمنی برای مطالبات بر زمین مانده زنان این کشور است که متاسفانه تاکنون به صورت انباشته شده باز تولید می‌شود. زنان این سرزمین در بستر جمهوری اسلامی به دنبال رفع مشکلات و گشوده شدن فرصت‌های تازه برای رشد و بالندگی بودند اما همواره این مسائل به حاشیه رانده شده است و در همه دولت‌ها به صورت نسبی مسائل زنان در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته و به بهانه مسائل جدی‌تر دغدغه‌ها و مسائل آنان مورد توجه واقع نشده است. تشکیل ستاد زن و خانواده بارقه‌ای از امید برای حل مشکلات اجرایی زنان در کشور است که اگر از ظرفیت‌های آن بهره لازم صورت بگیرد بستری فعال و اثرگذار خواهد بود. از این رو توجه به کارگروه‌های تخصصی مرتبط با این مهم می‌تواند راهی برای حل مشکلات و مسائل مرتبط بر زنان این کشور باشد. امید است بهره‌گیری از تجارب گذشته در بستر همکاری با تشکل‌های غیردولتی زنان بتواند بازوان پرتوانی برای معاونت امور زنان گردد!

کمیسیون زنان بنیاد باران

پیشخوان

اطلاعیه ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی (س)

رهبر معظم انقلاب سخنران روز چهاردهم خرداد

فارس | رهبر معظم انقلاب، سخنران مراسم ۱۴ خرداد امسال در حرم مطهر امام خمینی (ره) خواهند بود. این مراسم بعد از دو سال وقفه به دلیل محدودیت‌های ناشی از بیماری کرونا، به صورت حضوری و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در حرم مطهر امام خمینی (ره) برگزار می‌شود. سخنران مراسم شب ۱۴ خرداد هم رییس جمهور خواهد بود. ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی (س) با صدور اطلاعیه‌ای برنامه‌های سی و سومین سالروز ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (سلام‌الله علیه) از اینکه به‌لحاظ دستورالعمل‌های بهداشتی ناگزیر از برگزاری مراسم ۱۴ خرداد در حرم مطهر حضرت امام با رعایت محدودیت جمعیت شرکت‌کننده است از میلیون‌ها تن پیروان حضرت امام در سراسر کشور که مشتاق حضور در مراسم معنوی حرم مطهر آن حضرت هستند، عذرخواهی کرده و مقدم این عزیزان را در برنامه‌های بزرگداشتی که از سوی ستادهای استانی در شهرهای مختلف برگزار می‌گردد گرامی می‌دارد.» برنامه‌های مراسم بزرگداشت حضرت امام خمینی به شرح زیر است: ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ مقارن با شب ارتحال امام عظیم‌الشأن، ساعت ۲۱:۳۰، در حرم مطهر امام خمینی، سخنرانی ریاست محترم جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سید ابراهیم رییسی. روز ۱۴ خرداد ۱۴۰۱، شروع مراسم ساعت ۹ صبح در حرم مطهر امام خمینی، تلاوت قرآن مجید، مدیحه‌سرایی مداحان اهل بیت (ع)، خیرمقدم و سخنان حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسن خمینی، یادگار گرامی حضرت امام و سپس همه شیفتگان و زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی به سخنان مهم رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) گوش جان می‌سپارند.

پیشخوان
Pishkhan.com

واکنش‌ها به تخطئه سخنی از امام خمینی (ره)

سخنان یک نماینده جبهه پایداری و از شاگردان آیت‌الله مصباح‌یزدی درباره جمله امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه «میزان رای ملت است»، واکنش‌هایی بسیاری را در پی داشته است. محمد مهاجری روز گذشته در نامه‌ای خطاب به سیدحسن خمینی، نوشت: «هفته گذشته در یک برنامه تلویزیونی فردی به‌نام آقای شیخ‌حسین جلالی (گویا نماینده رفسنجان و مسوول سابق دفتر مرحوم آیت‌الله مصباح و از سرکردگان گروه موسوم به جبهه پایداری) صراحتا اظهار کرد جمله معروف امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۸ مبنی بر اینکه «میزان رای مردم است» در واقع نه دیدگاه ایشان بلکه پاسخی بوده که در جدال با روشنفکران گفته‌اند.» مهاجری نسبت با واکنش نشان ندادن بیت امام به این اظهارنظر نماینده جبهه پایداری انتقاد کرد. از سوی دیگر علی شکوری‌راد، از فعالان حزب اتحاد ملت نیز در توییتی نوشت: «اخیرا یک نماینده مجلس که عضو جبهه پایداری و از پیروان آیت‌الله مصباح‌یزدی است در سیمای جمهوری اسلامی ایران فرصت داده شده است تا جمله میزان رای ملت است امام خمینی را تخطئه کند. از مقام معظم رهبری می‌خواهم در مرقد امام اعتقاد نظام به این جمله فقهی و تاریخی امام را تشریح کنند.» هر چند سیدحسن خمینی در سخنانی که روز گذشته بیان کرده، به‌طور تلویحی به این سخن پاسخ داده است. سید حسن خمینی گفت: «جمهوری اسلامی خلافت نیست؛ پذیرش این است که ما یک دولت-شهر هستیم؛ دنیای جدید با پذیرش کشور به عنوان یک واحد ملی، تعریف می‌شود. انقلاب اسلامی در حوزه نظر چندین کار مختلف انجام داده است؛ نخست اینکه عنصر رای مردم را داخل در حکومت کرده و این مقوله بسیار مهمی است.» سید حسن خمینی تاکید کرد: «تعبیر امام مبنی بر میزان رای ملت است، یک تعبیر ساده‌انگارانه نیست و جمهوری اسلامی خلافت نیست.»

رییسی به کرمانشاه سفر می‌کند

تسنیم | رییس مجمع نمایندگان کرمانشاه از سفر رییس جمهور به کرمانشاه در آینده‌ای نزدیک خبر داد. علی‌رضایی رییس مجمع نمایندگان کرمانشاه با بیان اینکه «در این سفر از رییس جمهور موضوع طرح‌های عمرانی ملی را پیگیری خواهیم کرد»، گفت: از جمله این طرح‌ها که باید تکمیل شود راه‌آهن غرب کشور است که در این سفر، تأمین اعتبار برای این پروژه پیگیری خواهد شد. یکی دیگر از مهم‌ترین مطالبات کرمانشاه در سفر رییس جمهور تعیین تکلیف پروژه پتروپالایش آناهیتا و اجرایی شدن آن پس از سال‌ها است.

گزارش روز

نخست‌وزیر رژیم اسراییل، ایران را به سرقت اسناد آژانس متهم کرد

تئاتر توییتری تل آویو

سارا معصومی

سطح تنش میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسراییل وارد فاز جدیدی شده است. درست در روزهایی که مذاکرات برای احیای برجام بدون نتیجه ملموس و مشخص اما به گفته سخنگوی وزارت خارجه ایران به دور از فضای عمومی و رسانه‌ای و با پیام‌رسانی انریکه مورا، معاون مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ادامه دارد، تل آویو از هیچ تلاشی برای تاثیرگذاری بر این پرونده دریغ نمی‌کند. اگر تا دیروز سطح اصطکاک منافع تهران و تل آویو در فلسطین، لبنان یا سوریه بود امروز ایران شاهد عیان شدن دوستی کشورهای همجوار و همسایه و البته مسلمان با اسراییل است و همزمان فاصله هدف قرار گرفتن تاسیسات هسته‌ای و نظامی و همچنین عملیات تروریستی رژیم اسراییل علیه دانشمندان هسته‌ای، چهره‌های مطرح امنیتی و البته اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کم و کمتر شده است. از سوی دیگر تلاش‌های رژیم اسراییل برای به تاخیر انداختن احیای برجام و در نتیجه کاهش بهره‌مندی تاثیرگذار ایران از رفع تحریم‌ها و عادی‌سازی رابطه بانکی -مالی، اقتصادی و تجاری با ایران هر روز ابعاد جدیدی پیدا می‌کند هرچند که ابزار نفتالی بنت، نخست‌وزیر کنونی رژیم اسراییل نیز در این مسیر تفاوتی با رویه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر سابق این رژیم ندارد. تکرار سناریو امنیتی‌سازی دوباره پرونده ایران، غایتی است که رژیم اسراییل هیچ‌گاه امید خود را برای تحقق دوباره آن و منزوی ساختن سیاسی و اقتصادی تهران در سایه آن از دست نداد.

پرونده‌سازی جدید اسراییل علیه ایران

«ایران درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود به جهان دروغ می‌گوید.» این گزاره‌ای است که سیاستمداران اسراییلی در بیش از دو دهه اخیر هیچ‌گاه از تکرار آن خسته نشدند. برنامه هسته‌ای ایران در گذشته، امروز و حتی نقشه‌های ایران برای توسعه این برنامه در آینده همواره محور پرونده‌سازی تل آویو علیه تهران بوده و ناگفته پیداست که در چند بازه زمانی هم اسراییلی‌ها دست پر از این جدال بیرون آمده و موفق شدند در سایه امنیتی‌سازی این برنامه، تهران را تحت تحریم شورای امنیت سازمان ملل و هدف چند قطعنامه سنگین تحریمی قرار دهند. موفقیتی که در سایه مذاکره برای توافق هسته‌ای در جولای سال ۲۰۱۵ و با تولد برجام به شکست تبدیل شد اما نخست‌وزیر وقت رژیم اسراییل با موفقیت در متقاعد کردن دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین ایالات متحده برای خروج از برجام و بازگرداندن تحریم‌های یکجانبه علیه ایران توانست زمینه را برای تحقق دوباره آن فراهم کند.

اکنون همزمان با کند شدن روند مذاکرات در وین برای احیای برجام، نفتالی بنت که براساس گزارش رسانه‌های امریکایی موفق شده نظر مثبت جو بایدن برای حفظ نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست به اصطلاح گروه‌های تروریستی امریکا را جلب کند به فضاسازی‌های رسانه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران ادامه داده و تلاش می‌کند با استناد به مدارکی که ادعا می‌کند از ایران ربوده شده اثبات کند که تهران در گذشته به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره کیفیت و کمیت و البته اهداف برنامه هسته‌ای خود دروغ گفته است.

در تازه‌ترین این تلاش‌ها، بعدازظهر روز سه‌شنبه، نفتالی بنت با انتشار سه توییت پاسخ سخنان وزیر خارجه ایران در اجلاس داووس و در گفت‌وگو با فرید زکریا را داد. نفتالی بنت در یکی از این توییت‌ها، ویدیوی بخشی از پاسخ امیرعبداللهیان به زکریا درباره ادعای اسراییل مبنی بر سرقت اسناد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسط ایران در گذشته و سندسازی را منتشر کرد. وزیر خارجه ایران در پاسخ به این پرسش گفت که «متاسفانه صهیونیست‌ها دروغ‌های زیادی را منتشر می‌کنند.» نفتالی بنت در پاسخ به وزیر خارجه ایران، اسنادی را که ادعا کرد مربوط به فعالیت هسته‌ای ایران در گذشته است، منتشر کرده و ایران را به «دروغ گفتن» به جهانیان متهم کرد. نفتالی بنت در این ویدیو، برگه‌هایی به زبان فارسی را در دست گرفته و به دوربین نشان می‌دهد. برگه‌هایی که همزمان در گوگل‌درایو در دسترس عموم هم قرار گرفته و مهر وزارت اطلاعات ایران بر برخی از آنها مشهود است. اما اساس سخنان نفتالی بنت بر پایه گزارشی است که روزنامه وال استریت ژورنال روز چهارم خرداد منتشر کرده و در آن ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران در گذشته به اسناد محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دستیابی و از محتوای آنها برای مخفی کردن بخش‌هایی از برنامه هسته‌ای خود استفاده کرده است.

نفتالی بنت در بخش‌هایی از ویدیوی منتشر شده ادعا می‌کند که «ایران پس از دزدیدن اسناد طبقه‌بندی شده از آژانس اتمی سازمان ملل متحد از این اطلاعات استفاده کرد تا بفهمد که آژانس اتمی به دنبال یافتن چه اطلاعاتی است. ایران سپس یک داستان پوششی درست و شواهد را مخفی کرد تا از بازرسی هسته‌ای آژانس فرار کند. ما چند سال پیش طرح فریبکاری ایران را به دست آوردیم و این طرح همین جاست، در دست من، به زبان فارسی، شامل صدها صفحه و با مهر وزارت اطلاعات ایران. حتی برخی یادداشت‌های دست‌نویس مقامات ارشد ایرانی نیز روی این اسناد هست، از جمله یادداشت وزیر دفاع وقت، [محسن] فخری‌زاده که نوشته است: دیر یا زود آژانس انرژی اتمی مراجعه می‌کنند. از ما پرسش خواهند کرد و ما باید یک داستان پوششی جامع برای آنها داشته باشیم.» نخست‌وزیر رژیم اسراییل در پایان پیام خود با تکرار این ادعا که «ایران به جهان دروغ گفته و اکنون هم دوباره به دنیا دروغ می‌گوید»، افزود: «جهان باید کاری کند که ایران قسر در نرود.»

به گزارش رسانه‌های امریکایی، نفتالی بنت در بخش‌هایی از این ویدیو به اشتباه از محسن فخری‌زاده به عنوان وزیر دفاع یاد می‌کند اما اسناد منتشر شده حاوی یادداشتی با دستخط فخری‌زاده خطاب به جانشین وزیر دفاع وقت ایران و با موضوعی است که نفتالی بنت شرح می‌دهد. دفتر نخست‌وزیری رژیم اسراییل در گوگل‌درایو هشت فولدر منتشر کرده که (طبق ادعای او) شامل عکسی از اتاق انفجار در سایت پارچین، اسنادی درباره سایت لویزان و همین طور پوشه‌ای حاوی اسناد وزارت دفاع و قوه قضاییه ایران مربوط به شرکت کیمیا معدن است. در سوابق ثبت شرکت‌ها، این شرکت به نام «کیمیا معدن» در دسامبر ۲۰۰۱ منحل شده است. با این حال، در مدرک دیگری دیده می‌شود که مقامات ایرانی دستور گرفته بودند که تاریخ انحلال این شرکت را به ماه مه ۲۰۰۳ [از سال ۱۳۸۰ به ۸۲] تغییر دهند. تغییر این تاریخ به ایران امکان می‌داد که در گزارش خود به آژانس بگوید شرکت «کیمیا معدن» تا سال ۲۰۰۳ در همکاری با سازمان انرژی اتمی ایران در حوزه معدن اورانیوم فعال بوده است و این گونه جلوه دهد که این معدن غیرنظامی بوده و هیچ ارتباطی با فعالیت‌های نظامی اتمی نداشته است.

در گزارش وال استریت ژورنال ادعا شده که این اسناد که جمهوری اسلامی نزدیک به دو دهه پیش به آنها دست یافته، درباره سابقه فعالیت اتمی ایران بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ میلادی بوده و به عنوان اسناد محرمانه در آژانس نگهداری می‌شده است. این روزنامه به نقل از «منابع اطلاعاتی خاورمیانه» نوشته است در حالی که آژانس در حال بررسی فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود، این اسناد طی دو سال یادشده «میان مقام‌های ارشد نظامی، دولتی و هسته‌ای» جمهوری اسلامی دست به دست می‌شد.

در بخش دیگری از گزارش وال استریت ژورنال ادعا شده که ماموران اطلاعاتی ایران در ماه مه ۲۰۰۴ گزارش داخلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در اختیار مقام‌های ارشد قرار دادند تا آنها را برای یک بازرسی برنامه‌ریزی‌شده بازرسان آژانس آماده کنند. قرار بوده این بازرسی سه روز بعد از کارخانه تولید آب سنگین در جنوب غرب تهران در نزدیکی شهر اراک صورت بگیرد. ایران به آژانس گفته بود که قصد دارد یک رآکتور آب سنگین برای استفاده پزشکی و تحقیقاتی در آنجا بسازد. چنین رآکتورهایی از آب سنگین به عنوان خنک‌کننده استفاده می‌کنند و پلوتونیوم را که قابل استفاده در تسلیحاتی اتمی است، به عنوان یک محصول جانبی تولید می‌کنند. سند آژانس شامل جزییات اطلاعات ماهواره‌ای و شواهد منابع باز از کار ایران در زمینه آب سنگین و فهرستی از ۱۸ سوالی بوده که این نهاد برای پرسیدن از ایران در مورد کار آن آماده کرده بود. این روزنامه امریکایی نوشته است که از جمله مقام‌هایی که درباره سوابق آژانس هشدار داده بودند، علی شمخانی، وزیر دفاع وقت و دبیر فعلی شورای عالی امنیت ملی بوده است. به آنها گفته شد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تحقیقاتی در مورد کار آب سنگین ایران انجام داده است. نفتالی بنت در توییت دوم خود ادعا می‌کند که اسراییل به این اسناد دست پیدا کرده اما درباره نحوه این دسترسی توضیح بیشتری نمی‌دهد. بنت در حالی ایران را به سرقت اطلاعات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متهم می‌کند که اسراییلی‌ها ادعا می‌کنند این اسناد مجموعه‌ای از بیش از ۱۰۰ هزار سند و پرونده‌ای بوده که از انباری در نزدیکی تهران ربوده‌اند و به داخل اسراییل انتقال داده‌اند. سازمان اطلاعات خارجی اسراییل (موساد) در ژانویه ۲۰۱۸ رسما اعلام کرد که نیم تن از اسناد هسته‌ای بایگانی شده ایران را در یک شب ربوده است. در همان مقطع زمانی، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر وقت رژیم اسراییل در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل گفت که بعضی از این اسناد از سوی تل آویو در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داده شده است. جمهوری اسلامی ایران همواره سرقت این اسناد را تکذیب کرده و تاکید دارد که اسراییلی‌ها در حال سندسازی هستند. با این وجود پرونده اختلافی جدیدی که پس از انتقال این اسناد ادعایی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی میان ایران و این نهاد فنی باز شد براساس همین اسنادی است که اسراییل در اختیار آژانس قرار داد. نفتالی بنت، نخست‌وزیر رژیم اسراییل هفته گذشته نیز در واکنش به انتشار گزارش وال استریت ژورنال از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواست که در نشست پیش روی شورای حکام پیام قاطعی به تهران بابت آنچه مخفی کاری در برنامه هسته‌ای در گذشته خواند، بدهد.

تلاش برای تاثیرگذاری بر شورای حکام

به گزارش «اعتماد» به نظر می‌رسد که نخست‌وزیر اسراییل در حال محک زدن شانس خود برای صدور قطعنامه یا بیانیه‌ای شدیداللحن علیه ایران در نشست پیش روی شورای حکام است که هفته آینده برگزار خواهد شد. ساعاتی پیش از این نمایش توییتری نفتالی بنت، بخش‌هایی از گزارش فصلی جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در اختیار رسانه‌های غربی قرار گرفت. براساس ترجمه خبرگزاری فارس، آژانس در این گزارش ادعا کرده که ایران در ارایه پاسخ‌های «معتبر فنی» به سوال‌های این نهاد درباره پیدا شدن مواد هسته‌ای در ایران طی سه سال گذشته ناکام بوده است. در بخش دیگری از این گزارش هم اشاره شده که ذخایر اورانیوم غنی‌سازی شده ایران به ۱۸ برابر حد مجاز در برجام رسیده است.

خبرنگار وال استریت ژورنال نیز در صفحه توییتر خود نوشت که آژانس در گزارش خود اعلام کرده: «از زمانی که آژانس ذرات اورانیوم با منشا انسانی (anthropogenic origin) در سه سایت پیدا کرده، به ایران چند فرصت داده تا درباره وجود این مواد توضیح دهد اما ایران توضیحاتی که از نظر فنی در ارتباط با آن چیزی که آژانس در این مکان‌ها پیدا کرده، معتبر باشد، ارایه نکرده است.»

محمدرضا غائبی، سرپرست نمایندگی دایم جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی در وین و آژانس در واکنش به این گزارش با اشاره به اینکه گزارش مدیرکل آژانس منعکس‌کننده همکاری‌های گسترده ایران با آژانس نیست، گفت: جمع‌بندی گزارش عینا همان مطالبی است که مدیرکل حتی پیش از پایان مراحل پیش‌بینی شده در بیانیه مشترک، در پارلمان اروپا قبل از برگزاری دور سوم مذاکرات فنی ارایه کرد. این گزارش متاسفانه با کنار گذاشتن استدلالات مبسوط، مستدل و فنی مطرح شده از سوی طرف ایرانی و نامعتبر خواندن غیرمنصفانه آنها، همچنان بر مفروضات از پیش تعیین شده آژانس تکیه کرده و بر این اساس جمع‌بندی یک‌طرفه خود را ارایه می‌دهد. ایران این رویکرد را غیرسازنده و مخرب نسبت به روابط و همکاری‌های جاری و نزدیک ایران و آژانس ارزیابی کرده و معتقد است آژانس باید متوجه عواقب مخرب انتشار چنین گزارش‌های یک‌سویه‌ای که می‌تواند بهانه لازم را در دست مخالفان روابط ایران و آژانس و مخالفان قسم‌خورده احیای برجام قرار بدهد، باشد.

پس از رسانه‌ای شدن بخش‌هایی از گزارش فصلی جدید رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی واکنش‌ها به محتوای آن آغاز شد. میخاییل اولیانوف، نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین از درز مجدد گزارش آژانس اتمی درباره ایران به رسانه‌ها انتقاد کرده و آن را موجب گمانه‌زنی‌های غیرضروری پیش از نشست شورای حکام خواند.

وزارت امور خارجه فرانسه از ایران خواست فورا به سوالات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های هسته‌ای گذشته خود پاسخ دهد. «ژائو لیجیان»، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در نشست خبری روز سه‌شنبه خود گفت که پکن از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ایران برای حل همه مسائل پادمانی باقی‌مانده از طریق گفت‌وگو و رایزنی حمایت می‌کند. در حالی که مذاکرات برای احیای برجام بسیار کند پیش می‌رود، رایزنی‌های موازی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز درباره اختلاف‌ها در حوزه پادمانی به نتیجه مذاکرات وین گره خورده و به نظر می‌رسد که دو طرف هم به نحوی سرعت پیشروی این مذاکرات را با هم هماهنگ کرده‌اند.

تنش فزاینده میان تهران - تل آویو

تئاتر توییتری نفتالی بنت علیه برنامه هسته‌ای ایران تنها یک تکه از مجموعه‌ای از تنش فزاینده میان ایران و رژیم اسراییل است. در حالی که اسراییل مسوولیت ترور سرهنگ شهید صیاد خدایی در تهران در روز یک خردادماه را نپذیرفته اما رسانه امریکایی نیویورک تایمز هفته گذشته در گزارشی اختصاصی افشا کرد که مقام‌های اسراییلی در گفت‌وگو با همتاهای امریکایی، مسوولیت ترور شهید خدایی را پذیرفته‌اند. افشای این خبر از سوی یک رسانه امریکایی با انتقاد شدید مقامات اسراییلی روبه‌رو شد. پس از این گزارش نیویورک تایمز، روز یکشنبه هفته جاری در گزارشی از پنج کارشناس اطلاعاتی و فناوری اسراییل به عنوان اهداف بالقوه انتقام‌گیری ایران از رژیم اسراییل نام برد.

خبرگزاری فارس در مقاله‌ای تحت عنوان «صهیونیست‌هایی که باید مخفیانه زندگی کنند» نوشت که این افراد علیه کشورهای اسلامی اقدامات خرابکارانه انجام می‌دهند و «علاوه بر خودشان، خانواده‌ها، همکاران و تمام اقدامات‌شان، شبانه‌روز تحت رصد دقیق اطلاعاتی و امنیتی» گروه‌های نیابتی ایران هستند. در این گزارش از سرلشکر «عاموس مالکا» از افسران ارشد ارتش اسراییل، «امیر لوینتال»، از جمله کارشناسان برجسته امنیت سایبری در بخش ترابری ریلی اسراییل، «گال گنوت»، فعال در یگان سایبری ۸۲۰۰ اسراییل، خانم «اینبال آریلی»، از کارآفرینان اسراییلی و «عامیت ملتسر» و انجلیست سرشناس نام برده شده است.

روز دوشنبه، نهم خرداد نیز حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، اسراییل را مسوول حمله به حسن صیادخدایی معرفی کرد و وعده «انتقام» داد. پس از این تحولات، اسراییل روز دوشنبه درباره سفر به ترکیه هشدار داد. شورای امنیت ملی این رژیم در بیانیه‌ای اعلام کرد: در چند هفته گذشته نگرانی‌های روزافزونی در تشکیلات دفاعی کشور نسبت به تلاش‌های ایران برای آسیب زدن به اهداف اسراییلی در سراسر جهان مشاهده می‌شود. شورای امنیت ملی هشدار در مورد سفر [شهروندان اسراییل] به ترکیه را «تشدید» می‌کند و تاکید دارد که این کشور و سایر کشورهای هم‌مرز با ایران، «این روزها خطر بالایی برای اسراییلی‌ها در بر دارند.» همزمان روز گذشته بی‌بی‌سی با انتشار گزارشی نوشت صدها چترباز ارتش اسراییل به قبرس رفته‌اند تا در رزمایشی مشترک به نام «فراتر از افق» شرایط و وضعیت جنگی علیه جنبش حزب‌الله لبنان را تمرین کنند. براساس این گزارش، این مانور بخشی از رزمایش بزرگ «ارابه‌های آتش» است که در آن نیروی هوایی اسراییل حمله به اهداف هسته‌ای در ایران را شبیه‌سازی می‌کند.

مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که پرونده هسته‌ای ایران درست مانند دو دهه گذشته به ابزاری از سوی اسراییل برای جلب اجماع علیه ایران در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در چنین شرایطی ایران که تجربه صدور قطعنامه علیه خود در شورای حکام و انتقال پرونده به شورای امنیت را در قالب یک توطئه سیاسی از سوی غرب و البته با همراهی چین و روسیه دارد باید با تکار عمل و تدبیر بیشتری در مذاکره برای احیای برجام و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای حل و فصل اختلاف‌های باقیمانده به خرج بدهد. هرچند که سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه ایران روز سه‌شنبه در نشست خبری با خبرنگاران داخلی و خارجی از مشخص کردن ضرب‌الاجل زمانی برای پایان مذاکرات احیای برجام به درستی پرهیز کرد اما هزینه‌های طولانی و فرسایشی شدن این روند هم با توجه به مجموعه تحولات بین‌المللی به نفع ایران نیست.

برجام

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به «اعتماد»:

ایران فروکاستن مسائل باقی‌مانده به موضوع FTO را قبول ندارد

رسانه‌های امریکایی هفته گذشته اعلام کردند که جوبایدن، رییس جمهور ایالات متحده تصمیم خود را درباره حفظ نام سپاه در لیست FTO گرفته و نام سپاه را در این لیست حفظ خواهد کرد. با توجه به همین مساله «اعتماد» روز سه‌شنبه در نشست خبری هفتگی سعید خطیب‌زاده از سخنگوی وزارت امور خارجه پرسید: «آیا این موضع در پیام‌هایی که با واسطه از ایالات متحده دریافت می‌کنید، به اطلاع جمهوری اسلامی رسانده شده است؟» همچنین سوال شد که «آیا موضع ایران در ابتکارهایی که ارایه کرده همچنان تلاش برای حذف نام سپاه از لیست فوق است یا اگر به قول وزیر خارجه در جریان مذاکرات، بهره‌مندی اقتصادی ایران از احیای برجام حاصل شود، ما حاضر به عبور از این موضوع به نفع توافق هستیم؟»

سعید خطیب‌زاده در پاسخ به این سوالات اظهار کرد: «آنچه برای ما در نهایت این توافق باید به دست بیاید، انتفاع قطعی مردم ایران است.» او افزود: «آنچه در رسانه‌های امریکایی و غربی، بعضا با طراحی گفته می‌شود، تاکتیکی است که خیلی غریب نیست. برجسته‌سازی موضوع در فضا و زمان و مکان خاص برای رسیدن به توافق و القای مفهوم خاصی چیز جدیدی نیست و در حوزه رسانه همه تقریبا با این برجسته‌سازی‌های نمادین و تصنعی آشنا هستند. اساسا آنچه میان ایران و ایالات متحده در حال مذاکره است، موضوعاتی است که با چرخه انتفاع اقتصادی ایران و باز کردن تمام اجزای فشار حداکثری ایالات متحده مرتبط است.»

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: «آنچه برای ما در نهایت این توافق باید به دست بیاید، انتفاع قطعی مردم ایران است. اگر در این انتفاع قطعی مردم ایران، برخی موضوع‌ها گنجانده شود یا نشود، فقط و فقط در میز مذاکرات و فقط و فقط در تصویر نهایی که از آن توافق در ذهن خودمان داریم و حداقل‌ها و حداکثرهایی که در آن توافق تعریف کردیم و روشن هم خطوط قرمزمان را برای طرف مقابل مشخص کردیم [روشن می‌شود.] طرف مقابل هم می‌داند و به همین دلیل است که این رفت و برگشت‌ها انجام می‌شود.» خطیب‌زاده در پایان تاکید کرد: «همان گونه که آقای دکتر امیرعبداللهیان هم در داووس گفتند این موضع، موضع دقیق ماست و موضعی است که پشت تریبون رسما اعلان می‌کنیم. موضوعاتی که بین ما و ایالات متحده امریکا باقی مانده، در خصوص تضمین‌ها، در خصوص افراد و در خصوص چرخه انتفاع قطعی اقتصادی ایران باید تماما حل شود. اینکه کدام بند با چه حالتی ادامه پیدا کند، باید در میز مذاکره به آن پرداخت.»

بسمه تعالی

راه امام خمینی (ره)
راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست.
رهبر معظم انقلاب

در سی و سومین سالگرد ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی پس از دو سال وقفه ناخواسته (بواسطه فراگیری بیماری کرونا) و در آستانه برگزاری آیین‌های بزرگداشت بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) بیش از هر زمان دیگر نیازمند استفاده از این فرصت برای خوانش دوباره اندیشه دینی و سیاسی، و آرمانهای اخلاقی و انسانی آن بزرگمرد الهی هستیم. آنچه که این نیاز را دو چندان می سازد شرایط دشوار بین المللی، منطقه ای و داخلی است.

همانگونه که امام خمینی با ژرف اندیشی خویش در تبیین ماهیت نظام‌های استکباری و سلطه گر، پیش بینی کرده بود، امروز شاهد تشدید تضاد منافع قدرت‌های بزرگ در مناطقی از جهان، و شعله ور شدن آتش جنگ در بخشی از اروپا و کشتار انسان‌ها و آوارگی میلیون‌ها تن و افزایش رنج و گرفتاری ملت‌ها هستیم.

در خاورمیانه علیرغم آنکه امنیت و آرامش مردم سوریه و عراق و یمن و لبنان و افغانستان بر اثر پیامدهای لشکرکشی و دخالت‌های نامشروع آمریکا و هم پیمانان غربی آن، سلب گردیده است و فلسطین و قدس عزیز همچنان در اشغال صهیونیست‌ها، شاهد افزایش جنایتهای رژیم صهیونیستی با حمایت‌های آشکار سران کاخ سفید و دولتهای غربی می باشد و با کمال تأسف خیانت اخیر چند دولت وابسته عربی در برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی نیز زخمی دیگر بر پیکر امت اسلامی وارد نمود، اما بیداری و مقاومت کم نظیر ملت‌های مسلمان در این مناطق و انتفاضه اعجاب انگیز مجاهدان مظلوم فلسطینی مانع از تحقق اهداف نامشروع دولت‌های متجاوز استکباری و رژیم صهیونیستی گردیده و راهبردهای آنان‌را در این مناطق با بن‌بستهای جدید و شکست مواجه نموده است.

این واقعیتی غیرقابل انکار و افتخارانگیز است که نظام جمهوری اسلامی و مردم شریف ایران در پرتو آموزه‌های **مکتب امام خمینی** نه تنها در این حساسترین منطقه بحرانی جهان در چهل سال گذشته از کیان موجودیت و ثبات و امنیت کشور خویش در برابر هشت سال جنگ تحمیلی و صدها توطئه ناامنی و براندازی، با تدبیر و اقتدار، پیروزمندانه ایستاده است بلکه امروز بعنوان نظامی مقتدر و با ثبات در رأس محور مقاومت، سرمشق ملت‌ها و دولت‌های دیگر شده است.

به لحاظ شرایط داخلی نیز در نگاهی منصفانه این واقعیت را آشکارا می‌توان دید که علیرغم سنگین‌ترین تحریم‌های ظالمانه و تبلیغات شبانه روزی صدها بنگاه دروغ پردازی دشمنان انقلاب اسلامی، در چهل سال گذشته با تلاش دولت‌ها و دوایر نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دست آوردهایی عظیم و غیرقابل مقایسه با شرایط قبل از پیروزی انقلاب در بخش‌های مختلف از صنعت و کشاورزی و خدمات و فناوری‌های نوین و دانش بنیان و توسعه صنایع فضائی و دفاعی و موشکی گرفته تا پیشرفت‌های آشکار در حوزه بهداشت و درمان و توسعه مراکز علمی، آموزشی و فرهنگی و هنری و ورزشی پدید آمده است.

با وجود همه این پیشرفت‌های غیرقابل انکار این واقعیت را نمی‌توان ناگفته گذاشت که هنوز در برخی زمینه ها بخصوص در بخش اقتصاد و توزیع عادلانه منابع و درآمدها و ایجاد سطحی مناسب در تأمین رفاه و معیشت مردم نه تنها با آرمان‌های مطلوب امام فاصله فراوانی وجود دارد بلکه بواسطه عوامل مختلفی همچون تحریم‌های ظالمانه و فشارهای خارجی و ناکارآمدی ها و روزمرگی‌ها و سیاست‌های نادرست و فسادها که خود معلول عوامل متعدد فرهنگی و سیاسی می باشند، متأسفانه شاهد گسترش خط فقر و افزایش فشار تورم بر جامعه خصوصاً طبقات محروم و مستضعف هستیم. عزم جدی بر تغییر این شرایط، مطالبه به حق ملت ایران است و یقیناً در این زمینه ظرفیت لازم برای ایجاد تحولی بنیادین در رویکردها و روش‌ها وجود دارد و البته رمز موفقیت در این راه بازگشت به آرمان‌ها و شعارهای انقلاب است که در رأس آنها وحدت و همدلی آحاد ملت و همصدائی و همراهی مسئولین با مردم در همه عرصه ها و پرهیز واقعی از خط کشی ها حزبی و جناحی و استفاده از تمامی ظرفیت جامعه و خصوصاً نخبگان آن و پشتیبانی مردم از سیاست‌ها و برنامه های عدالت محور دولت است.

برگزاری مراسم بزرگداشت رهبر کبیر انقلاب اسلامی در سی و سومین سالگرد رحلت آن عزیز در شرایط جهانی و منطقه‌ای و داخلی که اشاره شد بار دیگر تجلیگاه عزم و اراده ملت ایران در ابراز وفاداری به اهداف انقلاب عظیم خویش و عهد دوباره با آرمان‌های الهی مقتدای خود و صحنه تجدید بیعت با خلف شایسته امام راحل (س)، رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله) خواهد شد.

ستاد مرکزی بزرگداشت **حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)** از اینکه به‌لحاظ دستورالعمل‌های بهداشتی ناگزیر از برگزاری مراسم ۱۴ خرداد در حرم مطهر حضرت امام با رعایت محدودیت جمعیت شرکت کننده می باشد از میلیونها تن پیروان حضرت امام در سراسر کشور که مشتاق حضور در مراسم معنوی حرم مطهر آن حضرت می باشند عذرخواهی نموده و مقدم این عزیزان را در برنامه‌های بزرگداشتی که از سوی ستادهای استانی در شهرهای مختلف برگزار می گردد گرامی می دارد.

برنامه‌های مراسم بزرگداشت حضرت امام خمینی به شرح زیر است:

۱۳ خرداد ۱۴۰۱ مقارن با شب ارتحال امام عظیم الشأن، ساعت ۲۱:۳۰، در حرم مطهر امام خمینی، سخنرانی ریاست محترم جمهوری **حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید ابراهیم رئیسی**.

روز ۱۴ خرداد ۱۴۰۱، شروع مراسم ساعت ۹ صبح در حرم مطهر امام خمینی، تلاوت قرآن مجید، مدیحه سرایی مداحان اهل بیت (ع)، خیرمقدم و سخنان **حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی**، یادگار گرامی حضرت امام و سپس همه شیفتگان و زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی به سخنان مهم **رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای** (مد ظله) گوش جان می سپارند.

ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (س)

م الف ۸۴۶ شناسه آگهی ۱۳۲۶۷۹۴

پیشخوان Pishkhan.com

خبر جهان

امضای اولین توافق تجارت آزاد میان امارات و اسراییل

وزیر مشاور امارات در امور تجارت خارجی از امضای اولین توافق با رژیم صهیونیستی در زمینه شراکت اقتصادی فراگیر خبر داد. به گزارش ایسنا، به نقل از البیان، این توافقنامه بر اساس توافقنامه‌های صلحِ منعقدشده جهت عادی‌سازی روابط میان اسراییل و کشورهای عربی موسوم به توافق «ابراهیم» انجام شده است. روزنامه اماراتی البیان نوشت که این توافق به افزایش تجارت فیمابین غیرنفتی میان دو طرف به بیش از ۱۰ میلیارد دلار در سال طی پنج سال آتی می‌انجامد. ثانی بن احمد الزیودی، وزیر مشاور دولت امارات در امور تجارت خارجه عنوان داشت: امارات و اسراییل فصل جدیدی را در تاریخ خاورمیانه می‌نویسند و در راستای تقویت مناسبات تجاری و سرمایه‌گذاری میان طرفین و تسریع در روند رشد و مشارکت در آغاز دوره جدیدی از صلح، ثبات و شکوفایی تلاش خواهند کرد. در همین حال، نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسراییل در واکنش به امضای این توافق با امارات در توییتی نوشت: تاریخ... اسراییل و امارات اولین توافق تجاری تاریخی میان ما و یک کشور عربی را امضا کردند، نوشتن توافق‌های تجارت آزاد میان طرف‌ها معمولا سال‌های مدیدی به طول می‌انجامید. نفتالی بنت عنوان داشت: دو ماه قبل با محمد بن زاید در نشست سران شرم الشیخ توافق کردم که آنچه را که معمولا پنج سال به طول می‌انجامد، طی چند هفته محقق سازیم و ما به تیم‌های‌مان دستور دادیم که با سرعت بالا تلاش کنند و همین امر رخ داد. در همین حال، محمد آل خاجه، سفیر امارات در اسراییل عنوان داشت: امضای توافق شراکت اقتصادی فراگیر میان امارات و اسراییل دستاورد بزرگی است که باعث می‌شود شرکت‌ها مستقیما به بازار دست یابند و از لغو یا کاهش عوارض گمرکی استفاده می‌کنند.

گفت‌وگوی تلفنی وزرای خارجه عربستان و امریکا

وزیر امور خارجه عربستان، دوشنبه در جریان یک گفت‌وگوی تلفنی با همتای امریکایی خود روابط دوجانبه میان دو کشور و همین‌طور مسائل مورد اهتمام مشترک منطقه‌ای را مورد بحث و بررسی قرار داد. وزارت امور خارجه عربستان در بیانیه‌ای اعلام کرد که در تماس تلفنی فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه این کشور با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، روابط «راهبردی» بین دو کشور و راه‌های تقویت و گسترش این روابط در تمامی زمینه‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. براساس این بیانیه، دو طرف در جریان این گفت‌وگو مهم‌ترین مسائل مورد اهتمام مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی را بررسی کردند. بلینکن هفته گذشته از حمایت کشورش از آتش‌بس یمن که با حمایت سازمان ملل صورت گرفت خبر داد و مدعی شد که کشورش از به نتیجه رسیدن راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز در قبال بحران یمن حمایت کامل خواهد کرد. وی در جریان دیدار خود با خالد بن سلمان آل سعود، معاون وزیر دفاع عربستان بر التزام کشورش در تقویت عربستان از منظر نظامی- دفاعی تاکید کرد. به گفته ناظران، اخیرا روابط عربستان و امریکا شاهد اختلاف، بی‌تفاوتی و دیدگاه‌های متفاوت در موضوعات مختلف بوده است. باید خاطرنشان کرد هیاتی از اعضای کنگره امریکا در ۲۴ اردیبهشت‌ماه وارد ریاض شد و با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان دیدار و روابط دوجانبه میان دو کشور و تعدادی از موضوعات مورد اهتمام مشترک را بررسی کردند.

بایدن: ممنوع کردن سلاح وظیفه کنگره است

رییس جمهوری امریکا گفت که ممنوع کردن استفاده از سلاح‌های تهاجمی و تقویت روند بررسی پیشینه افراد در هنگام صدور مجوز حمل سلاح، بر عهده کنگره امریکا بوده و او نمی‌تواند به کنگره دیکته کند. به گزارش هیل، جو بایدن، رییس جمهوری امریکا گفت: من می‌توانم کارهایی که تاکنون کرده‌ام را بکنم و هر فعالیت اجرایی که بتوانم انجام دهم، انجام می‌دهم. اما من (در مقام رییس جمهوری امریکا) نمی‌توانم یک اسلحه را ممنوع کنم. نمی‌توانم (روند) بررسی پیشینه (افراد) را تغییر دهم؛ نمی‌توانم چنین کاری کنم. بایدن درباره چشم‌انداز تصویب قانونی برای تشویق ایالات به عدم صدور مجوز حمل سلاح برای کسانی که برای خود یا دیگران «خطرناک» محسوب می‌شوند، گفت: گفتنش سخت است، چون هنوز با هیچ‌یک از جمهوری‌خواهان مذاکره نکرده‌ام. او همچنین این استدلال را که شهروندان برای مقابله با استبداد دولت‌ها به سلاح نیاز دارند، رد کرد و گفت: روزهایی بود که مردم می‌گفتند خون میهن‌پرستان درخت آزادی را آبیاری می‌کند و باید این کار را بکنیم، وقتی دولت اشتباه کرد، باید با آن مقابله کنیم. وی تصریح کرد: خب برای چنین کاری به یک جنگنده اف-۱۵ نیاز دارید! یا یک تانک آبرامز! او همچنین نظر دوسناتور دموکرات امریکایی را که گفته بودند «با مرگ ۱۹ کودک و ۲ معلم، تمایل جمهوری‌خواهان به گفت‌وگو درباره کنترل سلاح افزایش یافته» منعکس کرد و گفت: فکر می‌کنم شرایط آنقدر بد شده که دیگر همه دارند منطقی‌تر می‌شوند. پیش‌تر هم کامالا هریس، معاون رییس جمهوری امریکا بعد از شرکت در مراسم یادبود یک قربانی خشونت سلاح، خواستار ممنوعیت استفاده از تسلیحات تهاجمی در ایالات متحده و تصویب لایحه کنترل سلاح شد که مدت‌هاست در سنا بلاتکلیف مانده است. کامالا هریس از قانونگذاران کشورش خواست تا ممنوعیت سلاح‌های تهاجمی را تصویب کنند. معاون بایدن همچنین خواستار بررسی سوابق در زمان اقدام برای خرید سلاح شد؛ این لایحه قانونی است که جمهوری‌خواهان مدت‌هاست مانع از تصویب آن در سنای امریکا شده‌اند.

گزارش روز

با در نظر گرفتن معافیت برای مجارستان و تعدادی دیگر از کشورهای شرق اروپا، ششمین بسته تحریمی علیه مسکو به تصویب رسید

اجماع اروپایی علیه نفت روسیه

محمدحسین لطف‌الهی

در شرایطی که اختلافات میان رهبران اروپایی باعث شده بود ایجاد اجماع در اتحادیه اروپا برای تحریم مسکو دور از دسترس به نظر برسد، کشورهای اروپایی دوشنبه شب پس از ساعت‌ها بحث و در نهایت قائل شدن چند استثنا موفق شدند برای تحریم بخش عمده‌ای از نفت روسیه در چارچوب بسته ششم تحریم‌ها به توافق برسند.

شارل میشل، رییس شورای اروپا در توییتر نوشته است که با اجرای دور جدید تحریم‌ها «خیلی زود» ۷۵ درصد از واردات نفت از روسیه تحت‌تاثیر قرار خواهد گرفت. به نوشته او، تا پایان سال جاری نیز ۹۰ درصد از حجم واردات نفت روسیه به اروپا کاسته می‌شود. میشل همچنین تاکید کرد که این اقدام منابع تامین مالی ماشین جنگی روسیه را به‌طور جدی محدود خواهد کرد. بر اساس روایت این مقام ارشد اتحادیه اروپا، بسته ششم تحریم شامل «قطع دسترسی اسبربانک بزرگ‌ترین بانک روسیه به سوییفت، تعلیق سه شبکه تلویزیونی وابسته به دولت روسیه و تحریم افرادی که در اعمال جنایات جنگی در اوکراین دست داشتند» می‌شود. اورزولا ون در لاین، رییس کمیسیون اروپا هم دستیابی به توافقی که طی آن ۹۰ درصد از حجم واردات نفت از روسیه تا پایان سال متوقف شود را یک روز بزرگ برای اروپایی‌ها معرفی کرده است. ون در لاین خبر داده است که در بخش دیگری از موضوعات، رهبران اروپایی با تصویب بسته ۹ میلیارد یورویی برای حمایت از اوکراین موافقت کردند. این تحریم‌ها، در اصل واردات نفت روسیه از طریق دریا را محدود می‌کند اما امکان صدور معافیت تحریمی موقت برای واردات از طریق خط لوله را مجاز می‌داند. این استثنا به‌طور خاص برای جلب رضایت مجارستان در توافق اروپایی‌ها منظور شده است تا این کشور که امکان واردات از طریق دریا را ندارد و به واردات انرژی از روسیه از طریق خط لوله وابسته است بتواند نیازهای خود را تامین کند. اورزولا ون در لاین در کنفرانس خبری دوشنبه‌شب خود درباره این معافیت تحریمی گفت: «تانکرها دیگر نمی‌توانند نفت روسیه را به کشورهای عضو اتحادیه اروپا منتقل کنند، اما واردات نفت از طریق بخش جنوبی خط لوله دروژبا ادامه خواهد داشت.»

به گزارش اعتماد، بخش شمالی خط لوله دروژبا نفت روسیه را به لهستان و آلمان - دو کشور موافق تحریم روسیه - منتقل می‌کرد. این بخش غیرفعال شد اما بخش جنوبی این خط لوله که برای انتقال نفت به مجارستان، اسلواکی و جمهوری چک به کار می‌رفت، همچنان فعال باقی خواهد ماند تا سه کشوری که در ابتدا با تحریم نفت روسیه موافق نبودند از اعمال این تحریم‌ها معاف باشند. مقام‌های اروپایی، سهم بخش جنوبی خط لوله دروژبا از کل واردات نفت روسیه به اروپا را ۱۰ درصد ارزیابی می‌کنند.

در پیش‌نویس ابتدایی این بسته جدید تحریمی، قرار بود که اتحادیه اروپا برای قطع کامل واردات نفت از روسیه به ایالات متحده بپیوندد اما با مخالفت مجارستان و دو کشور دیگر که اعلام می‌کردند امکان تامین نیازهای اساسی خود بدون واردات نفت از روسیه را ندارند، تغییراتی روی پیش‌نویس ابتدایی اعمال شد. در حال حاضر اروپا بزرگ‌ترین خریدار انرژی روسیه است. بر اساس گزارش یورواستات، در سال ۲۰۲۱ نفت خام روسیه ۲۷ درصد از سهم واردات این بلوک را به خود اختصاص داده است که شامل واردات روزانه ۲،۴ میلیون بشکه نفت می‌شود. داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی نیز نشان می‌دهد که از این مقدار، ۳۵ درصد آن از طریق خطوط لوله به کشورهای عضو اتحادیه اروپا تحویل داده می‌شود. با وجود اینکه بیشتر نفت روسیه از طریق دیگری به جز خط لوله به کشورهای اروپایی ارسال می‌شود اما واردات از طریق خطوط لوله نقش مهمی در تعیین منابع نفتی سه کشور شرق اروپا دارد. به گزارش سی‌ان‌ان، مجارستان ۸۶ درصد، جمهوری چک ۹۷ درصد و اسلواکی ۱۰۰ درصد از نفت مورد نیاز خود را از این طریق تامین می‌کنند. ان‌پی‌آر نوشته، در مورد مجارستان ۶۰ درصد از نیاز این کشور به نفت فقط از طریق خط لوله دروژبا تامین می‌شود.

ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان پیش‌تر روشن ساخته بود که از هیچ بسته تحریمی علیه نفت و انرژی روسیه حمایت نمی‌کند مگر اینکه مساله امنیت انرژی در مجارستان در توافق دیده شده باشد.

کاخ الیزه در بیانیه‌ای که به مناسبت بسته جدید تحریمی بروکسل علیه مسکو منتشر شده تاکید کرده است که مذاکرات باید در اسرع وقت برای متوقف کردن مابقی واردات نفت روسیه از سوی اتحادیه اروپا از سر گرفته شود.

بسته تحریم‌های جدید که کشورهای عضو اتحادیه اروپا از یک ماه پیش رایزنی و مذاکره برای تصویب آن را آغاز کرده بودند همچنین فهرست تحریم اشخاص و نهادهای نزدیک و وابسته به مسکو را گسترده‌تر کرده است. به گزارش یورونیوز، در این راستا علاوه بر افزوده شدن نام ۶۰ شخصیت دیگر از جمله کیریل یکم، اسقف اعظم کلیسای ارتدکس روسیه به فهرست سیاه تحریم‌های روسیه، دسترسی بزرگ‌ترین بانک این کشور به سیستم مالی بین‌المللی سوییفت نیز قطع شده است. قطع دسترسی به سوییفت علاوه بر «اسبربانک» یا بانک پس‌انداز فدراسیون روسیه که بزرگ‌ترین بانک این کشور و اروپای شرقی به شمار می‌رود دو بانک دیگر روسیه را نیز شامل می‌شود. ولودیمیر زلنسکی، رییس جمهوری اوکراین، پیش از تصویب بسته تحریمی جدید در یک کنفرانس ویدیویی خطاب به رهبران اروپایی خواستار یکپارچه شدن کشورهای عضو اتحادیه و اتخاذ موضعی قاطعانه برای اعمال فشار به روسیه شده بود. زلنسکی گفته بود: «چرا شما به روسیه وابسته هستید و تحت فشار آن قرار دارید و قضیه برعکس نیست؟ روسیه باید از شما مستقل شود. چرا روسیه هنوز می‌تواند روزانه یک میلیارد یورو از طریق فروش انرژی به دست بیاورد؟ چرا بانک‌های تروریست‌ها هنوز با اروپا و نظام مالی جهانی کار می‌کنند؟ اینها پرسش‌های جدی هستند.»

نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی، روز سه‌شنبه در واکنش به ششمین بسته تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه کشورش گفت که مسکو خریداران دیگری برای نفت خود پیدا خواهد کرد. میخاییل اولیانوف، نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی روز سه‌شنبه در توییتر به پست رییس کمیسیون اروپا در این پلتفرم که از تحریم بخشی از نفت روسیه خبر داده بود، واکنش نشان داد و نوشت: همانطور که او روز گذشته گفت، روسیه واردکنندگان دیگری پیدا خواهد کرد. شایان توجه است که او حالا حرف‌های دیروز خود را نقض می‌کند. این تغییر عقیده سریع نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا شرایط خوبی ندارد.

«دیمیتری مدودف» معاون شورای امنیت ملی روسیه و رییس جمهور پیشین این کشور نیز تحریم‌ها را «هدف قرار دادن مردم روسیه» خواند. او در تلگرام نوشت: «نتیجه نفرت‌انگیز است - این تحریم‌ها به‌طور خاص علیه مردم روسیه است و مهم نیست که سران امریکایی و اروپایی با ادعای تنبیه روسای شما و ما شما شهروندان عادی را دوست داریم چه می‌گویند، مزخرف محض است». به گزارش خبرگزاری «اسپوتنیک»، این سیاستمدار روس خاطرنشان کرد که تصمیم برای مسدود کردن دارایی‌های روسیه در خارج از این کشور و همچنین تحریم‌های سوخت، ممنوعیت پروازها و سایر اقدامات با هدف بدتر کردن زندگی مردم روسیه است و باعث وخامت اقتصاد این کشور می‌شود. مدودف گفت: «آنها از همه ما متنفرند در قلب این تصمیمات نفرت از روسیه و مردم آن است. نفرت از فرهنگ ما. نفرت از دین ما است». او تاکید کرد که روس‌ها نباید این نفرت را بپذیرند، بلکه آن را به خاطر بسپارند و هرگز آن را نبخشند.

تحریم‌های اروپا علیه روسیه، به رغم آسیب‌هایی که برای مسکو در پی داشته به خود اروپایی‌ها هم آسیب زده است. شبکه فرانسوی «بی‌اف‌ام‌تی‌وی» گزارش داد که اغلب اروپایی‌ها در مواجهه با تورم و افزایش قیمت‌ها، الگوی مصرف‌شان تغییر کرده و رجوع به محصولات ارزان‌قیمت را در دستور کار قرار داده‌اند. طبق این گزارش، انتخاب مصرف‌کنندگان اروپایی به این سمت تغییر کرده است که به گزینه‌های کاهش‌دهنده بهای کالاها و محصولات در مغازه‌ها و فروشگاه‌ها متوسل شوند. شرکت معتبر امریکایی «مک کینزی» در همین ارتباط از ساکنان پنج کشور اروپایی یک نظرسنجی ترتیب داده است. طبق این نظرسنجی، آنها در مواجهه با افزایش شدید نرخ تورم، الگوی مصرف‌شان را تغییر داده‌اند چرا که تورم به مهم‌ترین نگرانی‌شان تبدیل شده است. نظرسنجی این شرکت در فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و انگلیس اواسط ماه آوریل گرفته و در هر یک از این کشورهای اروپایی از هزار نفر نظرسنجی شده است. به اعتقاد اکثریت آنها، افزایش شدید بهای کالاها و تورم مایه نگرانی است. به گفته حداقل ۶۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، هزینه‌های انرژی، آب و برق، حمل‌ونقل، سوخت، غذا و سایر موارد ضروری افزایش یافته است.

ماتئوش مورا و یه‌تسکی، نخست‌وزیر لهستان اما کنفرانس بین‌المللی کمک به اوکراین را موفقیت‌آمیز می‌داند و معتقد است که جنگ اخیر به درازا نخواهد کشید. او در گفت‌وگویی درباره اثرگذاری تحریم‌ها به خصوص تحریم انرژی روی روسیه آسیب تحریم‌ها به خود اروپا را می‌پذیرد و می‌گوید: «مطمئنم که اینها پوتین را بسیار بیشتر تضعیف می‌کند و نمی‌توان تحریم نفت و گاز روسیه را از باقی تحریم‌ها جدا کرد. ما عامدانه نفت را وارد لیست کردیم و خواهان افزودن تحریم گاز هم شدیم چون می‌دانیم که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت فشار زیادی به روس‌ها و پوتین خواهد آورد و همین ماشین جنگ را متوقف می‌کند، چون موتورش را همین‌ها روشن نگه داشته. پس گرچه می‌دانیم که چنین کاری برای اقتصاد خودمان ضرر دارد، ناچاریم از این ضرر بگذریم، چون برایش دلیلی داریم که همان جنگ اوکراین است.»

Pishkhan.com

سوژه روز

وزیر خارجه روسیه به عربستان سعودی و ترکیه سفر می‌کند

یارگیری مسکو

شهاب شهسواری

همزمان با تصویب نهایی تحریم‌های انرژی از سوی اتحادیه اروپا علیه روسیه، مسکو تلاش می‌کند تا جای پای خود را در پایتخت‌های غیراروپایی محکم‌تر کند. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه امروز در ریاض با وزیر خارجه عربستان سعودی و وزرای خارجه ۵ عضو دیگر شورای همکاری خلیج فارس دیدار و گفت‌وگو می‌کند. روز گذشته لاوروف در بحرین با مقام‌های این پادشاهی دیدار و گفت‌وگو کرده بود. او قرار است چهارشنبه هفته آینده نیز به ترکیه سفر کند تا در آنکارا با مولود چاوش‌اوغلو، وزیر خارجه ترکیه دیدار و گفت‌وگو کند. عربستان سعودی تاکنون به درخواست‌های غرب برای افزایش سقف تولید نفت خام اوپک پاسخ منفی داده است و ترجیح می‌دهد در هماهنگی با روسیه در قالب اوپک پلاس برای بالا نگه داشتن قیمت نفت در بازار، سقف تولید را محدود نگه دارد. ترکیه نیز در طول هفته‌های گذشته با مخالفتش برای پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو خبرساز شده است. فنلاند و سوئد که دو ماه بعد از آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین تصمیم به پیوستن به ناتو گرفته‌اند، به رای همه ۳۰ کشور عضو این بلوک امنیتی نظامی برای پذیرش نیاز دارند، اما ترکیه به بهانه‌هایی همچون حضور پناهندگان کرد در کشورهای اسکاندیناوی با عضویت این دو کشور در ناتو مخالفت کرده است. روسیه یکی از دلایل حمله خود به اوکراین را نگرانی از توسعه ناتو به شرق عنوان کرده بود، اما حالا از عواقب این اقدام نظامی پیشرفت ناتو در شمال به سمت مرزهای غربی روسیه است. مسکو امیدوار است که ترکیه را برای به معطل کردن پذیرش این دو کشور در ناتو راضی کند.

به گزارش رویترز به نقل از دو منبع دیپلماتیک در کشورهای جنوب خلیج فارس، سرگئی لاوروف که روز گذشته در بحرین حضور داشت، قرار است امروز در نشستی چندجانبه با حضور وزرای خارجه عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عمان، کویت، قطر و بحرین دیدار و گفت‌وگو کند. این شش وزیر خارجه قرار است عصر امروز هم در یک دیدار مجازی با دیمیتری کولبا، وزیر خارجه اوکراین گفت‌وگو کنند. دستور کار گفت‌وگوهای لاوروف با وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اعلام نشده است.

رویترز می‌نویسد که کشورهای جنوب خلیج فارس به رغم دعوت‌های مکرر امریکا و متحدان غربی‌اش به منزوی کردن روسیه، همچنان در جنگ اوکراین بی‌طرف باقی مانده‌اند. در طول روزهای گذشته تماس‌های دیپلماتیک ایالات متحده امریکا با ریاض به‌شدت افزایش یافته است. پیش از سفر سرگئی لاوروف به ریاض، روز دوشنبه آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در گفت‌وگویی تلفنی با فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان سعودی گفت‌وگو کرده بود. براساس بیانیه وزارت خارجه امریکا در این تماس تلفنی، بلینکن بر ضرورت حمایت بین‌المللی از اوکراین تاکید کرده بود. هفته پیش هم کارن ژان پی‌یر، سخنگوی کاخ سفید در جمع خبرنگاران سفر محرمانه دو مقام بلندپایه امریکایی به عربستان سعودی برای گفت‌وگو در مورد آنچه «تامین جهانی انرژی، ایران و دیگر مسائل منطقه‌ای» عنوان شده بود، تایید کرد. بر اساس این خبر برت مک گورک، مشاور ارشد کاخ سفید در مسائل خاورمیانه و آموس هاچستین، فرستاده ویژه امور انرژی در وزارت خارجه امریکا در این سفر با مقام‌های ارشد سعودی دیدار و گفت‌وگو کرده‌اند. در طول هفته‌های گذشته گمانه‌زنی‌هایی در مورد احتمال برگزاری یک دیدار میان جو بایدن، رییس جمهور امریکا با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی و حاکم بالفعل این کشور منتشر شده بود. براساس گزارش‌های تاییدنشده، بایدن قصد دارد ابتدای تیرماه سال جاری، در پی سفرش به آلمان و اسپانیا به اسراییل و پس از آن به عربستان سعودی سفر کند. هنوز هیچ تاریخ قطعی برای این سفرها تعیین نشده است. بایدن که از دوران تبلیغات انتخاباتی‌اش مرتبا به سیاست‌های عربستان سعودی حمله و این پادشاهی را یک «رژیم منفور» توصیف کرده بود، در پی حمله روسیه به اوکراین به همکاری این تولیدکننده بزرگ نفت خام احساس نیاز بیشتری می‌کند. مقام‌های کشورهای عربی خلیج فارس، چندان از اصرار غرب برای موضع‌گیری له یا علیه یک طرف جنگ رضایت ندارند. وزیر خارجه عمان در اظهاراتی که روز شنبه منتشر شد تاکید کرده بود که بحران اوکراین به یک راه‌حل اروپایی نیاز دارد و جبهه‌گیری‌هایی «یا ما یا بر ما» نتیجه نمی‌دهد.

سفر لاوروف به عربستان سعودی و دیدار او با وزرای خارجه ۶ کشور عربی که عمدتا از تولیدکنندگان بزرگ نفتی هستند، درست یک روز پیش از برگزاری نشست اوپک پلاس انجام می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که در نشست پیش رو که میان نمایندگان کشورهای تولیدکننده نفت و روسیه برگزار می‌شود بار دیگر توافق سال گذشته سقف تولید تاکید شود و افزایش تولید ناچیزی برای ماه آینده میلادی (جولای) در نظر گرفته شود. در طول روزهای گذشته قیمت نفت خام در بازارهای جهانی به ۱۲۰ دلار رسیده است. افزایش قیمت جهانی نفت باعث شده است که قیمت بنزین در ایالات متحده امریکا رکورد تاریخی بر جا بگذارد و هفته گذشته به ۴ دلار و ۶۱ سنت در هر گالن برسد. هرچند اروپا، امریکا و ژاپن تصمیم گرفته‌اند واردات نفت از روسیه را تا پایان سال جاری میلادی متوقف کنند و کره جنوبی هم قصد دارد به این روند بپیوندد، اما روسیه در طول ماه‌های گذشته تلاش کرده است تا بازارهای جدیدی برای فروش نفت خود پیدا کند. چین و هندوستان، دو اقتصاد بزرگ مشتری انرژی، از جمله اصلی‌ترین بازارهای جدید فروش نفت مسکو هستند. گفته می‌شود که روسیه نفت خود را با تخفیف بالایی به این کشورها می‌فروشد. عربستان سعودی اعلام کرده است که اعتقاد ندارد قیمت‌های بالای نفت ارتباطی با کاهش عرضه در بازار داشته باشد، بلکه اصلی‌ترین عامل افزایش قیمت نفت را مسائل ژئوپولیتیک، کاهش ظرفیت‌های پالایشگاهی و افزایش مالیات در کشورهای غربی می‌داند.

ماموریت دفاعی لاوروف در آنکارا

وزیر خارجه روسیه یک هفته بعد از سفر به ریاض قرار است به آنکارا پایتخت ترکیه سفر کند. به گفته مولود چاوش‌اوغلو، در سفر چهارشنبه هفته آینده لاوروف به آنکارا، یک هیات از مقام‌های دفاعی روسیه او را همراهی می‌کنند. این سفر روز سه‌شنبه و یک روز بعد از گفت‌وگوی تلفنی میان رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه و ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه اعلام شد. در حالی قرار است هیات بلندپایه دفاعی روسیه به آنکارا سفر کنند که دولت ترکیه در طول هفته‌های گذشته به دلیل مخالفت با پیوستن دو کشور اسکاندیناوی به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) خبرساز شده است. ترکیه سال ۲۰۱۹ به دلیل دریافت تجهیزات نظامی پیشرفته از روسیه توسط دولت ایالات متحده امریکا تحریم شد. گفته می‌شود که یکی از شروط احتمالی ترکیه برای پذیرش عضویت سوئد و فنلاند در ناتو، موافقت امریکا با فروش جنگنده‌های پیشرفته امریکایی باشد که بعد از خرید سامانه‌های ضدموشکی اس-۴۰۰ از روسیه، فروش آنها به ترکیه متوقف شده بود. وزیر خارجه ترکیه در گفت‌وگو با خبرگزاری آناتولی، همچنین در پاسخ به سوالی در مورد تصمیم ترکیه برای پیوستن به موج تحریم‌های ضد روسی گفته است که آنکارا به این روند نمی‌پیوندد. وی گفته است: «موضع ما روشن است. ما به تحریم‌ها نپیوسته‌ایم و اجازه نمی‌دهیم که از ما با این هدف سوءاستفاده شود.»

ریاض عقبگرد نمی‌کند

روزنامه العرب چاپ لندن روز شنبه درباره سفر سرگئی لاوروف به نقل از محافل سیاسی عربی در خلیج فارس نوشت که این سفر لاوروف مربوط به «شتابی» است که اخیرا بین روابط عربستان سعودی و امریکا ایجاد شده است. این محافل همچنین این سفر را به تلاش‌های مستمر واشنگتن برای قانع کردن ریاض از سوی واشنگتن در خصوص اهمیت جانبداری از امریکا و ایستادن در صف این کشور در تنش اخیر با مسکو مرتبط دانسته‌اند. به گفته این محافل عربی، «مسکو مطمئن است که احتمال کمی دارد ریاض دست به عقبگرد جدی بزند و به اتخاذ موضع بی‌طرفانه در پرونده اوکراین و توافق اوپک پلاس ملزم است ولی از این حیث که هیچ چیزی در عالم و قاموس سیاست غیرممکن نیست، ضروری است که از این موضوع مطمئن شد.»

رفت‌وآمدهای دیپلماتیک میان واشنگتن و ریاض در طول هفته‌های اخیر به شکل چشمگیری افزایش یافته است، علاوه بر سفر محرمانه دو مقام ارشد کاخ سفید و وزارت خارجه به عربستان سعودی، خالد بن سلمان، برادر ولیعهد و حاکم بالفعل سعودی و معاون وزیر دفاع عربستان، دو هفته پیش برای سفری رسمی و دیدار با وزیر دفاع ایالات متحده به واشنگتن سفر کرده بود. در عین حال به نوشته پایگاه خبری اکسیوس، ایالات متحده امریکا به صورت مخفیانه میان عربستان و اسراییل برای توافق در مورد انتقال جزایر تیران و صنافیر در شمال دریای سرخ از مصر به عربستان میانجی‌گری می‌کند. این دو جزیره از سال ۱۹۵۰ توسط پادشاهی سعودی به مصر واگذار شده بود. از آنجا که این دو جزیر در دهانه باریک ورود خلیج عقبه که سواحل اردن و سرزمین‌های اشغالی فلسطین در آن واقع شده است، قرار گرفته‌اند، مصر و اسراییل در قالب پیمان صلح کمپ‌دیوید ساز و کار معینی برای غیرنظامی ماندن این دو جزیره و آزادی عبور و مرور کشتی‌ها در اطراف آنها در نظر گرفته بودند. بر این اساس مصر تعهد داده بود که دو جزیره تیران و صنافیر غیرنظامی بمانند و آزادی کشتی‌رانی در آب‌های اطراف آنها توسط نیروهای نظامی تحت فرماندهی ایالات متحده امریکا تضمین شود. سال ۲۰۱۷ بعد از ۶۷ سال، پارلمان و دیوان عالی مصر به بازگرداندن حاکمیت دو جزیره به عربستان رای دادند. هر چند این رای با مخالفت افکار عمومی درون مصر مواجه شد، اما حکومت این کشور تصمیم خود را نهایتا عملی کرد و به سرعت فرآیند واگذاری را آغاز کرد. با این حال موضوع توافق با اسراییل در مورد غیرنظامی ماندن این دو جزیره و حضور نظامیان خارجی در آب‌های آن، مساله‌ای است که مانع از تکمیل فرآیند واگذاری شده است. به نوشته اکسیوس، امریکا در حال میانجی‌گری میان عربستان و اسراییل است تا به توافقی در مورد سازوکار دفاعی این دو جزیره برسند. به اعتقاد کارشناسان در صورت توافق رسمی میان ریاض و تل‌آویو، گام مهمی در جهت عادی‌سازی روابط میان عربستان و اسراییل برداشته شده است. به نوشته برخی رسانه‌ها، نهایی شدن سفر جو بایدن به عربستان، به نتیجه این مذاکرات گره زده شده است.

آسیب اجتماعی

۵ دانش‌آموز از قربانیان حادثه هستند

تعداد جانباختگان متروپل به ۳۶ نفر رسید

گروه اجتماعی

طبق آخرین اعلام صادق خلیلیان استاندار خوزستان، تا عصر دیروز تعداد جانباختگان فاجعه متروپل به ۳۶ نفر افزایش یافت در حالی که ۳۷ نفر هم مجروح شده‌اند.

خلیلیان تاکید کرد که بر اساس نظر کارشناسان، باقی‌مانده ساختمان ایمنی لازم را نداشته و امکان پایدارسازی آن وجود ندارد.

طبق گزارش مسوولان استانی، در فاجعه متروپل، ۵ دانش‌آموز خوزستانی قربانی شدند که سه تن از آنان - ملیکا و میترا صالحیان‌پور و مسیح صادقی - از اهالی خرمشهر و دو نفر - آرین و حمیدرضا جلیلیان - از ساکنان آبادان بوده‌اند.

در هفتمین شب از فاجعه متروپل، مردم خوزستان با دعوت امام جمعه آبادان در گوشه و کنار چهارراه امیری به عزاداری پرداختند در حالی که به گزارش خبرگزاری فارس، این مراسم عزاداری با تنش‌هایی از جمله حمله عزاداران به دوربین صدا و سیما، ممانعت معترضان از ادامه سخنرانی نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری با کف زدن و سوت زدن و شعار دادن همراه بود.

طبق اعلام استاندار خوزستان، مقرر شده که خسارت وارد شده به مردم از طریق اموال مالک متروپل پرداخت شود. منظور استاندار این بوده خانواده‌هایی که خانه‌های‌شان در اطراف متروپل بوده یا فروشگاه‌هایی که اطراف این ساختمان هستند، تعیین تکلیف خواهند شد و خسارت به آنها پرداخت می‌شود. همچنین به گفته او، بخشی از خسارت را هم بیمه پرداخت خواهد کرد علاوه بر آنکه دیه همه متوفیان و مجروحان حادثه هم از سوی دادستانی تعیین تکلیف و برای پرداخت آن اقدام می‌شود.

در حالی که همچنان آواربرداری از برج متروپل ادامه دارد، اخبار حکایت از آن دارد که در گوشه و کنار آبادان، اعتراضاتی نسبت به حجم گسترده تخلفات برقرار است و البته دولت تلاش می‌کند معترضان را وادار به آرامش کند اما دیروز طیبه جعفری؛ مسوول انجمن مددکاری خوزستان در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به آثار روانی و اجتماعی حادثه متروپل گفت: «یک اتفاق غیر منتظره در آبادان رخ داده و نه تنها خانواده‌هایی که عزیزی زیر آوار دارند یا عزیزی را از دست داده‌اند بلکه همه مردم را درگیر کرده است؛ در واقع مردم یک ترومای سنگین را تجربه کرده‌اند.

در بازدید میدانی که از آبادان داشتم بی‌قراری، ناراحتی و خشم شدیدی در مردم دیده می‌شد. برخی از مردم حتی به منزل نمی‌رفتند و همه وقت را در خیابان می‌گذراندند به گونه‌ای که در همه خیابان‌های مشرف به متروپل نشسته بودند؛ برخی شیون و زاری و برخی گله و شکایت می‌کردند و بعضی دیگر به امدادگران کمک می‌کردند. در واقع آرامش مردم از بین رفته است و آشوبی در دل‌شان ایجاد شده است.

خانواده‌هایی که هنوز عزیزانی زیر آوار دارند، بسیار تحت فشار روانی و منتظر هستند؛ به‌طور مثال مادری که فرزندش پنج شش روز زیر آوار مانده بود، می‌گفت فرزندش ورزشکار است و هنوز امید داشت که زنده از زیر آوار خارج شود و تنها نگران این بود که پسرش آسیب دیده باشد یعنی شرایط روانی این مادر به حدی رسیده که از فضای واقعی دور شده است.

این اتفاق همه مردم آبادان را به گونه‌ای درگیر کرده که ممکن است برخی از آنها دو سه ماه دیگر به حالت عادی برگردند اما ممکن است این غم و تجربه دردناک منجر به افسردگی و اضطراب برخی دیگر شود که باید درمان شوند.

در آبادان با چند گروه آسیب مواجه هستیم؛ کسانی که عزیزان‌شان را از دست داده‌اند، کسانی که قطع عضو شده‌اند و کسانی که ضرر مالی دیده‌اند و البته بخشی از مردم هم از این اتفاق دچار بحران روحی شده‌اند که باید آنها هم مورد توجه قرار بگیرند.

این حادثه در حافظه تاریخی مردم می‌ماند و فراموش نمی‌شود؛ شاید سال‌ها طول بکشد تا یک خانواده بپذیرد که این اتفاق افتاده است. از طرفی در ۱۰ سال اخیر تعداد زیادی از ساختمان‌های آبادان توسط عبدالباقی احداث شده‌اند و برخی از مردم این شهر در این ساختمان‌ها زندگی می‌کنند یا کسب و کار دارند که با این اتفاق، احساس ناامنی می‌کنند.

در واقع در حال حاضر چند موضوع باهم به مردم هجمه وارد کرده است؛ شوک این حادثه و مصیبت از دست دادن عزیزان، از دست دادن کار و زندگی در ساختمان‌های عبدالباقی و نگرانی بابت سلامت جسمی‌شان، سلامت روان مردم آبادان را با چالش جدی مواجه کرده است. باید شرایطی فراهم شود که مردم خوب بتوانند عزاداری کنند تا غم و خشم‌شان کمی فروکش کند؛ در این روزها سرمایه اجتماعی در آبادان کاهش یافته است که دولت برای این مهم باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشد.»

سلامت

بعد از ۱۵ سال انتظار، خدمات پرستاری قیمت‌گذاری می‌شود

وعده‌ای به نام «قانون»

گروه اجتماعی | نیمه اردیبهشت‌ماه امسال و چند روز پس از تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری در هیات وزیران، معاون پرستاری وزارت بهداشت در گفت‌وگو با «اعتماد» وعده داد که به دنبال اختصاص ردیف اعتباری جداگانه ۵ هزار میلیارد تومانی در بودجه ۱۴۰۱ برای اجرای این قانون، جامعه پرستاران کشور بعد از انتظار ۱۵ ساله، در آینده نزدیک شاهد تاثیرات اجرای این قانون خواهد بود.

عباس عبادی ضمن این وعده، توضیح داد: «سال ۱۳۸۶ قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری تصویب شد که در این سال‌ها، فراز و فرود زیادی برای اجرای این قانون را شاهد بودیم. طی ۷ ماه گذشته و به خصوص بعد از تاکیدات رهبری و رییس جمهوری در روز پرستار و همچنین به دنبال پیگیری‌های وزارت بهداشت و نهادهای صنفی پرستاران، تلاش برای اجرای قانون سرعت گرفت تا اینکه در قانون بودجه ۱۴۰۱، ردیف اختصاصی برای اجرای این قانون در نظر گرفته شد و معادل ۵ هزار میلیارد تومان علاوه بر منابعی که در سال‌های گذشته برای کارانه پرستاری مصرف می‌شده (معادل یک و شش دهم هزار میلیارد تومان) به اجرای قانون اختصاص دادند. این رقم، در حال حاضر در ردیف بودجه وزارت بهداشت است. باید طی تفاهمنامه با سازمان‌های بیمه‌گر، این رقم به بیمه‌ها منتقل شود چون وزارت بهداشت فروشنده خدمت و سازمان‌های بیمه‌گر، خریدار خدمت هستند. اقدام دیگر که در حال انجام است، احتساب یک ردیف مستقل تحت عنوان تعرفه پرستاری در صورتحساب بیمار در حال ترخیص از بیمارستان است. تفاوت تعرفه خدمات پرستاری با رویه‌های موجود همین است که در خدمات پزشکی، هزینه بابت یک عمل جراحی دریافت می‌شود اما تعرفه پرستاری، در واقع هزینه بابت مجموع خدماتی است که بیمار در طول مدت بستری در بیمارستان از پرستار دریافت می‌کند. حسن این تفاوت این است که از ایجاد نیاز القایی جلوگیری کرده و هزینه مازادی برای بیمار ایجاد نخواهد کرد علاوه بر آنکه به دنبال احصای بودجه، حداقل ۶۵ درصد باز توزیع و سازماندهی اعتبارات به‌طور مستقل به‌دست همان پرستاری می‌رسد که خدمت ارایه داده است. نتیجه نهایی، دستیابی به یک ابزار برای ارایه کیفیت مطلوبی از خدمت به مردم خواهد بود ضمن آنکه خدمت پرستاران هم با این شیوه پرداخت جبران می‌شود و در نهایت، بخشی از خواسته‌های برحق پرستاران که ۱۵ سال به تاخیر افتاد، محقق شده و به صرفه‌جویی در منابع نظام سلامت منجر می‌شود.»

عبادی در توضیحات خود البته به ضعف سنواتی سازمان‌های بیمه‌گر در به‌روزرسانی پرداخت بدهی‌ها به طرفین قرارداد - بیمارستان‌ها و مراکز درمانی - اشاره داشت و تاکید کرد: «همین امروز و همچون سنوات گذشته، صورتحساب بیمار ترخیص‌شده از بیمارستان، به سازمان بیمه‌گر ارسال می‌شود اما بازگشت پول به بیمارستان، ۵ یا ۶ یا گاهی ۱۲ ماه طول می‌کشد. بنابراین امروز، همکاران پزشک یا پرستار در بیمارستان‌ها، کارانه ۶ ماه قبل‌شان را دریافت می‌کنند. مقرر است که قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری از ابتدای فروردین ۱۴۰۱ اجرا شود اما دریافت وجوهات حاصل از اجرای این قانون، ممکن است با چند ماه تاخیر همراه باشد.»

عبادی البته اشاره داشت که طبق صورتجلسه تنظیم‌شده توسط معاون اجرایی ریاست‌جمهوری، قرار بوده که پرداخت‌های ذیل قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری از ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۰ باشد چنانکه جلسات و رایزنی‌های این الزام هم در وزارت بهداشت انجام و تکالیف و حتی جزییات قرارداد هر کدام از گروه‌ها شامل سازمان‌های بیمه‌گر، سازمان برنامه و بودجه و وزارت بهداشت هم شد اما اجرای این قانون از سه ماه پایانی سال گذشته مشروط به تعهدات سازمان‌های بیمه‌گر خواهد بود.

پرستاران همواره از عدالت جا ماندند

طبق گفته معاون پرستاری وزارت بهداشت، اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، طی ۱۵ سال گذشته دچار فراز و فرود بوده اما سوال مهم این است که چرا فقط اجرای عدالت برای پرستاران که صف اول خدمت در نظام سلامت هستند دچار این فراز و فرود شده ولی تعرفه‌های خدمات پزشکی که در واقع، به‌روزرسانی پرداخت به پزشکان است، هر سال و لو با چند روز زودتر یا دیرتر، در پایان هر سال و در شورای عالی بیمه تصویب و در ابتدای هر سال ابلاغ می‌شود؟ اگرچه تعرفه خدمات پزشکی، در واقع مشخص شدن تکلیف شهروندان برای پرداخت هزینه‌های سلامت در سال جدید است اما مگر نه اینکه در فهرست مفصل تعرفه خدمات درمانی، بیش از ۱۰ جزء مربوط به اعداد جدید ویزیت پزشکان عمومی و متخصص و فوق متخصص و کمتر از ۱۰ جزء مربوط به خدمات بیمارستانی معروف به هتلینگ است که خدمت پرستاری هم ذیل این گروه قرار می‌گیرد؟

حسن قاضی‌زاده هاشمی؛ وزیر بهداشت دولت‌های یازدهم و دوازدهم (به مدت دو سال پیش از استعفا در زمستان ۱۳۹۸) طی دوران مسوولیت، چند بار در پاسخ به خبرنگاران درباره علت معطل ماندن اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری اعلام کرد: «مجلس قانونی را تصویب کرد بدون آنکه منبع اعتباری برای آن در نظر بگیرد. قانون تعرفه‌گذاری پرستاری اجرا نشده چون پولی برای اجرای آن نداریم.»

این تنها یک مصداق از گستره وسیع توزیع‌های ناعادلانه در حق جامعه پرستاری کشور است. سال ۱۳۹۹، مسوولان وزارت بهداشت در پاسخ به اعتراضات گسترده پرستاران درباره علت قطع کارانه‌های پرستاری وعده دادند که رقم مجزایی با عنوان «پاداش کرونا» به حساب پرستاران واریز خواهد شد. جامعه پرستاری، دلخوش به این وعده که بارها و بارها از تریبون رسانه‌ها هم به گوش مردم رسیده بود، منتظر بود در قبال خدمات بی‌دریغی که طی روزها و شب‌های بی‌وقفه بر بالین مبتلایان کرونا ارایه داده، دریافتی‌هایی نه مطابق با ارزش معنوی و انسانی این خدمات که حداقل، پوششی ریالی برای جبران این زحمات دریافت کند. تاکید اقتصاددانان و نمایندگان مجلس هم این بود که این «پاداش» که چنین گوش فلک را پر کرده، متناسب باشأن پرستاران باشد.

نیمه آبان سال ۱۳۹۹، ۸ ماه بعد از شیوع کرونا در کشور، در حالی که طبق گفته معاون پرستاری وقت وزارت بهداشت، ۶۵ درصد پرستاران کشور، مشغول به مراقبت و پرستاری از مبتلایان کرونا بودند، جمعی از پرستاران شاغل در بیمارستان‌های دانشگاهی محل بستری بیماران کووید ۱۹، در گفت‌وگو با «اعتماد» از تبعیض‌های گسترده در پرداخت‌ها خبر دادند.

این پرستاران به «اعتماد» گفتند که بر خلاف تبلیغات و قول‌های اغراق‌آمیز دولت درباره پرداخت حق کرونا و کارانه‌های چند ده میلیون تومانی به پرستاران، بیشترین رقم‌های دریافتی به عنوان «حق کرونا» آن هم برای پرستاری که حداقل ۲۵ شیفت و بیش از ۱۶۰ ساعت در ماه، در بیمارستان‌های جنرال از مبتلایان کووید ۱۹ مراقبت کرده، از ۷ میلیون تومان بیشتر نبوده علاوه بر اینکه تمام پرستاران، به دنبال دریافت حق کرونا، با کاهش عجیب یا حتی قطع «کارانه» مواجه شده‌اند؛ کارانه‌ای که در نظام سلامت، هم به پزشک و هم به پرستار پرداخت می‌شود. بسیاری از پرستاران معترض می‌گفتند رقم‌هایی که به عنوان «حق کرونا» دریافت کرده‌اند، معوقات کارانه سال ۹۸ و در مواردی هم، تتمه مطالبات سال ۹۷ بوده و دولت هنوز در تسویه و به‌روزرسانی کارانه سال ۹۹ بسیاری از پرستاران، عقب‌ماندگی‌های طولانی‌مدت دارد. این پرستاران می‌گفتند دولت، اذهان عمومی را با پرداخت «حق کرونا» به پرستاران فریب داده در حالی که حق کرونا، در واقع، همان کارانه‌ای بوده که علاوه بر «حق کرونا» باید پرداخت می‌شده اما حالا این حق موظف، به ازای دریافت «حق کرونا»، قربانی گروکشی شده است.

دولت قول داده بود برای هر پرستار، بابت هر ساعت خدمت به مبتلایان کووید ۱۹، ۲۵ هزار تومان «حق کرونا» محاسبه شود اما در بعضی استان‌های جنوب کشور، پرستارانی بودند که به ازای ۳ ماه یا ۵ ماه خدمت به مبتلایان کووید ۱۹، فقط ۱۵۰ هزار تومان «حق کرونا» گرفته بودند.

پرستاری که به مدت ۸ ماه در یکی از بیمارستان‌های دانشگاهی تهران در بخش مراقبت‌های ویژه مشغول به مراقبت از مبتلایان کرونا بود، به «اعتماد» گفت که از ابتدای اسفند ۱۳۹۸ تا روز ۱۵ آبان ۱۳۹۹، دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به عنوان «حق کرونا» دریافت کرده که ۵۰۰ هزار تومان از این رقم هم، کارت هدیه‌ای بوده که یک خیر سلامت بین پرستاران این بیمارستان توزیع کرده است.

این پرستار، ۸ ماه در شیفت‌های شبانه یا روزانه بخش مراقبت‌های ویژه و در هر شیفت ۱۳ ساعت، کار کرده بود ولی بابت این ۸ ماه، در مجموع ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان حق کرونا گرفت؛ ۷۰۰ هزار تومان در اسفند ۱۳۹۸، ۵۰۰ هزار تومان اوایل فروردین ۱۳۹۹ که هدیه یک خیر سلامت بود و آخرین بار هم، یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان اواسط تابستان همان سال. این پرستار، قبل از شیوع بیماری در کشور، هر ماه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان کارانه می‌گرفت. دوستان این پرستار در شهرهای کرج و اصفهان و قشم هم به «اعتماد» خبر دادند که کارانه‌شان به نصف کاهش یافته و رقمی به عنوان حق کرونا دریافت کرده‌اند که با همان مبلغ کسر شده از کارانه برابری می‌کند.

پرستار دیگری که از ابتدای شیوع کووید ۱۹ در یکی از بیمارستان‌های دانشگاهی کرج مشغول به کار بود هم برای «اعتماد» تعریف کرد که در طول ۸ ماه - اسفند ۱۳۹۸ تا آبان ۱۳۹۹ - با ۱۶۷ ساعت کار ماهانه معادل ۲۵ شیفت در ۳۰ روز، بابت ۲۶۵ روز خدمت به بیماران کرونایی، ۵ میلیون تومان حق کرونا گرفته در حالی که پیش از شیوع کرونا، ماهانه یک میلیون و ۸۰۰ هزار تا دو میلیون تومان کارانه می‌گرفته ولی در این بازه ۸ ماهه، در مجموع، یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به عنوان کارانه به حسابش واریز شده و فرض او و سایر همکارانش در این بیمارستان آموزشی، این بود که «حق کرونا» جایگزین کارانه پرستاری شده است.

این پرستار هم از دوستانی تعریف می‌کرد که دریافت‌های به مراتب عجیب‌تر داشتند؛ مثل آن پرستار شاغل در بیمارستان جزیره قشم که سال ۹۸، هر ماه حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان کارانه می‌گرفته و در ۵ ماه اول شیوع کرونا، کارانه‌اش قطع شده بود و به عوض کارانه، خیرین و سپاه ۵ میلیون تومان کارت هدیه بین پرستاران بیمارستان توزیع کرده بودند و مثل پرستارانی که بابت ۸ ماه خدمت در بیمارستان محل بستری مبتلایان کووید ۱۹، ۳۰۰ هزار تومان، ۸۰۰ هزار تومان، ۶۰۰ هزار تومان یا ۵۰۰ هزار تومان «حق کرونا» به حساب‌شان واریز شده بود در حالی که پیش از شیوع کرونا، رقم کارانه‌شان، ماهانه بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود.

پرستاران بیمارستان‌های اصفهان هم، همان ایام در گفت‌وگو با «اعتماد» از کارانه‌های آب‌رفته ۵۰ هزار تومانی و ۷۰ هزار تومانی خبر دادند و تصاویری از فیش‌های واریزی کارانه معوقه سال ۹۷ و معوقه سال ۹۸ دوستان‌شان را برای خبرنگار اعتماد فرستادند که طبق مندرجات این فیش‌ها، ۳۹ هزار و ۴۴۵ تومان بابت کارانه اسفند ۹۷ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹ به حساب پرستار واریز شده بود) ۱۲ هزار و ۷۱۴ تومان بابت کارانه آبان ۹۷ (۲۰ بهمن ماه ۱۳۹۸ به حساب پرستار واریز شده بود) ۳۶۵ هزار و ۹۹۵ تومان بابت کارانه آبان ۹۸ (مهر ماه ۱۳۹۹ به حساب پرستار واریز شده بود) ۱۳۶ هزار و ۴۳۰ تومان بابت کارانه مرداد ۹۸ (تابستان ۱۳۹۹ به حساب پرستار واریز شده بود) دریافتی برخی پرستاران بوده است. یکی از فیش‌ها، «یک ریال» واریزی کارانه زمستان سال ۹۸ یکی از پرستاران بود که روز ۱۴ مهر ماه به حساب او واریز شده بود......

معاون پرستاری وزارت بهداشت، در گفت‌وگو با «اعتماد» تایید می‌کند که: «حق کرونا متاسفانه فقط سال ۱۳۹۹ و آن هم در مقطعی کوتاه پرداخت شد. مدل‌های مختلف استخدامی و قراردادی برای پرستاران هم باعث شده که نظام پرداخت برای جامعه پرستاری متفاوت باشد.

در حال حاضر حدود ۸ مدل قرارداد به کارگیری پرستار داریم؛ رسمی، قراردادی، تبصره‌ای، شرکتی، ۸۹ روزه..... البته ساماندهی به کارگیری کارکنان دولت در کمیسیون اجتماعی مجلس در حال برنامه‌ریزی است و تا خرداد به این وضعیت رسیدگی خواهد شد که فکر می‌کنم به دنبال این جریان، تفاوت در پرداخت‌ها برای جامعه پرستاری هم به شکل یکپارچه حل شود.»

طبق گفته عبادی، از مجموع ۱۲۰ هزار پرستار مشغول به کار، حدود ۵۳ درصد به صورت رسمی یا رسمی آزمایشی مشغول به کار هستند و غیر از ۱۷ درصد فارغ‌التحصیلان رشته پرستاری و مشغول به گذراندن طرح نیروی انسانی، باقی پرستاران شاغل شامل ۱۵ درصد قراردادی، ۳.۵ درصد تبصره‌ای، نیم درصد ۸۹ روزه و ۸ درصد شرکتی که معنای واضح این مدل قراردادهای رنگ به رنگ، فقدان امنیت شغلی است.

علت اصرار پرستاران به اجرای قانون چیست

نیمه اول سال ۱۳۸۶، رییس مجلس وقت، قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری را با ضمیمه تایید شورای نگهبان، برای رییس جمهوری ارسال کرد.

طبق این قانون، وزارت بهداشت موظف بود استاندارد بسته‌های خدمات تشخیصی، درمانی کادر پرستاری کلیه مراکز بهداشتی درمانی کشور را تعیین کرده و همچون تعرفه‌های خدمات پزشکی، هر ساله ارزش ریالی خدمات پرستاری، متناسب با افزایش تورم و بر مبنای قیمت تمام‌شده خدمات، در شورای عالی بیمه و سپس در هیات وزیران تصویب شود. از زمان اجرای این قانون، کارانه پرستاران، نه بر اساس سلیقه مدیر و رییس بیمارستان یا متاثر از تغییرات دولت‌ها و وزرا، بلکه باید بر اساس تعرفه‌های مصوب تعیین می‌شد. در حالی که پس از ابلاغ این قانون، وزارت بهداشت باید ظرف سه ماه، آیین‌نامه اجرایی قانون را تدوین می‌کرد و به هیات وزیران می‌فرستاد تا بعد از تصویب، برای اجرا ابلاغ شود، همین فرآیند به تنهایی ۱۴ سال طول کشید و البته هیات وزیران هم در روزهای پایانی فعالیت دولت دوازدهم این آیین‌نامه را تصویب کرد تا دولت وقت، هوشمندانه، نقطه پایان بر قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری را به نام خود سند بزنند.

دولت موظف به رعایت قانون خواهد شد

مهم‌ترین ویژگی اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری این است که دولت مکلف می‌شود هر ساله در قبال تعرفه‌های مصوب خدمات پرستاری و پزشکی که از اتاق شورای عالی بیمه سلامت و هیات وزیران بیرون می‌آید، به تساوی مطیع و مکلف باشد. اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، هر مفری را برای تحمیل تفاوت و تبعیض سلیقه‌ای بر پرستاران مسدود می‌کند و یک گام قانونی همچون سایر کشورهای معتقد به اجرای قانون، برای ارج گذاشتن به خدمات پرستاری برداشته خواهد شد. طبق این قانون، تمام دانش‌آموختگان رشته‌های پرستاری، اتاق عمل، هوشبری و فوریت‌های پزشکی و رده‌های وابسته پرستاری با هر گونه رابطه استخدامی باید از مزایای قانونی یکسان برخوردار شوند و راه اعمال هر گونه سلیقه در قبال پرداخت به پرستاران بسته می‌شود. خدمات پرستاری، تعریف مشخص پیدا می‌کند و دیگر پرستاران هیچ وظیفه‌ای در قبال پست‌های خالی مانده و وظایف مغفول دیگر رده‌های خدمتی در نظام سلامت نخواهند داشت. با تاکید این قانون درباره تکلیف و اجبار دولت‌ها به تعیین اعتبارات اجرای قانون از محل منابع بودجه عمومی، راه هر گونه بهانه و توجیه برای بایگانی شدن حق و مطالبات پرستاران بسته می‌شود. خدمات پرستاری، همچون خدمات پزشکی، تحت پوشش سازمان‌های بیمه قرار می‌گیرد و طبق آیین‌نامه اجرایی که روزهای آغازین تابستان ۱۴۰۰ بعد از تصویب در هیات وزیران، توسط معاون اول دولت دوازدهم ابلاغ شد، تمام مراکز درمانی مکلف می‌شوند کارانه پرستاران را بر اساس یک نظام قانونمند و در چارچوب قانون، با یک نرخ یکسان و به دور از اعمال سلیقه پرداخت کنند.

هیچ ضمانتی برای بهبود شرایط نیست

در حالی که سازمان نظام پرستاری، وزارت بهداشت و سازمان امور استخدامی مکلف به تعریف و محاسبه استاندارد نسبت پرستار به ازای جمعیت، پرستار به بیمار، به تخت و پزشک شده‌اند، هنوز معلوم نیست اجرای این قانون تا چه حد در افزایش تعداد پرستار به ازای جمعیت تاثیرگذار باشد. عقب‌ماندگی ایران در تعداد پرستار به ازای هزار نفر جمعیت، حتی قابل مقایسه با کشورهای منطقه نیست. با یک محاسبه ساده می‌توان متوجه کمبود شدید پرستار در کشور شد؛ طبق گفته عبادی، در حال حاضر مجموع تعداد پرستاران شاغل در مراکز درمانی کشور پای تخت‌های فعال، ۱۲۰ هزار نفر است.

محاسبه آمار دو مقطع زمانی از تعداد پرستاران چند کشور و مقایسه با وضعیت ایران، عمق فاجعه‌ای که در داخل آن قرار گرفته‌ایم را نشان می‌دهد.

سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) تعداد پرستاران نروژ به ازای هزار نفر جمعیت، ۱۰.۳ نفر، دانمارک ۹.۵ نفر، سوییس ۱۰.۷ نفر، آلمان ۹.۶ نفر، سوئد ۸.۸ نفر، فرانسه ۶.۷ نفر و امریکا ۸.۱ نفر بوده است. ۲۰ سال بعد، در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) تعداد پرستاران نروژ به ازای هزار نفر جمعیت کشور به ۱۷.۸ نفر، دانمارک ۱۷.۲ نفر، سوییس ۱۶.۸ نفر، آلمان ۱۲.۹ نفر، سوئد ۱۱.۸ نفر، فرانسه ۱۰.۹ نفر و امریکا به ۸.۵ نفر افزایش یافته است. بنابراین طی ۲۰ سال گذشته، اغلب کشورهای جهان مشغول به افزایش تعداد پرستار به ازای جمعیت بوده‌اند تا خدمات با کیفیت‌تر و مکفی‌تر به بیماران عرضه کنند و در حال حاضر، طبق آمارهای متعدد از وضعیت به کارگیری پرستار در مراکز درمانی کشورهای دور و نزدیک، کشورهای معدودی هستند که به ازای هزار نفر جمعیت کشور، کمتر از ۲ پرستار فعال داشته باشند و البته ایران در فهرست همین معدود کشورهاست چنانکه با استناد به اعلام معاون پرستاری درباره فعال بودن ۱۲۰ هزار پرستار در ایران و یک ضرب و تقسیم ساده در مقابل ۸۵ میلیون نفر جمعیت کشور، متوجه می‌شویم که در حال حاضر به ازای هر هزار نفر جمعیت کشور ۱.۴ پرستار فعال هستند در حالی که این ما به ازا حتی در کشورهایی مثل امارات و کویت هم از وضعیت ایران بهتر است. علت راکد ماندن ما به ازای تعداد پرستار در مقابل هزار نفر جمعیت در کشور ما دلایل مشخص و غیر قابل انکار دارد؛ طی دو دهه گذشته در ایران، قراردادهای غیرقانونی کار و شرایط ناعادلانه کار، طوری وسعت گرفت که فارغ‌التحصیل پرستاری، دیگر رغبتی به خدمت در کشور نداشته و از زمان اخذ مدرک، در فکر پذیرش در یکی از بیمارستان‌های اروپا یا امریکاست. شرایط ناعادلانه و فرساینده کار در محیط‌های بیمارستانی که چیزی جز تحمیل بار چند برابری بر شانه نحیف پرستاران نبوده، به گونه‌ای غیر قابل تحمل شده که طی دو دهه اخیر، پرستاران کوچ و هجرت به کشورهای دور و نزدیک را به خدمت در وطن ترجیح داده‌اند. تحمیل بار سنگین کار ۴ پرستار بر دوش یک پرستار به دلیل تعدیل‌های فراگیر نیروی پرستاری در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی و بی‌تفاوتی مسوولان وزارت بهداشت در مقابل قانون‌شکنی‌های سلیقه‌ای مدیران و روسای بیمارستان‌ها، عقد قراردادهایی که حتی اسم‌شان، مصداق بارز بی‌قانونی است و در هیچ یک از قوانین جاری کشور هم نمی‌توان از این شبه‌قانون‌های سلیقه‌ای و یک‌شبه‌ای سراغ گرفت چون محصول روابط و باندبازی‌های گردانندگان بیمارستان‌ها با صاحبان کرسی مسوولیت در نهادهای دولتی هستند، ناتوانی پرستاران از هر گونه شکایت و اعتراض به وضعیت موجود به دلیل ناامنی شغلی و ترس از آینده معیشتی، می‌تواند بخش کوچکی از دلایل سرریز شدن ظرفیت تحمل پرستاران کشور باشد.

یکی از پرستاران شاغل در یک بیمارستان دولتی در مرکز شهر تهران، چند روز قبل برای «اعتماد» تعریف می‌کرد که از ابتدای امسال، مسوولان بیمارستان با جسارت تمام، مسوولیت ۴ پرستار را به دوش یک نفر انداخته‌اند و در توجیه این تحمیل ناعادلانه می‌گویند که با وجود فراخوان‌های متعدد، هیچ پرستاری برای استخدام و اشتغال به بیمارستان مراجعه نکرده است. این پرستار می‌گفت: «از مسوولان بیمارستان پرسیدیم این فراخوان را روی کدام تابلو نصب کرده‌اید که ما نمی‌بینیم؟ طبق قانون استخدام کشوری، ما باید ۸ ساعت در روز کار کنیم ولی از ابتدای امسال، شیفت‌های ۱۲ ساعته به هر کدام از ما می‌دهند. البته وضع باقی دوستانم هم چندان متفاوت با من نیست. به دلیل کمبود شدید پرستار، ما در حال حاضر ۳۴ روز! در ماه کار می‌کنیم.»

محمدرضا شریفی‌مقدم، دبیر کل خانه پرستار:

وقتی یک مریض وارد بیمارستان می‌شود تا زمانی که از آن خارج می‌شود، خدمات مختلفی دریافت می‌کند. تا ۶۵ درصد از هزینه این عمل، مستقیم به جیب پزشک و ۵ درصد نیز به جیب پزشکان دانشگاه می‌رود. از ۳۰ درصدِ باقیمانده، ۱۰ درصد به بیمارستان می‌رسد و ۲۰ درصد هم به کادر غیر پزشکی تعلق می‌گیرد. این در حالی است که ۹۳ درصد از کادر بیمارستان غیر پزشک و تنها ۷ درصد پزشکان هستند. جامعه پرستاری این قانون تعرفه‌گذاری را قبول ندارد، ۱۵ سال پرستاران گفتند قانون تعرفه‌گذاری حق ماست اما الان با اجرای ناقصِ این قانون می‌خواهند این ابزار را از دست پرستاران بگیرند. الان می‌گویند بفرمایید این هم قانونِ تعرفه‌گذاری! ابزار مطالبه‌گری را از پرستاران گرفتند تا آنها را ساکت کنند

شکاربان

خاطرات سفر و حضر (۲۱۹)

اسماعیل کهرم

در کودکی‌ام که زندگی شیرین بود
پیوسته دعای خیر مادر این بود
می‌گفت الهی پسرم پیر شوی
پنداشت دعا کند ولی نفرین بود

این شعر با خطی خوش به مقر مغازه اسلحه‌فروشی میخ شده بود.

بنده هم نمی‌دانم که چرا مردم به همدیگر نفرین می‌کنند و می‌گویند پیر شی! به قول یکی از دوستان پارک‌نشین، پیر شی یعنی کور شی، شل بشی، لال بشی، کر بشی و... دوستی فرمود شاید موضوع آن است که سالم باشی و پیر شی که تقریبا محال است. کهولت با خود عوارضی را می‌آورد که همراه با گذشت زمان است؛ مثل آرتروز، آب مروارید و غیره... امروزه تقریبا همه خود را برای یک لیست بیماری‌ها آماده می‌کنند. تنها خوشبخت‌ها این لیست را تکمیل می‌کنند. تنها کسانی که خوشبخت هستند! بدشانس‌ها قبل از ظهور علایم سن زیاد، بار را بسته و رفته‌اند. تیمور لنگ معتقد بود که در شهرهای گوناگون، مردم تمایلات مشترک دارند، مثلا او مردم نیشابور را مردمی عمیق و همه را فیلسوف می‌دید. چنین برداشتی را من از مردم هندوستان پیدا کردم. با هر کس سلام و علیک کردم به موضوعاتی مانند فلسفه، فرهنگ و مذهب کشیده شد. و چقدر آنها پر بودند و چقدر آگاه. مثلا شما ممکن بود با دو نفر در یک رستوران سر یک میز نشسته باشید. از همان لحظه اول تبادل اطلاعات آغاز می‌شود. شما حس می‌کنید که مخاطبان شما از آشنایی با شما واقعا خوشحال شده‌اند. طوفان سوال از شما آغاز می‌شود. می‌خواهند از شما، فرهنگ، زبان، مذهب و جغرافی مملکت شما را بدانند. کارکنان رستوران‌ها یاد گرفته‌اند که شما را به میزهایی راهنمایی کنند که همه تنها هستند و بعد از نیم ساعت یک میز با ۵ نفر منتظر غذا خواهند بود.

یاد

قاتل شهدای محیط‌بانان فارس دستگیر شد

فرمانده انتظامی استان فارس گفت: قاتل و همدستش که هفته گذشته دو محیط‌بان را در کوه‌های اطراف شهرستان بوانات به قتل رسانده بودند دستگیر شدند.

سردار رهام‌بخش حبیبی گفت: ششم خردادماه یک فقره درگیری بین شکارچیان و محیط‌بانان در ارتفاعات کوه‌های حفاظت‌شده «دره باغ» شهرستان بوانات حادث و منجر به آسمانی شدن دو محیط‌بان و زخمی شدن دیگر همکارشان شده بود که بلافاصله ماموران انتظامی اقدامات فنی خود را جهت شناسایی و دستگیری ضاربان شروع کردند. ماموران پلیس آگاهی از همان لحظات اولیه وقوع با تحقیقات تخصصی و پلیسی موفق شدند در کمتر از ۴ روز قاتل و همدستش که برای شکار غیرمجاز به کوه رفته بودند و با محیط‌بانان درگیر و اقدام به تیراندازی کرده بودند را شناسایی و آنان را در مخفیگاه‌شان دستگیر کنند. قاتل ۳۲ ساله و سابقه‌دار به همراه همدست ۳۱ ساله خود علت و انگیزه قتل را شکار غیرمجاز اعلام کردند، متهمان برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند. حبیبی با بیان اینکه در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک قبضه سلاح شکاری غیرمجاز و مقداری مهمات مربوطه کشف شد، از شهروندان و دوستداران محیط زیست خواست در صورت مشاهده هرگونه تخلف در زمینه‌های مختلف زیست‌محیطی مراتب را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع‌رسانی کنند تا در اسرع وقت رسیدگی شود.

دیروز مراسم تشییع و قدردانی از دو شهید محیط‌بان و محیط‌یار محیط زیست فارس در حرم مطهر شاهچراغ (ع) با حضور خانواده شهدا، دوستداران محیط زیست، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست کشور، معاون محیط زیست طبیعی کشور، استاندار، فرماندهان نظامی و انتظامی و تولیت آستان مقدس احمدی و محمدی (ع) برگزار شد. شهید محیط‌بان «یارمحمد فرهمند» و شهید محیط‌یار «رضا بهرامی‌پور» جمعه ۶ خرداد، طی درگیری متخلفان شکار با محیط‌بانان در منطقه دره باغ شهرستان بوانات استان فارس به شهادت رسیدند.

پیشخوان
Pishkhan.com

مرور خبرها

■ **وزیر آموزش و پرورش:** ۳۴ هزار و ۸۰۰ نفر معلم در کشور کمبود داریم که از طریق آزمون استخدامی و فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان جبران می‌کنیم. آخرین جلسه جمع‌بندی اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان در کمیسیون دولت امروز برگزار می‌شود و نتیجه این جلسه در هیات دولت مطرح و درباره زمان و چگونگی صدور احکام فرهنگیان بحث خواهد شد. همچنین با رشد جمعیت سالانه ۴۰۰ هزار نفری دانش‌آموزان با کمبود فضا روبرو هستیم که تلاش می‌کنیم با کمک رییس جمهور و هیات دولت و با کمک خیران آن را جبران کنیم. ولی با این حال سرعت ما برای تامین فضا به اندازه سرعت افزوده شدن مدارس فرسوده و تخریبی نیست. از ستاد کرونا هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای بازماندگان از تحصیل و ترمیم افت تحصیلی ناشی از کرونا جذب کردیم ولی زیرساخت‌های ساختمانی و فضای آموزشی به دلیل حضور دانش‌آموزان جدید، فرسودگی بنا و مهاجرت مطلوب نیست، ما به ۲۰۰ هزار کلاس درس نیاز داریم و در حال حاضر هزینه ساخت هر کلاس درس یک میلیارد تومان است.

■ **نماینده مردم شهرستان قروه در مجلس گفت:** کردستان بیش از ۵۰۰ میلیون تن ذخایر معادن کشور را دارد، اما هیچ نقشی در تولید ثروت ندارد و تنها منفعت وجود معادن در کردستان، کارگری است.

یادداشت

نگاهی به آثار پویا آریانپور در نمایشگاه «بربادرفته»

شوق‌انگیز و قابل تحسین

علی فرامرزی

نمی‌خواهم از آن اثر آویخته در خلأ و معلق بر سقف سالن متروکه کارخانه قند صحبت کنم. مکانی به تاریخ پیوسته. گویی پس از اتمام نقشش در صنعت رها شده و چه بسا که می‌رفت به مجتمعی تجاری تبدیل شود. قبل از آنکه نیش تیغ بولدوزرها بر گونه‌اش بنشیند و کامیون‌های ردیف‌شده خاکش را به توبره بکشند. دوباره زنده شده و جان به کالبدش دویده و این بار می‌رود که نقشش را به گونه‌ای دیگر و با نسلی متفاوت‌تر بازی کند. نسلی که در جست‌وجوی حرفی نو و ایده‌ای دیگرگون مسیر طولانی تهران تا آن مکان را طی کرده تا بر جان خسته این روزهایش آبی تازه بپاشد و طراوتی احساس کند. آنچه برایم تا حد شوق تعجب‌برانگیز بود، برآمدن نسلی است که در شرایطی کاملا متفاوت با شرایط موجود و واقعیت‌های جاری زمانه و در تضاد اقتصادی با امکانات خلق اثر هنری دست به چنین کاری زده است. در زمانه‌ای که بخش بزرگی از جوانان به دام توهم ساده به دست آوردن و یک‌شبه مهم شدن افتاده‌اند و شرایط به گونه‌ای است که کارآفرین‌ترین شخصیت‌ها و سرمایه‌دارترین بخش‌های جامعه هم کمتر ممکن است به گرد پروژه‌های بلندمدت و دیربازده برای سرمایه‌گذاری بگردند، تو با اتکا به خلاقیت خویش در شرایطی کاملا به‌رغم وضع موجود گروهی همدل را با خود همراه کنی و طرحی پنج‌ساله را پی بریزی که در آن همه اعتبارت را در گرو موفقیتش به ودیعه بگذاری. بدیهی است که چنان پروژه‌ای فقط از کنج آتلیه‌ات برنخواهد خاست که هرگاه نخواستی و نپسندیدی مچاله‌اش کنی و دورش بیندازی. باید که به پیش ببری و به نتیجه برسانی. این تضادهای پیچیده جامعه ایرانی و این چندگانگی اتفاقات فرهنگی و هنری، قضاوت کردن و نظریه پرداختن در خصوص این مردمان را کاری سخت و روانشناسی آنان را ویژه و یگانه کرده. چنان ققنوس‌وار از دل خاکستر شرایط عینی جامعه برمی‌خیزند و از خود توانایی‌هایی بروز می‌دهند که تو به ناگاه تضادی نابهنگام و دور از انتظار را چون شکافی عمیق در برابر خویش کشف می‌کنی و در تحلیل آن وامی‌مانی. اینکه چگونه بخشی از همین به ظاهر بی‌خیالان چنین با عشق و ایمان به خود هدفی را برمی‌گزینند و سر در پی اجرایش می‌گذارند؟ گویی این تاریخ طولانی چندهزار ساله تنها رسوبات پیچیده و چندلایه رفتاری آزاردهنده و منفی برجای نگذارده بلکه اندوخته‌های ناخودآگاه جمعی‌اش و فرهنگ موزاییکی‌اش در کمال صبوری در کمین نشسته است تا در شرایط و بزنگاه‌های دور از انتظار میوه‌های پر از شیرینی و شهد خود را تقدیم جامعه کند تا جان‌های خسته‌اش لختی نفس تازه کنند و دمی بیاسایند تا فرصتی بیابند که دوباره امید را در روح و جان خود بازسازی کند. این به انجام رساندن پروژه‌های گروهی و ظاهرشدن‌های نابهنگام و صحنه را در اختیار گرفتن دیری است که در جامعه ما به نوعی خرده‌فرهنگ تبدیل شده و هر از گاهی در عرصه‌های دیگر هنری ظهور می‌کند و جامعه فرهنگی را جانی دوباره می‌بخشد. پویا آریانپور و دیگر گروه‌های عرصه تجسمی که چنین پروژه‌های جمعی‌ای را به پیش می‌برند با بهره‌گیری از تجربیات دیگر عرصه‌های هنر گروهی به خوبی تاکنون استفاده کرده‌اند و می‌روند که نتیجه‌های مطلوب‌تر و بزرگ‌تری را به دست آورند، اینان بخشی از تجسمی ایران هستند که در زمان و جای درست خویش قرار گرفته‌اند و با هوشیاری و خودآگاهی بر موقعیت تاریخی خود می‌روند تا نقش خود را اجرا کنند، گویی دیگر قالب موجود برایش تنگ آمده و هر هفته افتتاحیه چندین نمایشگاه تجسمی جوابگوی کافی برای عطش سیری‌ناپذیرش نیست و نیازی روزافزون بر جان فعالین این بخش هنری سنگینی می‌کند تا در تکاپو برای پوست‌اندازی نو، خود را به رقابت‌های جهانی در سطوحی از هنر بینامتنی در این دنیای متکثر پرتاپ کنند. هنر چندوجهی بینامتنی پدیده نوظهور قرن اخیر است که سالیانی است به بخشی فراگیر از فعالیت‌های فرهنگی جهانی تبدیل شده و با پدید آمدن اینترنت و در نتیجه خلق فضای مجازی آنچنان سرعتی گرفته که برای افرادی در سن و سال من به سرگیجه‌ای می‌ماند که ترجیح می‌دهیم سرخورده در خود فرو رویم تا ذهن عادت کرده خود را از سرعت این تحولات سرسام‌آور در امان نگه داریم؛ ولی دریغ که واقعیت‌های این جهان نوظهور آنچنان روبه گسترش و چندوجهی شدن‌های مداوم است که ندیدن آن چیزی از شدتش نمی‌کاهد. آنچه پویا آریانپور و گروهش انجام می‌دهند تا خود را از سیطره گالری‌ها برهانند و بازی را به زمین‌های متفاوت‌تر و از جنس دیگری بکشانند و در این ابعاد اجرا کنند این پیام را به دیگر هنرمندان این حوزه می‌دهد که چنانچه شرایط کافی فراهم کنند و کاری درخور بیافرینند نه مکان و نه بعد مسافت هیچ کدام مانعی برای موفقیت نخواهد بود. بر ما اهالی تجسمی وظیفه است که از این گونه حرکت‌های نسل جوان به هر شکل ممکن پشتیبانی کنیم تا به امری مداوم‌تر و دایمی‌تر تبدیل شود که هم افق‌های بزرگ‌تر و متفاوت‌تری ظاهر شود و هم پهنه هنر با خلق امکاناتی خلاقانه‌تر و بدیع‌تر طراوت و تازگی کافی و لازم خود را به دست آورد تا دیدن آثار تجسمی که امروزه برای بخشی از جامعه فرهنگی حداقل در تهران خوشبختانه به یک فرهنگ و سنت تبدیل شده است، از تکرار یکنواخت رها شود و هشداری باشد به بعضی از گالری‌ها تا به رفتارهای خودنگاهی تازه بیندازند و آن را اصلاح کنند.

شنیدن اینکه برای فرار از رفتارهای عده‌ای از گالری‌داران ترجیح داده‌ام که به سوله‌ها پناه ببرم هشداری برای آن بعضی‌هاست. گالری‌داری بدون هنرمند در نهایت یا به مکانی برای آثار کم‌مایه تبدیل خواهد شد یا محکوم به تعطیلی. دوستانه عرض می‌کنم که این گله به گفتمانی رو به افزایش بین هنرمندان درآمده. چنانچه تکبر و خودهمه‌چیزانگاری را در عرصه‌های دیگر اجتماع نمی‌پسندیم مبادا که در خود نیز نمونه‌هایی از آن را بپرورانیم.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با پویا آریانپور درباره نمایشگاه «بر باد رفته»

نقش زدن خیال در آرزوهای سوخته

شیرین کاظمیان

بر پایی چیدمان‌هایی بزرگ خارج از فضای گالری‌ها، طوری که کیفیت مطلوب و قابل اعتنایی داشته باشد، کمتر در هنرهای تجسمی ما دیده شده. کاری که پویا آریانپور، نقاش و مجسمه‌ساز در نمایشگاه «بر باد رفته» انجام داده و تا ۲۰ خرداد در کارخانه‌ای متروکه در دل کهریزک برپاست. آریانپور پیش‌تر در پاییز گذشته هم نمایش پروژه بزرگ «میراث صنعتی» را برگزار کرده بود. با او درباره چگونگی شکل‌گیری این ایده و مسیر اجرایی آن گفت‌وگو کردم.

■ پروژه «بر باد رفته» چگونه شکل گرفت؟

از حدود چهار سال پیش، به دنبال کارخانه‌های از کار افتاده بودم. جایی که در لحظه‌ای نامعلوم از تولید باز ایستاده. برای من این کارخانه‌ها نمادی بودند از آرزوهایی که به ثمر ننشسته‌اند؛ نوعی «از دست رفتگی» را در خیالم می‌پروراندم. ابتدا این ایده «فضای از دست رفته» در قامتی دیگر با شکلی کروی و در جایی دیگر در حال طراحی بود؛ در وسط شهر در منطقه پل چوبی؛ اما سازه کهنه بنا دوام نداشت و بعد از حدود یک‌سال کار با مشورت کارشناسان فنی، تصمیم گرفتیم پروژه را تعطیل کنیم. این قصه «از دست رفتگی» در من دوام داشت. البته ایده یک جهان پر تناقض و ناکامل و از دست رفته از سال‌ها پیش در ذهن من شکل گرفت و شاید اولین بار در نمایشگاهی که هشت سال پیش در «گالری بوم» با نام «رویاهای موقت، در خیال موقت» داشتم، خلق شد. آنجا صحبت از این می‌شد که ما در جهان ناکاملی هستیم و این جهان ناکامل در ذهن من انگار به گونه‌ای در میان کار ناتمام مانده و به خودی خود رها شده بود. برای پروراندن این طرح، از یک سو به دنبال کارخانه‌ای متروکه بودم که به کارخانه قند کهریزک رسیدم و از سوی دیگر، آنچه در سر من می‌چرخید، پارچه‌های بزرگ و سیاهی بودند که گاهی در هیبت پرچم‌های بزرگ و سیاه در شهر می‌بینیم. از زاویه‌ای همواره جذب تلالو و رقص این سیاهی‌ها بوده‌ام و از زاویه‌ای دیگر معنایی است که در خود دارند. معنایی تلخ از مرگ و سوگ. دوست داشتم حجم بزرگ و سنگینی از چیزی را بسازم که بالای سر ما قرار بگیرد. برای من پیوسته هنر سنتی تجلی شیداکنندگی و نوعی بیزاری است. آینه‌کاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری سنتی ایرانی، همگی، منفرد عناصری هستند از معماری ایرانی که تو را ناخواسته مبهوت می‌کنند. تو معجزه خلق را، دقت را و ریاضت را تحسین می‌کنی و لحظه‌ای بعد همانجاست که می‌خواهی از آن سنت ایستا و متعصب که تو را در بر گرفته، بگریزی. آینه‌کاری برای من این گونه لباسی است. پس سعی کردم که آن پارچه سیاه را در هیبت آینه‌کاری سنتی به تن فرم‌ها بکشم. فضای کشیده و بلند ساختمان که به پنجره‌های گشوده رو به آسمان ختم می‌شد، خیال فرم‌های جامد، سنگین و سیاه مرا به مرور به فرم‌هایی منعطف که میل به پرواز دارند، کشاند. آینه‌کاری سیاه را که پیش‌فرض خود قرار داده بودم و زمان زیادی را در ساخت آنها سپری کرده بودم، قطع کردم و همان گونه که قصه در خود امیدی را به وجود آورد، سعی کردم که با انقطاع آینه‌های سیاه امیدی رنگین را در گوشه‌هایی نشان دهم. در این میان که به انقطاع اشاره کردم، سعی کردم که وقفه‌ها در خیال و تولید را هم به نوعی در نمای سطح زیرین نشان دهم. آنچه از آن برای من حاصل شد، فرمی است تیره‌رنگ و سنگین که میل به پرواز دارد. اسم این اثر را «آویخته در باد» گذاشتم. اثر دیگر به تصور من شیئی است به جا مانده از دوره‌ای تاریخی که می‌تواند وصف حال ایام خود باشد. ایده از سلاح و ابزارهای ابتدایی گرفته شد. شایدا رهای است با دو دسته که هر دسته را گروهی به سمت خود می‌کشانند، فارغ از اینکه حاصل کار «بریدن» باشد. این شیء را دقیقا نسبت به سالن سوخته دوم کارخانه طراحی کردم. حجمی است فلزی، زنگ‌زده که در پناهگاهی همچنان به جای مانده است. نام این اثر شد «شیء به جا مانده». تصور من از این دو، رابطه‌ای است نامعلوم از آرزوها و ایستایی جسم سخت. بخش دیگری از این مجموعه که در ماه‌های آخر به آن اضافه شد، دیواری از طرح‌های اولیه «آویخته در باد» و «شیء به جا مانده» است. خواستم این دیوار فراتر از طرح‌های این سال‌ها و این پروژه باشد و مروری بر منابع الهام‌بخش من در سه دهه اخیر شود. در این دیوار تصاویری که همیشه بر دیوار کارگاهم دارم، تا یادداشت‌ها و طرح‌هایی از دوست یا عزیزانی را کنار هم گذاشته‌ام. این دیوار شاید نخستین اقدام من برای به اشتراک گذاشتن منابع الهام‌بخش سالیان دراز است. در آن نشانه‌هایی از رنج، ظلم، شادی، از دست‌رفتگی، امید، زشتی و زیبایی در کنار هم هستند. با این تابلو شاید مخاطب من بیشتر از هر زمان دیگر بتواند ردپای خیالم را دنبال کند. نامش را «منابع الهام» گذاشتم.

■ چه شد که کارخانه قند کهریزک را انتخاب کردید؟ اثر این بنا در شکل‌گیری آنچه امروز می‌بینیم چه بود؟

به دنبال مکانی مناسب برای نمایش بودم و حدود چهل کارگاه و کارخانه متروکه را بازدید کردم. تا اینکه دوستی بازیگر تصویری از کارخانه تاریخی قند کهریزک را نشانم داد. این کارخانه در تملک بخش خصوصی است و مدت‌هاست برای ساخت فیلم و برگزاری مراسم اجاره داده می‌شود. دوست بازیگر خودش در این مکان سابقه بازی در فیلمی سینمایی را داشت و وقتی شنید به دنبال کارخانه متروکه هستم، آن را به من معرفی کرد. این بار «از دست رفتگی» که در خیال من برای خلق اثرم بود، به شکلی دیگر و در مسیر رسیدن به این کارخانه و خود بنا در ذهنم شکل می‌گرفت. راهی طولانی که وقتی از بافت شهری می‌گذری، با دشتی سبز آغاز می‌شود، دستفروشان در کنار جاده با گل از تو استقبال می‌کنند و بعد که مستغرق ویترین مغازه‌های سنگ قبر شدی لحظه‌ای بعد خود را میان بهشت زهرا می‌بینی. به هر حال باید از آنجا بگذری و در پیچ بعدی تابلوی آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک را ببینی، سپس صدمتر جلوتر کارخانه متروکه قند ظاهر می‌شود. کمی دورتر هم زندان نام آشنای کهریزک است و عطر تپه‌های بزرگ زباله تهران به مشام می‌رسد. کهریزک جایی است که قصه نافرجام اولین نشانه‌های صنعتی شدن ایران بسیار هماهنگ با دیگر ارکان جغرافیایی «آرزوی بر باد رفته» را در گوش من نجوا کرد. این صنعت متوقف شده برای من خیلی مهم بود. من خیال یک از دست رفتگی را در سر می‌پروراندم. تمام عناصر مسیر و شکوه از دست رفته کارخانه، بنای ارزشمند آتش گرفته و آرزوهای به جامانده کارگران آغاز نقش خیال من شدند.

■ اکنون که کار به اجرا در آمده و در مواجهه با مخاطب قرار گرفته، فکر می‌کنید آنچه می‌خواستید و ایده آل‌تان بود حالا به درستی شکل گرفته؟

من مخاطبم را محدود به بازدیدکنندگان نمایشگاه نمی‌دانم. خروج از گالری و انجام این پروژه در فضایی مستقل من را با همکاران و مخاطبانی از طیفی وسیع‌تر از سابق مواجه کرد. از طرفی با افرادی از حرفه‌های متفاوت روبه‌رو شدم که هر یک در طول انجام پروژه به نوعی مخاطبان آن شدند. از سوی دیگر بازدیدکنندگان از نمایشگاه هستند که فراتر از «گالری گردها»ی معمول بودند و به اهالی کهریزک و برخی مسوولان آن، مهندسان معماری، هنرجویان هنرستان، خانواده‌های همکارانم در حرفه‌های صنعتی، گروه‌هایی از حرفه‌های دیگر مثل روزنامه‌نگاران، محققین علوم‌شناختی، محیط‌زیستی‌ها و ورزشکاران گسترش پیدا کردند. به تجربه برای ارزیابی اثرم بر مخاطبان زمان بسیار بیشتری نیاز است. اما آنچه از بازخوردهای فعلی مخاطبانم دریافت می‌کنم را شاید بشود به دو بخش تقسیم کنم. مخاطبان ما بیشتر از هر چیز از امید گفتند. امیدی که برای برخی از احساس فهمیده شدن و تنها نبودن آمد، برای برخی از دیدن اینکه می‌شود کار گروهی کرد، می‌شود در شرایط سخت هم کار کرد و به سرانجام رسانید. با تمام اینها هنوز معتقدم که برای پاسخ به این سوال زود است. معتقدم ایده‌آل هرگز دست‌یافتنی نیست.

■ «بر باد رفته» از وضعیت امن، کلیشه‌ای و سفید گالری‌ها بیرون آمده و در جایی نامتعارف به اجرا در آمده. این تغییر مکان در مواجهه مخاطب با این چیدمان چطور بود؟

یک اینکه «بر باد رفته» از گالری بیرون نیامد، در بستر این فضا شکل گرفت. دو، طبیعتا روبه‌رو شدن با فضای تازه و مسیری غیرمعمول، تجربه‌ای نو برای مخاطب می‌سازد. سه اینکه باز هم قضاوت را به زمان باید بسپارم، چون نمی‌دانم مخاطب من تا چه حد مجموعه تجربه‌ای را که من در سر پروراندم در خود تجربه کرد. تا چه اندازه بازدید از نمایش ما را از لحظه آغاز مسیر، عبور از زمین‌های سبز، گل‌فروش‌ها، سنگ قبرها، بهشت‌زهرا و دیگر ارکان محیط در نظر گرفته است. این تنها زمان به من نشان خواهد داد. دیگر آنکه این نوع نمایش در کشور ما چندان تجربه نشده و این از سویی مخاطب را برای پذیرش امری تازه و بکر همراهی می‌کند و از سوی دیگر شاید در او مقاومتی بیافریند. این را همزمان به ما نشان خواهد داد.

■ پروژه‌ای محیطی که در کاشان برپا کردید و پروژه «میراث صنعتی» که به سرپرستی شما در پاییز گذشته در کارخانه نوآوری و شتاب‌دهی دیهیم به نمایش در آمد نیز شباهت‌هایی ویژه به مکان اجرایی «بر باد رفته» داشتند. با توجه به اینکه انتخاب ارایه در چنین مکان‌هایی برای مخاطب ایرانی تازگی دارد، فکر می‌کنید پروژه‌های بعدی‌تان را هم در همین ساختار هدایت کنید و پیش ببرید یا ممکن است به فضای گالری بازگردید؟

روند چند ساله اخیر من و پروژه‌هایی که خارج از گالری سرپرستی کردم به هیچ‌وجه به معنی نفی گالری نیست. از نظر من گالری‌ها مکان‌هایی مهم و اثربخش در فضای هنر به‌ویژه در کشور ما هستند. این حرف هم به معنی این نیست که نقدی به سازوکار حاکم بر آنها ندارم، اما موضوع من ترک گالری و اصرار به خلق اثر خارج از آن نیست؛ خیال و نوع کارهای من و پروژه‌هایی که مایل به انجامشان بوده‌ام مرا به خارج از گالری کشانده‌اند.

■ به کم بودن پروژه‌هایی از این جنس در فضای هنر تجسمی ایران و امکان ایجاد مقاومت در ذهن مخاطب اشاره کردید. تجربه و پیش‌بینی شما از واکنش‌های منفی و نقدهایی که بر چنین پروژه‌هایی وارد می‌شوند، چیست؟

فارغ از این پروژه، در کل سال‌های کاری من، شاهد هستم که ما با یک خودزنی فرهنگی روبه‌رو می‌شویم. این در حدی است که من و ما و همه هنرمندان، همواره برای شنیدن انگ کپی‌برداری آماده هستیم. از سوی دیگر در پروژه‌هایی که اشاره کردید، بارها تجربه این را داشته‌ایم که کسانی بی‌آنکه به محل نمایش اثر مراجعه کنند صرفا از روی تصاویر محدود موجود به نقد آن می‌پردازند. در حالی که این نوع آثار در مکان و اتمسفر خود قابل شناسایی و بررسی هستند. این روش شناسایی رویکردی صحیح نیست و بدون قرار گرفتن در فضا و تجربه آن مجموعه‌ای از اجزا که هنرمند برای مخاطب در نظر گرفته چون تکنیک، مکان و ابعاد، برداشت صحیحی از اثر نخواهیم داشت. مخاطب بدون نزدیک شدن به هر چیزی برداشتی ناقص از آن خواهد داشت. درست مثل زمانی که آدم‌ها را از دور می‌بینیم و همه شبیه یکدیگر به نظر می‌رسند اما با نزدیک شدن و تجربه مجموعه‌ای که هر یک از آنان را به انسانی منفرد تبدیل کرده است، می‌توانیم هر یک را در جایگاه خود درک کنیم و هویت هر فرد را تمییز دهیم. دیگرانی هم هستند که سختی راه را تحمل می‌کنند و به نمایشگاه می‌آیند اما بدون خواندن کلمه‌ای از تمام شرحی که به تفصیل از پیشینه و مسیر خیال و خلق اثر بر در و دیوار و روی کاغذ نوشته‌ایم به نقد اثر می‌پردازند. متاسفانه این گروه هم تفسیری ناقص از اثر را با خود حمل می‌کنند.

■ در بحران ویژه‌ای از وضعیت اقتصادی کشور قرار داریم. فکر می‌کنید این وضعیت جاری در جامعه در ارایه اثر شما یا خوانش مخاطبان از آن چگونه تاثیری داشته؟

این اثر به هیچ‌وجه جدا از شرایط موجود و آثار آن بر اجتماع ما نیست. در واقع خود واکنشی غریزی است نسبت به مکان و زمانه‌ای که در آن زیست می‌کنیم و اساسا مساله این اثر اشاره به موقعیت کنونی ماست؛ اما اگر بخواهیم به خلق این اثر در این زمانه و با در نظر گرفتن وضعیت موجود نگاه کنیم، من همیشه معتقدم در زمانه‌ای که رکود فراگیر می‌شود و انفعال بر اجتماع سنگینی می‌کند، هنرمند نقشی تعیین‌کننده بر دوش دارد. این نقش می‌تواند روشنگر و امیدبخش یا منتقد و کوبنده باشد؛ فرقی نمی‌کند. هنرمند نباید از حرکت باز ایستد. هنر ابزار هنرمند است و نباید در رکود جمعی و انفعال بی‌اثر شود. هنرمند شور اجتماع را برمی‌انگیزد. در طول تاریخ هنرمندان موثر همیشه در زمان و مکان‌هایی سر برافراشتند که ما انتظارشان را نداشتیم. آنجا را به بزنگاه‌هایی تبدیل کردند که شاید تنها هنر قدرت خلق آنها را داشته. این برخاستن تلاشی مضاعف می‌خواهد. از خودگذشتگی می‌خواهد و خلاف مسیر رود شنا کردن. خود هنرمند باید این روح را در خودش جاری کند تا به دیگران منتقل شود. در روزگارِ سخت است که به نمایش گذاشتن اثر بخشی کار گروهیِ، نمایش از خودگذشتگی تمام گروه در خدمت آرمانی واحد، اراده و ایمان به تغییر می‌تواند همدلی و امید را در دل جامعه دچار سکون شده ایجاد کند. هنرمند بدون حضور فعال هنری نمی‌تواند کاربردی در آرمان‌خواهی و نقد اجتماعی داشته باشد. این تمام هستی اوست.

■ گالری دستان و مریم مجد از کجا با پروژه همراه شدند و این همکاری چطور پیش رفت؟

از حدود ده سال پیش ایده‌ای خام برای کارهایی خارج از گالری در من قوت می‌گرفت، پیش آمد تا با هرمز همتیان درباره این ایده صحبت کنم و او با اشتیاق زیاد از آن استقبال کرد. طی این سال‌ها هر وقت فرصتی پیش آمد، آمادگی خود را برای همراهی در اجرای این ایده ابراز کرد. چهار سال پیش و وقتی خیال پروژه فعلی به واقعیت نزدیک‌تر شد با او صحبت کردم و او که حالا تجربیات بیشتری هم کسب کرده بود، باز هم ابراز آمادگی کرد و همراه شد. نقش گالری دستان در این پروژه در زمینه برپایی و اجرای نمایشگاه بوده و از این به بعد هم در همین راستا فعالیت خواهند داشت. همکاری با مریم مجد شاید از حدود هشت ماه پیش از نمایش شروع شد. البته دوستی و آشنایی ما به سال‌های دور بازمی‌گردد. شناخت او از من و کارهایم در سالیان گذشته و تجربه‌های گوناگون او در مدیریت پروژه‌های هنری باعث شد تا نقش کیوریتور پروژه را به عهده بگیرد. این تنها نقش مریم مجد و تیم او در این پروژه نیست. مجموعه «پروژه‌های هنری مریم مجد» در عمل وظیفه نظم‌دهی به کارهای محتوایی و آرشیو پروژه را از دوش ما برداشتند و این بخش را نیز به خوبی تا به امروز پیش برده‌اند.

■ پروژه «بر باد رفته» چیدمانی بزرگ و پرکار است. اگر تمایل دارید درباره هزینه‌های این نمایش توضیح دهید.

عمده‌ترین خرج این چیدمان، تولید آثار من که شامل سی و یک قطعه می‌شوند، بوده است. معمولا این هزینه‌های تولید مثل هر تولیدی در عرصه مجسمه‌سازی توسط خود هنرمند تامین می‌شوند. طی چهار سال اخیر، این سی و یک قطعه را ساختیم تا در کنار هم یک فرم نهایی را بسازند. من در این سال‌ها به مرور، به سختی، با افت و خیز فراوان و از طریق فروش آثار دیگرم توانستم این پروژه را پیش ببرم. مابقی هزینه‌ها اعم از اجاره مکان برای سه ماه، انتشارات و خدمات مرسوم برای برپایی این نمایشگاه توسط گالری دستان انجام شده است. بنابراین پروژه با سرمایه شخصی من و لطف دوستانی که تخصص، زمان و توان خود را با محبت در اختیارم گذاشتند، اجرا شده است. البته این برنامه اولیه من نبود. در ابتدا با دوستانی برای جلب حمایت مالی صحبت‌هایی شد و آنها هم استقبال کردند اما برآورد من از زمان انجام این پروژه دو سال بود و با آزمون و خطاهای من، تغییرات شدید اقتصادی و حواشی همه‌گیری کرونا برنامه‌ها و هزینه‌ها همه تغییر کردند. دوستان از من زمانبندی و برآورد دقیق می‌خواستند و من تضمینی برای چنین گمانه‌زنی‌هایی نداشتم. این طور شد که از دریافت حمایت مالی صرف‌نظر کردم و پیشبرد کار را به سرعت و امکان تامین مخارج توسط خودم سپردم. حال که صحبت از حمایت‌های دوستان شد، لازم می‌دانم از تمام همراهانم در این چند سال که داوطلبانه و در خیلی از موارد بدون دریافت هزینه به شکل گرفتن و انجام این پروژه کمک کردند، تشکر کنم. برخی از این دوستان هنوز هم در روزهای نمایش و انجام کارهای مربوط به آن خودم را همراهند که کمتر کسی از ماهیت داوطلبانه بودن این میزان از حضورشان باخبر است. مثلا تمام ده پوستری نوشیدنی کل دوره نمایشگاه را به ما هدیه کرده است، هنرمندانی که تدریس در کارگاه آموزشی که برپا کردیم را به عهده گرفتند یا آن هنرمندانی که برای راهنمایی بازدیدکنندگان در فضای نمایشگاه ساعت‌ها حضور دارند هر کدام خودشان افرادی شاخص و برجسته هستند که زمان و توان خود را متواضعانه و بی‌هیچ چشمداشتی به این پروژه هدیه می‌کنند. این حضور و همراهی آنها و خیلی‌های دیگر نه تنها من را در کنترل و کاهش هزینه‌ها یاری کرده که فراتر از آن دلگرمی و انگیزه‌ای که در طول مسیر برایم آفریدند، بی‌قیمت است.

■ با توجه به جایگاه شناخته شده پویا آریانپور در فضای تجسمی و روند فعالیت‌های پیشین شما در این حوزه، چه چیزی باعث شده این پروژه را بدون اسپانسر و با هزینه شخصی پیش ببرید؟

آنچه به تجربه من تا به امروز با عنوان اسپانسر می‌شناسیم عموما فردی یا جایی است که در زمانی که هنرمند نیاز شدید مالی دارد او را تامین می‌کند تا در روزگار پس از تولیدِ اثر با تخفیف‌های شصت-هفتاد درصدی از او آثاری بردارند. من اسپانسر فرهنگی به آن معنی که هنر را برای هنر بخواهد و از هنرمند حمایت بدون چشمداشت کند، نمی‌شناسم و تا به امروز اسپانسر شخصی نداشته‌ام.

■ اگر پیشنهاد اسپانسری دولتی برای این پروژه داشتید، رویکرد اجرایی‌تان تغییر می‌کرد؟

در مورد فعالیت‌های من نه پیشنهادی از سوی دولت شده و نه ابراز نیازی از سوی من.

■ آینده «بر باد رفته» چه خواهد بود؟ این پروژه کجا به پایان می‌رسد؟ قرار است این چیدمان کجا نگهداری شود؟ آیا در کهریزک باقی می‌ماند؟

آینده‌اش را نمی‌دانم. در کارخانه قند کهریزک باقی نخواهد ماند. این کارخانه را گالری دستان برای مدت سه ماه و برای این نمایش اجاره کرد. این را می‌دانم که بعد از این سه ماه نمایش ما از این فضا جمع می‌شود و فضای کارخانه به اجاره‌های دیگری برای فیلمبرداری، مراسم، یا نمایش‌های مشابه هنری یا تبدیل شدن به رستوران و غیره خواهد رفت. ممکن است آثار این چیدمان در جعبه‌های بزرگی برای مدت‌های طولانی بماند، شاید در جایی دیگر به نمایش درآید. نقش گالری دستان در ادامه حیات این کار موثر است. باارزش‌ترین قسمت این پروژه تجربه تلاش عاشقانه تمام گروه در پیشبرد کار بود. تلاش کارگران، آینه‌کاران، آهن‌کاران، عکاسان، نورپردازان، مستندسازان، گرافیست‌ها، راهنماها و همه کسانی که در تولید آثار و برپایی این چیدمان همراه شدند و همین روح جمعی است که امکان گذر از مشکلات را فراهم می‌کند.

■ نمی‌دانم مخاطب من تا چه حد مجموعه تجربه‌ای را که من در سر پروراندم در خود تجربه کرد. تا چه اندازه بازدید از نمایش ما را از لحظه آغاز مسیر، عبور از زمین‌های سبز، گل‌فروش‌ها، سنگ قبرها، بهشت‌زهرا و دیگر ارکان محیط در نظر گرفته است. این را تنها زمان به من نشان خواهد داد.

■ از حدود چهار سال پیش، به دنبال کارخانه‌های از کار افتاده بودم. جایی که در لحظه‌ای نامعلوم از تولید باز ایستاده. برای من این کارخانه‌ها نمادی بودند از آرزوهایی که به ثمر ننشسته‌اند؛ نوعی «از دست رفتگی» را در خیالم می‌پروراندم.

■ «بر باد رفته» از گالری بیرون نیامد، در بستر این فضا شکل گرفت. طبیعتا روبه‌رو شدن با فضای تازه و مسیری غیر معمول، تجربه‌ای نو برای مخاطب می‌سازد... قضاوت را به زمان باید بسپارم.

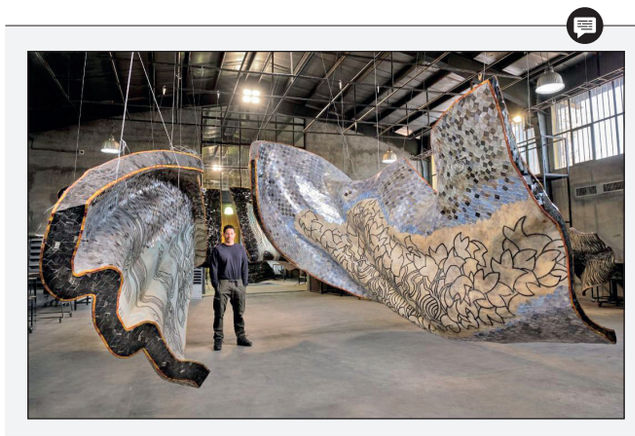

Pishkhan

سینمای جهان-۱

تحلیلی بر فیلم «ماشین من را بران» ساخته ریوسوکی هاماگوچی

زخم‌هایی که از ترمیم تن می‌زنند

کیارش کوچکی

هدایت اثر بزرگ خود بوف کور را چنین آغاز می کند:
«در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره در انزوا روح را آهسته می‌خورد و می‌تراشد. این دردها را نمی‌شود به کسی اظهار کرد، چون عموما عادت دارند که این دردهای باورنکردنی را جزو اتفاقات و پیشامدهای نادر و عجیب بشمارند و اگر کسی بگوید یا بنویسد مردم بر سبیل عقاید جاری و عقاید خودشان سعی می کنند آن را با لبخند شکاک و تمسخرآمیز تلقی کنند.»
هدایت زخم‌های کهن و تاریخی را روایت می کند که آغازی ناپیدا دارند و روحی که بدان‌ها دچار آمده باشد، بدون هیچ امیدی برای شفا، ذره‌ذره در آرواره‌های‌شان جویده شده و خاتمه می‌یابد. این زخم‌ها را آن گونه که هدایت مشاهده کرده بود به راحتی نمی توان روایت کرد، چون در محدوده‌ای فراتر از درک عام ما از یکدیگر قرار می گیرد و شنونده‌ای که بتواند آن را درک کند، موجودی اثیری و غیر قابل دسترس است. همچنین، این گونه زخم‌های هدایت گونه، نشانه‌هایی هستند که دو چیز را بازنمایی می کنند، دردی که جسم تحمل کرده و عشقی که اثر خویش را بر روح، نقر کرده است. «ماشین من را بران» روایتی است از زخم‌هایی از این دست که هیچ گونه شفایی برای آنها قابل تصور نیست. فیلمی به کارگردانی ریوسوکی هاماگوچی بر اساس داستانی کوتاه به همین نام از هاروکی موراکامی است. فیلم، ما را با سه روایت از گسست عاطفی از یک سو و ناتوانی از گسست از سوی دیگر روبه‌رو می کند، اگرچه در آغاز چنین تردیدی در ذهن بیننده ایجاد می‌شود که این فیلم در مورد خیانت است اما در ادامه درمی یابد که چنین نیست. علاوه بر این یکی از عناصر محوری این فیلم فقدان است، فقدانی که بخشی از روح ما را با مرگ انسانی نزدیک به ما، در خاک فرو برده است. به قول حکیمی، در نهایت، آنچه ما را خواهد کشت مرگ عزیزان و نزدیکان ماست که بودن مشترک ما را شکل می دهند؛ ولی آیا این بودن و حیات مشترک، جز از طریق توانایی ما در به خاطر آوردن عواطف و وقایع ممکن است؟ خاطرات ما، با خودباری عاطفی حمل می کنند و برخی از این خاطرات از چنان اقتداری برخوردارند که گویی موجودی مستقل از ما هستند، درون ما به حیاتی غیرنباتی ادامه می دهند و با ما می‌زیند. غیرنباتی بودن این خاطرات، بدین معنی است که واجد شکلی از خودآگاهی خاص خود هستند. این خاطرات که یک پا در زمانی گمشده و پایی دیگر در روح ما دارند، می توانند خود را هزاران بار به همان تازگی بار اول همچون وردی تکرار کنند و باز آفرینند. زخم‌هایی که هدایت و موراکامی در این دو اثر بدان‌ها اشاره دارند از این گونه هستند، حیاتی مستقل از ما دارند، از روح ما تغذیه می کنند، واجد شکلی از خودآگاهی هستند و گویی که بر شکاف بین دو جهان زندگان و مردگان قرار گرفته باشند، بستر گفت‌وگوی زندگان با مردگان شده‌اند. از این منظر، آنچه در بوف کور هدایت با آن روبه‌رو می‌شویم، روایت این حقیقت است که چون بسیاری از آنچه می خواهیم و می توانیم بگوییم، جز یک مخاطب خاص ندارد، اگر آن مخاطب دیگر وجود نداشته باشد، بخشی از روح ما در جوار وی در مغاک جای گرفته است. این حال را شاعر بزرگ مولوی چنین تکان‌دهنده توصیف کرده:

هر که او از همزبانی شد جدا
بی‌زبان شد گرچه دارد صد نوا

همزبان کیست؟ همزبان کسی است که انسان دردهای خویش را برای وی بازگو می کند و از نظر عاطفی در برابر وی برهنه و آسیب‌پذیر است، آینه‌دار روی ماست و آنچه هستیم را به ما بازمی تاباند حتی اگر رابطه ما با وی نابهنجار، بیمارگون، دردناک، افسارگسیخته و غیرمنطقی باشد. به عبارت دیگر، همزبان کسی است که همواره به او باز خواهیم گشت. علاوه بر این، همزبانی الزاما به داشتن حسی فرح‌بخش منتهی نمی‌شود. ما به‌رغم همه رنجی که یک همزبان می تواند برای ما به ارمغان آورد، به او باز خواهیم گشت، چون بیمارگونی مستتر در یک ارتباط، منعکس کننده تصویر همان بیماری در درون ماست، چه اگر اینچنین تلالویی بیمارگون درون ما مأوا نداشته باشد، اصولا چنین انسان و رابطه‌ای جذابیتی برای ما نخواهد داشت و ما در حیطه چنین رابطه‌ای باقی نخواهیم ماند.
در فیلم «ماشین من را بران» ما با چند روایت از همزبان و ارتباط نابهنجار با وی روبه‌رو می شویم، روایت کافوکو و اتو و عشقی که رنگ زوال گرفته است، روایت کوجی و روایت میزاکی و مرگ مادری بیمار و آزارگر.
در روایت کافوکو و اتو، اُتو، همسر کافوکو، در صحنه‌ای از این فیلم به او می گوید که مایل است با وی در مورد مساله‌ای گفت‌وگو کند. این سخن، هراسی در دل کافوکو می‌افکند که کافوکو آن را تا هنگام بازگشت به خانه با خود حمل می کند. هراس از گفت‌وگویی معهود که این دو، ۸ سال تمام پس از مرگ دخترشان به تاخیر انداخته بودند. اگرچه کافوکو با گفتن اینکه شاید منظور اُتو گفت‌وگویی پیش پا افتاده در مورد کار یا زندگی روزمره بوده خود را تسلی می‌دهد، ولی هراس آن گفت‌وگوی معهود، با هر اشاره‌ای از سوی اُتو بر دل کافوکو سایه می‌افکند، چون کافوکو سرنوشت محتوم عشق خویش به اُتو را از قبل می‌دانست و از سوی دیگر به ناتوانی مطلق خویش از برداشتن گام بعدی در این مسیر واقف بود. استیصالی که به چشم‌پوشی وی از روابط خارج عرف اُتو و رنج کشیدن وی در خاموشی به بهانه عشق منجر شده بود و او با تکرار اینکه آنچه بین او و اُتو جاری است، عشق است، آن را تسلی می‌بخشد. کافوکو در طول روز خود را برای این گفت‌وگو آماده می کند، ولی سرنوشت، بازی دیگری را برای وی در آستین پرورده بود. کافوکو در هنگام ورود به خانه با کالبد بیهوش اُتو روبه‌رو می‌شود و اُتو از این بیهوشی جان بدر نمی‌برد، سرنوشتی که اگرچه خلاصی از باری است که او تمام روز بر روح خویش حمل کرده، ولیکن هولناک‌ترین فاجعه‌ای است که در زندگانی هر انسانی می تواند رخ بدهد، فاجعه مرگ و فقدان ابدی معشوق. آنچه بعد از این برای کافوکو باقی می‌ماند، سکوتی بی‌پایان است. سکوتی که به شکستی درونی و رها کردن نقش دایی وانیا از سوی وی ختم می‌شود. از سوی دیگر کوجی، با دامن زدن و سپردن خود به خشمی که در سینه‌اش انباشته، برای خویش سرنوشت تلخی را با ارتکاب به قتل و حذف شدنش از عرصه نمایش رقم می‌زند. این حذف شدن کوجی را از مواجهه با خود، باز می‌دارد، چون آن گونه که به زودی روشن خواهد شد بازی کردن در نقش دایی وانیاست که کلید رهایی از اسارت درون و شکستن چرخه بازگشت دایم به نقطه آغازین است. کافوکو در پاسخ به این سوال که چرا نقش دایی وانیا را خود بازی نمی کند، می گوید: چخوف هولناک است! زیرا هنگامی که جملاتش را بر زبان می‌آوری منِ حقیقی تو را از درونت بیرون می کشد، من دیگر توانایی چنین مواجهه‌ای را ندارم.

این جمله فرآیندی را توصیف می کند که در بین اقوام باستانی و فرهنگ‌های شمنی کاملا شناخته شده بود. شمن پیر سرخپوستی از شمن‌های قوم لاکوتا در گفت‌وگویی، داستانی به این مضمون را برای من نقل کرده بود: شمن‌های دوران قدیم برای پی بردن به اینکه آیا نوجوانی آمادگی شمن شدن دارد یا خیر، او را به تاریک‌ترین نقطه غاری برده، درب آن غار را با گل و سنگ مسدود می کردند و شاگرد باید سه روز بدون آب و غذا در تاریکی مطلق در غار سر می کرد. تاریکی و سکوت مطلق داخل غار آنچه در ناخودآگاه شاگرد مأوا گزیده است را از اعماق ناخودآگاهش بیرون می کشید و شاگرد که با سایه‌ها و اشباح درون خود تنها مانده است باید سه روز بدون آب و غذا در این مصاف دست و پنجه نرم کند. اگر شاگردی از این مواجهه جان سالم بدر ببرد، خواهد توانست در مسیر خردشمنی راه بسپارد. ولی جز گروه اندکی، بیشتر این شاگردان برای همه عمر دچار جنون و تسخیر می‌شدند. از منظر کافوکو آنچه چخوف با درون یک بازیگر می کند، چنین فرآیندی است. هیچ فرآیند شفای درونی نیست که در آن تجلی رخ ندهد و هیچ زخمی شفا پیدا نمی کند مگر اینکه مواجهه‌ای درونی به تجلی منجر شود. چخوف هزار تویی را ترسیم می کند که بازیگر با به زبان آوردن کلمات وی وارد آن شده و در تاریکی اعماق آن، با خود حقیقی خویش مواجه می‌شود. نتیجه چنین مواجهه‌ای، آن گونه که شمن‌های دوران باستان برای ما نقل کرده‌اند، یا مرگ است یا تجلی! پس تنها راه شفا یافتن از زخمی هدایت گونه، قرار گرفتن در معرض چنین فرآیندی خواهد بود که به‌طور کلی در عرصه‌ای ناشناخته و غیر قابل تصور رخ می‌دهند.
روایت سومی که در این فیلم، توسط میزاکی راننده کافوکو بیان می‌شود، به داستان برزخ میان دنیای مردگان و زندگان که میزاکی در آن گرفتار مانده، اشاره دارد. او داستان زخمی که بر صورت داشت را برای کافوکو نقل می کند. زخمی که در جریان سانحه رانش زمینی که منجر به از دست دادن مادرش شد بر صورتش نقر شده بود. بیان داستان این زخم برای کافوکو، دنیای درون میزاکی را برای ما هویدا می کند. او که می توانست مادرش را از مرگ نجات دهد، از این عمل سر باز زد تا بتواند پایانی برای رابطه‌ای دردناک و سرشار از رنج و دستکاری‌های عاطفی که مادر روان‌پریش برای وی رقم زده بود، بسازد ولی حقیقت به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و سرنوشت میزاکی شباهت غریبی با سرنوشت راسکولنیکوف در جنایت و مکافات داستایوسکی پیدا می کند. راسکولنیکوف که بارها و بارها همه دلایل کاملا منطقی و معقول برای مرتکب شدن آن جنایت را در ذهن خویش مرور کرده بود و تمامی زنجیرهای استدلالی که در ذهن می‌تنید، به این نقطه ختم می‌شد که کشتن پیرزن رباخوار پسندیده‌ترین عمل ممکن است و از درد و رنج و پلشتی هستی اندکی خواهد کاست، مرتکب این جنایت می‌شود. اما آنچه بعد این عمل رخ می‌نمایاند کاملا بر خلاف آن چیزی است که زنجیرهای استدلال، راسکولنیکوف را بدان رهنمون کرده بودند و این عمل وی را در تکرار حلقه‌ای بی‌پایان اسیر کرد که او را تا مرزهای جنون راند. میزاکی نیز در سر باز زدن از نجات مادرش با همه دلایل عقلایی و عاطفی که در دست داشت، باز در چرخه بازگشتی بی‌پایان اسیر آمد. از سوی دیگر کافوکو نیز با به تاخیر انداختن گفت‌وگویی هراس‌آور با اُتو به این چرخه گرفتار شد. برای این دو بازگشتی بی‌پایان به آن نقطه که نیمه کاره مانده رقم زده شد. به قول فیلسوف ایرانی بابک احمدی، بازگشت به یک مکان، همواره بازگشت به شکلی از اقتدار است، همچون داستان انجیلی بازگشت پسر خطاکار که برگشتن او به خانه پدری، به معنی قبول شکست و تسلیم و از سوی دیگر برای آمرزیده شدن است. میزاکی با بازگشت به ویرانه‌ای که مادرش را در آنجا رها کرده بود، به اقتدار امن خانه‌ای که در آن شکنجه شده بود، بازمی گردد و این گونه با قبول شکست به آمرزش می‌رسد. از سوی دیگر بازگشت کافوکو به زمانی از دست رفته و به عبارتی دیگر پروستی است که همیشه به درون و به قصد تجلی و بازیافتن گوهری ناب در لحظه‌ای گم شده در دوردست‌های زمان است، همان گوهری که شمن‌های باستان را به دوردست‌های غارها می کشاند تا با تلالو آن تاریکی‌های درون خویش را روشن کنند. تقابل و دوگانگی که بین این دوگونه بازگشت وجود دارد، کافوکو و میزاکی را به هم نزدیک می کند. کافوکو قادر به بازگشت به مکان نیست، چون گفت‌وگوی رخ نداده با اُتو فاقد مکان و اقتدار است، از سوی دیگر، میزاکی قادر به بازگشت در زمان نیست، چون زمان برای وی، جز تکرار بی‌پایانِ آمرزش و بخششی که هرگز رخ نداد، نیست. این دو همچون دو قطب مکمل، در کنار هم بازگشتی منجر به تجلی را تجربه می کنند. بازگشتی که به تنهایی قادر بدان نبودند. در آخر این گفته داستایوسکی به شیوایی و ایجاز، روح این داستان را بیان می‌دارد:
هیچ رنجی بزرگ‌تر از تحمل یک داستان ناگفته در درون نیست.

■ میزاکی با بازگشت به ویرانه‌ای که مادرش را در آنجا رها کرده بود، به اقتدار امن خانه‌ای که در آن شکنجه شده بود بازمی گردد و این گونه با قبول شکست به آمرزش می‌رسد. از سوی دیگر بازگشت کافوکو به زمانی از دست رفته و به عبارتی دیگر پروستی است که همیشه به درون و به قصد تجلی و بازیافتن گوهری ناب در لحظه‌ای گم شده در دوردست‌های زمان است، همان گوهری که شمن‌های باستان را به دوردست‌های غارها می کشاند تا با تلالو آن تاریکی‌های درون خویش را روشن کنند. تقابل و دوگانگی که بین این دوگونه بازگشت وجود دارد، کافوکو و میزاکی را به هم نزدیک می کند.
■ «ماشین من را بران» روایتی است از زخم‌هایی که هیچ گونه شفایی برای آنها قابل تصور نیست. فیلمی به کارگردانی ریوسوکی هاماگوچی بر اساس داستانی کوتاه به همین نام از هاروکی موراکامی است. فیلم، ما را با سه روایت از گسست عاطفی از یکسو و ناتوانی از گسست از سوی دیگر روبه‌رو می کند. اگرچه در آغاز چنین تردیدی در ذهن بیننده ایجاد می‌شود که این فیلم در مورد خیانت است اما در ادامه درمی یابد که چنین نیست. علاوه بر این یکی از عناصر محوری این فیلم فقدان است، فقدانی که بخشی از روح ما را با مرگ انسانی نزدیک به ما، در خاک فرو برده است.

سینمای جهان-۲

یادداشتی بر فیلم «دست خدا» به کارگردانی پائولو سورنتینو

خداوندگاران بی‌دست و پایی!

آریو راقب کیانی

سینمای پائولو سورنتینو ایتالیایی، سینمایی است بر پایه هجوگویی‌های اجتماعی که نمی‌شود آن را جدی نگرفت. سینمایی که در آن انزوای فردی شخصیت‌ها، حتی زیر حجاب پر زرق و برق موقعیت‌پردازی‌های طنازانه آرام و قرار ندارد و تصاویر کلوزآپ مبهوت اشخاص، بیشتر از آنکه جلوه‌گر درونیات فکاهی شده کاراکترها باشد، بیانگر دردهای اگزیستانسیالیستی مجردی است که بر هر شخص وارد شده است. سورنتینو، در آخرین اثر سینمایی‌اش نشان می‌دهد که چگونه می‌شود در جمعی بود و احساس تنهایی کرد. شمولیت گوشه‌گیری افراد در این فیلم تا آنجا پیش می‌رود که می‌شود گفت «دست خدا» فیلم کارناوال آدم‌های بی‌همدم و صحبت است که دچار تناقض رفتاری و ناهمسانی جمعی شده‌اند. شخصی‌ترین فیلم سورنتینو، آنچنان هم شخصی نمی‌تواند باشد تا جایی که نوع نامتعارفی از عشق و دلباختن فیلم «مالنا»، سفر ادیسه‌وار «سینما پارادیزو» و تمسخر طبقه بورژوازی فیلم «آمارکورد» فلینی در آن به چشم می‌آید. فیلم «دست خدا» بسان آثار قبلی این کارگردان چیره‌دست وضعیتی خیال‌پردازانه و شاعرانه با تمی روانشناسانه به خود می‌گیرد. می‌توان گفت تم فیلم عشق است که همان قدر که در قامت تز قد علم می‌کند، به همان اندازه به صورت آنتی‌تز عمل می‌کند و مولف اثر عشق را در برابر عشق قرار می‌دهد.

به زبان دیگر، کاراکترهای فیلم که هر یک به نوعی در پی عشق زندگی خودشان هستند (ازدواج وفادارانه داشتن، فیلمساز موفق بودن، خریدن خانه رویایی، پیشرفت کردن در حرفه‌ای خاص و بازیگر شدن و ...) به دلیل پیامدهای حاصل از آن، به یک بی‌عشقی غیرمتعادل گونه‌ای می‌رسند، زیرا که عشق با هر تعریفی که دارد، در برابر هجمه‌های وارد شده بر آن نمی‌خواهد خاصیتی شهوت‌انگیز و اروتیک‌وار داشته باشد و این را از نگاه تکریم‌آمیز کارگران اثر به هر امور بالاخص به زنان حاضر در این فیلم می‌توان دریافت کرد. طنز این فیلم نیز مانند فیلم‌های «جوانی» و «زیبایی بزرگ» شاید در ظاهر روشنفکرانه به نظر برسد ولیکن در عمق آن فلسفه و نگاه گروتسک گونه‌ای موج می‌زند. کارگردانی سورنتینو به خوبی می‌داند از تعدد و تکثر خرده داستان‌های چیده شده‌اش، چگونه با کمک دوربین شیطنت‌آمیزش هم هارمونی بصری و قاب‌های سیال معماری گونه تشکیل بدهد و هم اینکه از سمبل‌هایی که در طول فیلم ارایه می‌دهد، به نحو احسن استفاده کند. مشخص‌ترین موقعیت پارادوکسیکال فیلم که کلاژهای چندپاره فیلم و روایتگری‌های نامنظم فیلم را به هم می‌چسباند و انسجام می‌بخشد، سکانس آزاده خاطر شدن نقش پاتریزیا (با بازی لوئیزا رانیری) از حرف زدن با ویبراتور حنجره و پرتاب کردن باتری آن به دریا در ابتدای فیلم و مجددا پرتاب کردن همان باتری به شخصیت فابیتو (با بازی فیلیپو اسکاتی) برای تلقین حرف دل را زدن به او در انتهای فیلم است. بنابراین باتری در این فیلم آبژه‌ای می‌شود که از موجودیت انسان‌های سوبژه‌شده پیشی می‌گیرد. در نتیجه این چنین فیلم آشفته‌ای، نظمش در بی‌نظمی یافته است و از وفور کمیت‌های داستانک‌هایش، کیفیتی در خور ارایه کرده است و هیچ‌گاه پرداخت به جزییات را فراموش نمی‌کند. هیچ مفهومی در فیلم «دست خدا» در سطح باقیمانده نمی‌ماند و در موقعیتی با ظرافتی خنده‌دار به کار می‌آید. به عنوان مثال آشنایی فابیتو با شخص قاچاقچی و سیر دستگیری او که فیلمساز از آن در مسیر تغییر تحول شخصیتی فابیتو در دوران جوانی‌اش و معضلاتش بهره برده است.
تمامی شخصیت‌های این فیلم با آنکه در کنار هم خانواده شلوغ و پر جنب و جوشی را تشکیل می‌دهند، اما به هیچ عنوان با یکدیگر سینرژی ندارند و در پس چشم‌های‌شان خلئی از دوست داشتن و دوست داشته شدن بارز است. دستمایه قرار دادن دهه ۱۹۸۰ میلادی در بندر ساحلی ناپل ایتالیا از این جهت حایز اهمیت است که موعد پیوستن دیه‌گو مارادونا به تیم این شهر است و هر شهروندی در آن زمان، از جمله کاراکتر ساویرو، پدر فابیتو (با بازی تونی سرویلو) این موضوع را غیر محتمل و معجزه‌وار قلمداد می‌کرد. آیا هستی یافتن مارادونا در شهر ناپل می‌تواند اعجازی برای همه ساکنان آن در برابر تمامی ناکامی‌هایشان باشد؟ از طرفی دیگر فیلم، محفل آدم‌های بی‌دست و پایی است که مدام در حال کنکاش و سرک کشیدن و تقلا برای مسیر گمشده زندگی‌شان هستند. از شخصیت فابیتو که نمی‌داند چرا باید فلسفه بخواند و چرا با آنکه به فوتبال علاقه‌مند است، بازی کردن آن را بلد نیست تا مادرش، یعنی شخصیت ماریا شیسا (با بازی ترزا ساپوانجلو) که می‌خواهد غم و انزجارش از شوهرش را پشت شوخی‌ها و سرکار گذاشتن‌های دیگران پنهان کند و حتی کاراکتر ساویرو که حاضر است به خاطر عقاید کمونیستی‌اش تلویزیون رنگی نخردولی ویلایی تجملاتی را خریداری کند. از این رو می‌توان گفت فرمول تز و آنتی‌تز سورنتینو به عنوان یک موتیف تکرار شونده پر طمطراق و اغراق‌آمیز در لحظه لحظه فیلم مثل یک رود خروشان در جریان است. نتیجه‌گیری و سنتز فیلم «دست خدا» شاید این باشد که با رخت بستن و کوچ کردن با قطار به سرزمین ناشناخته‌ها می‌توان رها شد و آن چیزی نیست جز زیستن در خیال تا واقعیت!

پیشنهاد فیلم

مروری بر فیلم «هر چه نتیجه‌دار باشد» به کارگردانی وودی آلن

جهان یک رستوران بزرگ است

محسن خیمه‌دوز

ببخشید مادرتون مرد بود یا زن؟
هر چند مهم مادر بودنه، زن و مرد بودنش مهم نیست.×این دیالوگ‌ها را فقط می‌توان از زبان یک نفر شنید: وودی آلن.
او که در فیلم «هر چه نتیجه‌دار باشد» (Whatever Works) به نقد همه اجزای جهان می‌پردازد و این نقد را در قالب داستانی روایت می‌کند که هم سرمایه‌گذار بافروش فیلمش صاحب سودی در گیشه شود (یعنی ما با فیلمی قصه‌گو و طنز مواجهیم) هم فیلمی است که در حوزه جهان‌بینی وودی آلنی که معتقد است: «جهان یک رستوران بزرگ است که همه دارن همدیگه رو می‌خورن»، با تاثیرپذیری از اینگمار برگمن سوئدی، سعی می‌کند برخی گرایش‌های اگزیستانسیالیستی زیستی و نیز برخی گرایش‌های شکاکانه معرفتی را همزمان در فیلم بگنجاند. البته با همان سبک وودی آلنی. شخصیت مرد فیلم، بوریس یالنیکوف است (با بازی خوب لاری دیوید) که در واقع نمادی از خود وودی آلن است و سعی دارد تمام ذهنیات و باورهای وودی آلن را بازی کند و به تصویر بکشد، از جمله اصلی‌ترین باور وودی آلن، معنا و مفهوم «تصادف» را. تصادف یکی از ویژگی‌های اساسی فرهنگ فرانسوی است زیرا فرانسوی‌ها بر خلاف انگلیسی‌ها که به «علیت» باور دارند، به «تصادف» باور دارند و جهان و زندگی را محصول تصادف می‌دانند و نه علیت‌های قاعده‌مند و عقلانی. نقطه مقابل این تفکر فرانسوی، انیشتین است که در پاسخ به تصادف‌محوران کوانتومی می‌گوید: «خدا در هستی تاس نمی‌ریزد». که اشاره دارد به نظم علّی و قانونمند اتفاقات.

در تمام طول فیلم هم ما به شکل طنز همین باور تصادف‌محور را در سکانس‌ها و اتفاقات فیلم می‌بینیم. دختر جوانی اتفاقی وارد زندگی بوریس می‌شود. بوریس منطقا به او می‌گوید آنها با هم جور نیستند ولی تصادفا به او علاقه‌مند می‌شود. تصادفا پدر و مادر دختر برای بردن دختر وارد خانه بوریس می‌شوند. مادر دختر تصادفا با دو مرد دیگر که از دوستان بوریس هستند وارد رابطه می‌شود و اتفاقی می‌فهمیم پدر دختر هم تمایلات همجنس‌گرایانه دارد. دیالوگی که در آغاز این نوشته آمده حاصل گفت‌وگوی پدر دختر با یک مرد همجنس‌گراست که هر دو تصادفی با هم مواجه می‌شوند و تصادفی پی به گرایشات خود می‌برند. دختر هم تصادفا با پسری جوان آشنا می‌شود و به‌طور اتفاقی عاشق هم می‌شوند. دختر هم به‌طور اتفاقی در یک قدم‌زدن معمولی، به بوریس می‌گوید که باید از او جدا شود و بوریس که تحصیلکرده فیزیک کوانتوم است و به نوعی عقلانیت باور دارد و جهان پر از تصادفات را مخالف باورهای عقلانی و قاعده‌مند خود می‌بیند، ناگزیر به خودکشی می‌شود و به همین دلیل خودش را از پنجره به بیرون پرتاپ می‌کند. اما طنز وودی آلنی اینجا هم به خوبی عمل می‌کند. بوریس نمی‌میرد زیرا به‌طور اتفاقی روی یک زن عابر افتاده و از مرگ نجات پیدا می‌کند. هر چند آن زن دست و پایش می‌شکند اما در بیمارستان به‌طور اتفاقی عاشق بوریس می‌شود و بوریس هم از طریق همین زن که خودش را یک پیشگو می‌داند و به‌طور شهودی می‌دانسته در معرض تصادف با یک مرد قرار دارد، به‌طور اتفاقی دوباره به زندگی بازمی‌گردد. جالب آنکه آن زن هم به تصادف باور دارد که در نقطه مقابل عقلانیت، علّت‌گرایی و قانونمداری قرار دارد. بوریس نهایتا، در یک بازی فاصله‌گذارانه، رو به دوربین با تماشاگران، از تصادفی بودن تولد خودش حرف می‌زند اینکه که زندگی او هم حاصل تصادف بوده بنابراین به تماشاگرانش اطمینان می‌دهد که در تحمل این همه اتفاقات تصادفی، جای نگرانی نیست.
فیلم سعی دارد به رویکردهای اگزیستانسیالیستی هم نزدیک شود و به تحلیل جایگاه انسان در هستی و نیز به تحلیل هستی خود او هم بپردازد از جمله با اشاره به این موارد:
انسان گریزی Misanthropy
وضعیت بشری Human Condition
دیگری، جهنم است
مفهوم فلسفی خودکشی
وسواس فکری Obssession
اما فیلم در تعمیق این موارد چندان توفیقی به دست نمی‌آورد زیرا نهایتا آنچه تکلیف فیلم را روشن می‌کند نه تعمیق‌ها و تحلیل‌های اگزیستانسیالیستی که ضرورت‌های گیشه و بازار تجاری سینمای امریکاست. بنابراین فیلم از منظر توجه به رویکردهای اگزیستانسیالیستی در سطح باقی می‌ماند. ولی شاید بتوان در یک تحلیل نمادگرا پذیرفت که تمام شخصیت‌های حاضر در فیلم، بخشی از شخصیت درونی بوریس (و در واقع وودی آلن) هستند که در طول زندگی آنها را زیسته و تجربه کرده است. بازیگر نقش بوریس هم به خوبی توانسته کاراکتر وودی آلن را تداعی کند و این نقطه قوت فیلم است.

پیشخوان
Pishkhan.com

پیشخوان Pishkhan.com

خبرخوان

عوارض صادراتی کالاهای صنایع معدنی لغو شد

علی‌اکبر شامانی، مدیر کل دفتر صادرات گمرک در نامه‌ای به واحدهای ستادی و گمرکات اجرایی اعلام کرد مهلت موضوع اخذ عوارض صادراتی پلکانی از مواد معدنی و کالاهای صنایع معدنی، محصولات پتروشیمی و کشاورزی به پایان رسیده و هرگونه اخذ عوارض خلاف مصوبه تنظیم بازار است.

ادامه از صفحه اول

یکه‌تازی روس‌ها در بازار نفت تحریمی

مطالعه تاریخ روسیه، بیانگر آن است که این کشور، همواره مبتنی بر منافع خود عمل کرده است و هرگز شریک قابل اطمینانی برای طرف‌های مقابل نبوده است. در بسیاری از برهه‌های تاریخی، روس‌ها به‌رغم همه قول و قرارها و پیمان‌نامه‌ها، عمل می‌کردند و بارها جهت‌گیری‌های خود را تغییر داده‌اند. این روند از قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی تا پیمان‌نامه‌های قبل از جنگ جهانی دوم و حتی دوران معاصر وجود داشته است. بنابراین برای روسیه، اساس دوست و دشمن دایمی، معنا و مفهومی ندارد. بنابراین خطاب به آن دسته از افراد و جریانات داخلی که تصور می‌کنند، روسیه می‌تواند به شریک راهبردی ایران بدل شود، باید یادآوری کرد که کمی تاریخ روسیه را مطالعه کنند تا متوجه شوند برای روسیه تنها یک اصل وجود دارد و آن هم اینکه هیچ اصولی در روابط با سایر کشورها (به جز منفعت‌های این کشور) وجود ندارد! با یک چنین پیشینه‌ای این پرسش مطرح است که ایران برای تداوم حضورش در بازار نفت چه باید بکند؟ باید توجه داشت، چنانچه مسوولان دست روی دست بگذارند، روس‌ها باقی‌مانده بازار نفت آسیا را نیز از دست ایران خارج کرده و یکه‌تاز بازار نفت در آسیا خواهند شد. تحریم‌های اقتصادی که روز و روزگاری رییس جمهوری در ایران، آنها را کاغذپاره‌های بی‌ارزش خطاب می‌کرد، امروز اقتصاد و معیشت ایرانیان را به هم دوخته است. روشن است ایران نیز باید بر اساس منافع ملی خود عمل کند. اما آیا تصویر شفافی از منافع ملی در ایران وجود دارد؟ در این شرایط، احیای برجام از نان شب هم برای ایران واجب‌تر است. بر اساس مطالعات میدانی ایران حداکثر ۲ الی ۳ دهه فرصت دارد تا از ظرفیت‌ها و درآمدهای نفتی خود در مسیر توسعه استفاده کند. بنابراین عقل حکم می‌کند که موضوع احیای برجام هرچه سریع‌تر در دستور کار قرار بگیرد. در کنار لغو تحریم‌ها، پیوستن به fatf نیز یک ضرورت غیرقابل انکار است. تجار ایرانی برای استفاده از شبکه حمل‌ونقل مالی و پولی جهانی نیازمند پیوستن به fatf هستند. از سوی دیگر ایران به جذب سرمایه‌های خارجی نیازمند است. صنایع نفت و گاز ایران به سرمایه نیاز دارد. بخشی از این سرمایه‌ها از طریق شرکای خارجی و بخشی نیز از طریق ظرفیت‌های داخلی تامین می‌شود. اما هر عقل سلیمی می‌داند که در زمان تحریم‌ها، امکان جذب سرمایه وجود ندارد. بنابراین مهم‌ترین راهکار برای مقابله با نبرد تخفیف‌های روسیه، لغو تحریم‌ها است. در وهله بعد باید امیدوار باشیم آگاهی عمومی در این کشور به اندازه‌ای رشد کند که دیگر فضایی برای جولان رانتخواران خشونت‌طلب وجود نداشته باشد.

گزارش

انتشار اوراق ارزی در شرایط تحریمی چه نتایجی به دنبال دارد؟

تکرار یک تجربه شکست خورده

گروه اقتصادی

روز دوشنبه نهم خرداد ماه علی صالح‌آبادی، رییس کل بانک مرکزی در مراسم افتتاحیه بیست‌ونهمین همایش سیاست‌های پولی و بانکی با اعلام خبر انتشار اوراق ارزی در روزهای آتی گفت: به عنوان نوآوری جدید اوراق ارزی منتشر خواهد شد، این اوراق هم ارز جمع می‌کند و هم بازپرداخت آن به شکل ارزی خواهد بود و به این ترتیب اشخاص حقیقی و حقوقی و گروه‌های مختلفی که دارای ارزهای راکد هستند می‌توانند نسبت به خرید این اوراق اقدام کنند، سود و اصل این اوراق به صورت ارزی خواهد بود و ناشرانی که دارای درآمد ارزی هستند می‌توانند نسبت به انتشار اوراق اقدام کنند.

اوراق ارزی چیست؟

اوراق ارزی، یک ابزار قانونی برای کسب سود از نوسانات قیمت ارز است. اوراق ارزی معمولا به سه مدل مختلف منتشر می‌شود اولین مدل گردآوری منابع صرفا ارزی، پرداخت سودهای دوره‌ای ارزی و تسویه ارزی است که آنگونه که رییس کل بانک مرکزی اعلام کرده این مدل مد نظر دولت است، دومین مدل انتشار ارزی اوراق و گردآوری منابع به صورت ریالی، محاسبه ارزی سود اوراق و پرداخت آن به ریال و محاسبه سود و زیان نهایی اوراق به صورت ارزی اما با تسویه ریالی است که در دولت محمود احمدی‌نژاد انجام شد. این در حالی است که در ابتدا قرار بر آن بود که تسویه‌ها هم به صورت ارزی باشد اما تسویه به صورت ریالی و با نرخ دولتی دلار انجام و موجب نارضایتی مردم شد و سومین روش نیز اختیار بر پرداخت و تسویه ریالی یا ارزی است. بر اساس این گزارش؛ با توجه به محدود شدن خرید دلار و سخت شدن سرمایه‌گذاری در این بازار، هر چند انتشار این اوراق می‌تواند راهکار قانونی برای سرمایه‌گذاری ارزی باشد اما این امر تنها در شرایط بازپرداخت ارزی حائز اهمیت است، چرا که مزیت انتشار اوراق برای خریداران، کسب سود متناسب با تغییرات بازار دلار است. همچنین منفعت این تصمیم، برای سیاست‌گذار نیز معرفی یک ابزار جدید سیاست‌گذاری ارزی، در جهت کاهش تقاضا برای خرید اسکناس با هدف سفته‌بازی است.

انتشار اوراق ارزی در کشور چه پیشینه‌ای دارد؟

احمد حاتمی یزد، کارشناس ارشد بانکی و از مدیران پیشین بانک صادرات در مورد تصمیم دولت برای انتشار اوراق ارزی به منظور تامین بخشی از کسری بودجه دولت و تامین نقدینگی برای پروژه‌های عمرانی بر این باور است که این موضوع به میزان استقبالی که از سوی مردم و سرمایه‌گذاران صورت خواهد گرفت وابسته است و تنها در صورت پذیرش مردم این اوراق می‌تواند به توسعه کشور و تامین کسری بودجه دولت کمک کند. این کارشناس بانکی با بیان اینکه بعید است چندان استقبالی از اوراق ارزی در داخل یا خارج از کشور صورت گیرد به «اعتماد» گفت: آنگونه که در تجربه قبلی انتشار اوراق ارزی دیدیم در دولت محمود احمدی‌نژاد دولت پس از فروش اوراق ارزی در زمان تسویه آن اقدام به پرداخت ریالی با نرخ دولتی کرد. حاتمی یزد در ادامه خاطرنشان کرد: در آن زمان هر چند بانک ملت اوراق قرضه ارزی با ضمانت شرکت ملی نفت صادر کرد و یک تعداد از بانک‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی نیز این اوراق را خریداری کردند و در مجموع حدود ۵۰۰ میلیون یورو هم از فروش این اوراق به دست آمد منتها در زمان تسویه آن نه بانک ملت و نه ضامن آن که شرکت ملی نفت بود به تعهدات‌شان بابت تسویه ارزی عمل نکردند و اعلام کردند ارزی در بساط ندارند و باید مردم ریال نرخ دولتی دلار را بپذیرند.

این کارشناس بانکی تصریح کرد: طبعا افرادی که می‌خواهند این‌بار هم در اوراق ارزی سرمایه‌گذاری داشته باشند سوابق آن را در گذشته بررسی خواهند کرد و معمولا افراد وارد سرمایه‌گذاری بدون مطالعه نمی‌شوند.

دولت این‌بار هم توان بازپرداخت ارزی نخواهد داشت

حاتمی یزد با بیان اینکه در شرایط فعلی نیز دولت توان بازپرداخت ارزی را ندارد، ادامه داد: حتی اگر سابقه انتشار اوراق ارزی و نحوه بازپرداخت آن را هم در کشور نداشتیم شرایط اقتصادی فعلی به گونه‌ای نیست که به مردم و خریداران احتمالی این اوراق اطمینان داده شود که منابع مالی که در این اوراق سرمایه‌گذاری می‌کنند به آنها برگشت داده شود.

این کارشناس بانکی در ادامه گفت: با توجه به تحریم‌های سخت نفتی و غیره که امریکا بر کشور تحمیل کرده است، توان بازپرداخت ارزی در کشور وجود ندارد و احتمال بازپرداخت ارزی هم بسیار کم است و در نتیجه تاثیر این تصمیم نیز در بودجه کشور و برنامه توسعه ناچیز خواهد بود.

حاتمی یزد تصریح کرد: البته ممکن است دولت در نظر داشته باشد با در اختیار گرفتن ارز از این کانال هزینه‌های ارزی خود را پوشش دهد به عنوان مثال با توجه به هزینه‌های ارزی بالا در واردات کالای اساسی دولت می‌تواند از این طریق این کالاها را وارد کشور کند که بر اساس آمارها سالانه تنها در این بخش حدود ۱۵ میلیارد دلار و شاید هم بیشتر هزینه داشته باشد و از این طریق هم باز می‌بینیم انتشار اوراق ارزی چندان تاثیری در جمع‌آوری نقدینگی نخواهد داشت.

سرمایه‌گذاران در خرید این اوراق تردید دارند

این کارشناس بانکی در پاسخ به این پرسش که آیا سرمایه‌گذاران خارجی نیز از اوراق ارزی ایران استقبال خواهند کرد، افزود: ابدا در شرایط تحریمی یک سرمایه‌گذار خارجی هم از این اوراق ارزی استقبالی نخواهد کرد چرا که هر سرمایه‌گذار خارجی که چنین اقدامی کند مورد تنبیه و مجازات بانک‌های خارجی قرار خواهد گرفت.

او با بیان اینکه حتی در این شرایط ایرانیان خارج از کشور هم تمایلی برای خرید اوراق ارزی ندارند تصریح کرد: همه سرمایه‌گذاران خارجی اعم از ایرانی و غیر ایرانی در سرمایه‌گذاری‌های ایران بسیار تردید دارند و بهتر آن است این مسائل به صورت ریشه‌ای اول حل شود.

حاتمی یزد در پاسخ به این پرسش که چرا در شرایطی که کشور در تحریم‌های سختی قرار گرفته بانک مرکزی چنین تصمیمی اتخاذ کرده، گفت: بانک مرکزی امروز از کارشناسان زبده‌اش خالی شده و افرادی در این بانک مسوولیت گرفته‌اند که از تجربه و دانش کافی در امور بانکداری برخوردار نیستند و به اعتقاد من انتشار اوراق ارزی هم در شرایط کنونی موفقیتی به دنبال نخواهد داشت.

تورم

تورم در استان‌ها چند درصد است؟

نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ برای خانوارهای کشور به عدد ۳۸،۷ درصد رسید.

بیشترین نرخ تورم ۱۲ ماهه در اردیبهشت ماه امسال در استان کهگیلویه و بویراحمد با ۴۶.۷ درصد و کمترین آن در سیستان و بلوچستان با ۳۳.۶ درصد ثبت شده است.

بر اساس این گزارش، نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ برای خانوارهای کشور به عدد ۳۸،۷ درصد رسید. در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ عدد شاخص کل برای خانوارهای کشور (۱۰۰=۱۳۹۵) به ۴۲۹،۶ رسید که نسبت به ماه قبل ۳.۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. در این ماه بیشترین نرخ تورم ماهانه خانوارهای کشور مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان و البرز با ۵.۴ درصد و کمترین نرخ تورم ماهانه مربوط به استان خوزستان با ۰.۷ درصد است.

درصد تغییر شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) برای خانوارهای کشور ۳۹،۳ درصد است. بیشترین نرخ تورم نقطه به نقطه مربوط به استان مازندران با ۴۵.۷ درصد و کمترین آن مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۳۲.۶ درصد است.

در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ عدد شاخص کل برای خانوارهای شهری (۱۰۰=۱۳۹۵) به ۴۲۴،۴ رسید که نسبت به ماه قبل ۳.۷ درصد افزایش داشته است. در این ماه بیشترین نرخ تورم ماهانه خانوارهای شهری مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۵.۸ درصد و کمترین نرخ تورم ماهانه مربوط به استان خوزستان با ۰.۹ درصد است. درصد تغییر شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) برای خانوارهای شهری کشور ۳۹،۲ درصد است. بیشترین نرخ تورم نقطه به نقطه خانوارهای شهری مربوط به استان مازندران با ۴۵.۱ درصد و کمترین آن مربوط به استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان با ۳۳.۵ درصد است.

نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ برای خانوارهای شهری به عدد ۳۸،۳ درصد رسید. بیشترین نرخ تورم ۱۲ ماهه مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد با ۴۵ درصد و کمترین آن مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۳۳.۵ درصد است.

در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ عدد شاخص کل برای خانوارهای روستایی (۱۰۰=۱۳۹۵) به ۴۵۹،۲ رسید که نسبت به ماه قبل ۲.۸ درصد افزایش داشته است. در این ماه بیشترین نرخ تورم ماهانه خانوارهای روستایی مربوط به استان هرمزگان با ۹.۲ درصد و کمترین نرخ تورم ماهانه مربوط به استان زنجان با ۱.۳- درصد است. درصد تغییر شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) برای خانوارهای روستایی ۴۰،۱ درصد است، بیشترین نرخ تورم نقطه به نقطه مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد با ۴۷.۸ درصد و کمترین آن مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۳۰.۶ درصد است.

خبرخوان

ارزآوری ۱،۳ میلیارد دلاری نیروی کار ایران در خارج طی سال ۲۰۲۱

بانک جهانی در گزارشی از وضعیت اعزام نیروی کار در جهان که طی ماه جاری میلادی منتشر شده درآمد ارزی ایران از این محل را در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۱،۳ میلیارد دلار برآورد کرده است. این رقم معادل ۰،۱ درصد تولید ناخالص داخلی ایران بوده است. بر اساس گزارش این نهاد بین‌المللی، کشورهای خاورمیانه‌ای ۶۱ میلیارد دلار از محل اعزام نیروی کار در سال میلادی گذشته درآمد ارزی داشته‌اند که مصر ۳۱،۵ میلیارد دلار از این رقم را به خود اختصاص داده است. مراکش با درآمد ۱۰،۴ میلیارد دلاری و لبنان با ۶،۶ میلیارد دلار به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم منطقه از این نظر قرار داشته‌اند.

آخرین خبر از تغییر ساعت ادارات

مصطفی رجبی مشهدی، سخنگوی صنعت برق در صفحه شخصی خود در فضای مجازی در خصوص تغییر ساعات ادارات نوشت: «استانداران کل کشور بنا به پیشنهاد شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع نیروی برق در استان‌ها، برای تغییر ساعت کار اداری اقدام خواهند کرد. یعنی ادارات کار خود را یک تا دو ساعت زودتر از قبل آغاز و زودتر به پایان خواهند رساند تا ساعت اوج مصرف یعنی ۱۲ تا ۱۷ وسایل سرمایشی ادارات به طور کامل خاموش شود. این اقدام به تنهایی می‌تواند ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مگاوات صرفه‌جویی در پی داشته و امکان تامین پایدار انرژی برای سایر مشترکان را فراهم کند، اکنون این موضوع در حال بررسی است و امید است به زودی ابلاغ شود.»

ویژه

بازدید سرپرست امور بازرسی و کنترل فنی شرکت ملی گاز ایران از شرکت گاز استان مرکزی

ابوالفضل وروانی فراهانی، سرپرست امور بازرسی و کنترل فنی شرکت ملی گاز ایران با اعضای هیات‌مدیره و رییس بازرسی فنی شرکت گاز استان مرکزی در سالن کنفرانس این شرکت، تشکیل جلسه نمودند. به گزارش روابط عمومی شرکت گاز استان مرکزی، محمدرضا سمیعی مدیرعامل این شرکت در ابتدای این جلسه ضمن خوشامدگویی، گزارشی از عملکرد گاز استان و فعالیت‌های انجام شده در حوزه گازرسانی، تعالی سازمانی و پیاده‌سازی استانداردهای مدیریتی و نیز دریافت گواهینامه‌های کیفیتی ارایه نمود. در ادامه مدیرعامل شرکت گاز استان مرکزی گزارش عملکرد این واحد در سال ۱۴۰۰ را ارایه نمود و به تشریح فرآیندهای بازرسی فنی در بخش‌های بازرسی کالا، بازرسی پروژه، بازرسی تاسیسات و عملیات نشت‌یابی پرداخت. وروانی فراهانی سرپرست امور بازرسی و کنترل فنی شرکت ملی گاز ایران ضمن قدرانی از زحمات و تلاش صورت گرفته در گاز این استان و نیز حوزه بازرسی فنی، در خصوص دغدغه ایشان در حوزه منابع انسانی بازرسی فنی خصوصا در شرکت‌های زیرمجموعه پرداخته و افزود: نیروهای بازرسی فنی ضامن کیفیت در عملکرد شرکت بوده و از اولویت‌های کاری ایشان بازآوری نمودار بازرسی فنی در شرکت ملی گاز و شرکت‌های زیرمجموعه و تجهیز آنان به دانش روز در این حوزه بوده و برگزاری دوره‌های آموزشی فنی در حوزه‌های مختلف بازرسی فنی مورد توجه قرار گیرد. در پایان این جلسه در خصوص عملکرد استان، چالش‌های مدیریتی، مشکلات موارد قابل بهبود و دستورالعمل‌های بازرسی فنی در زمان اجرا، چالش‌های بازرسی فنی در زمان بازرسی از اجناس در کارخانجات سازنده تجهیزات مواردی بیان گردید و رییس بازرسی و کنترل فنی شرکت ملی گاز ایران و هیات همراه از سامانه نشت‌یابی مستقر در واحد بازرسی بازدید به عمل آوردند.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان کردستان (سهامی خاص)

نوبت اول
شناسه آگهی : ۱۳۲۶۵۶۶

فراخوان ارزیابی کیفی (شماره 5-1401)
جهت برگزاری یک مورد مناقصه عمومی جهت خرید کالا

شرکت گاز استان کردستان (مناقصه گزار) در نظر دارد به استناد قانون برگزاری مناقصات فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی پروژه های ذیل را طبق شرایط و مشخصات مندرج در اسناد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.

۱- نام ونشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت گاز استان کردستان واقع در: سنندج- میدان جهاد- ساختمان مرکزی شرکت گاز استان کردستان

۲-موضوع مناقصه:

ردیف	موضوع مناقصه	مدت زمان تحویل (ماه)	تعداد	شماره فراخوان در سامانه ستاد
۱	خرید دستگاه جوش فلزی اینورتر تک فاز	دو(۲)ماه	یازده (۱۱) دستگاه	۲۰۰۱۰۹۱۶۸۸۰۰۰۰۲۲

۳- تولیدکننده /تامین کنندگانی که دارای شرایط لازم بوده و آمادگی تامین کالای مناقصه فوق را دارند می توانند جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی به سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) بشرح ذیل مراجعه نمایند.

۴-شرایط اولیه متقاضیان:
۴-۱-ارائه صورت های مالی حسابرسی شده جهت مناقصات با برآورد بیش از ده برابر نصاب معاملات بزرگ
۴-۲-داشتن دانش و تجربه در زمینه مورد نظر
۴-۳- حسن سابقه
۴-۴- توان مالی و پشتیبانی

۵-نحوه دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران: کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

۶- مهلت دریافت و پاسخ اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد):
۶-۱- تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ ساعت ۸ می باشد.
۶-۲-مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ ساعت ۱۹ می باشد.
۶-۳-مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۶ ساعت ۱۹ می باشد.

۷- اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرایند کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران واجد شرایط که امتیاز مناسب را در ارزیابی کسب نموده اند ارسال خواهد شد. بدیهی است دریافت اسناد و پاسخ استعلام ارزیابی کیفی هیچگونه حقی برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

۸- جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص موضوع کار مناقصه با تلفن ۹-۳۳۷۸۳۶۲۵-۰۸۷ امور قراردادها تماس حاصل فرمایید.

۹-داشتن کد شناسه ملی اشخاص حقوقی و ایران کد

توضیح: این آگهی در سایتهای www.nigc-kd.ir، www.shana.ir، http://iets.mporg.ir، www.setadiran.ir قابل رؤیت می باشد.

روابط عمومی شرکت گاز استان کردستان

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان (سهامی خاص)

شناسه آگهی :۱۳۲۵۹۱۷

آگهی فراخوان شرکت در مناقصه (عمومی، یک مرحله ای)
شماره فراخوان: ۵۳/۱۱۸/۶۱۳

شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد، انجام خدمات تاکسیرانی و حمل و نقل شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان را به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید:

۱- نام و نشانی و دستگاه مناقصه گزار: شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان به نشانی استان سیستان و بلوچستان، زاهدان، بزرگراه خلیج فارس و تلفن ۰۵۴۳۳۲۹۴۵۳۷
۲-محل اجرای پروژه: شهرستان زاهدان
۳-حدود مبلغ برآورد اولیه: ۴۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۴-نوع و میزان تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد به حساب شماره IR۹۲۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۱۴۶۳۸۱۶۳۵۲۸ بانک مرکزی بنام پرداخت سایر منابع شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان (این ضمانتنامه باید طبق آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی، مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیأت محترم وزیران، تهیه و ارائه گردد)، به مبلغ ۲،۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ (دو میلیارد و دویست و پنجاه میلیون) ریال
۵-زمان توزیع اسناد مناقصه: از روز دوشنبه ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ تا ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۳/۱۸
۶-زمان بازگشت اسناد مناقصه: تا ساعت ۹:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۰
۷-زمان گشایش پاکات مناقصه: ساعت ۱۰:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۰
۸-مدت اعتبار پیشنهادات: سه ماه از تاریخ گشایش پاکات است و برای یک سه ماه دیگر قابل تمدید می باشد.
۹-کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه رزومه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکتریکی دولت (ستاد) به آدرس https:\\Setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
قابل ذکر است فقط پاکات تضمین مناقصه (پاکت الف) به صورت مهر و امضا شده تحویل امور قراردادهای شرکت گاز سیستان و بلوچستان می شود و مابقی اسناد می بایست در سامانه فوق بارگذاری گردد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص مناقصه و ارائه پاکت ها ۰۵۴-۳۳۲۹۴۵۳۷
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ و دفتر ثبت نامه ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
اسناد و فرم های موجود در سایت شرکت و سامانه تدارک الکترونیک دولت می بایست تهیه و در سامانه https:\\Setadiran.ir بارگذاری گردد.
متقاضیان می توانند برای رویت این آگهی به آدرس پایگاه اینترنتی www.nigc-sbgc.ir و https:\\Setadiran.ir نیز مراجعه نمایند.
م الف ۲۱۳

روابط عمومی شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند ماشین سواری پراید تیپ جی تی ایکس آی به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۵۱-۸۹۴ب۴۹ به شماره موتور ۱۶۱۰۸۳۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۸۹۰۷۰۰ به نام آقای خالدوکیلی تجره گم و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کالای شما را ما معرفی می‌کنیم

سازمان آگهی‌های روزنامه اعتماد

تلفن: ۶۶۱۲۴۰۲۵
۶۶۴۲۹۹۷۳

ویژه

کردستان با وجود منابع ارزشمند محروم از توسعه و پیشرفت

سرپرست امور شعب بانک کشاورزی کردستان گفت: کردستان دارای منابع و ثروت های ارزشمندی بوده و ظرفیت‌های خوبی برای توسعه بخش کشاورزی و توسعه صنایع تبدیلی است اما محروم از توسعه و پیشرفت است.

سرپرست امور شعب بانک کشاورزی کردستان گفت: امسال، سال حساس و ارزشمندی است چون سال تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین نام‌گذاری شده است و باید فعالیت و تلاش همه ما مبتنی به افزایش تولید و ارتقای اشتغال باشد و رسالت ما این است که برای تولید در بخش‌های مختلف و حمایت از آن جدیت و تلاش بیشتری را مدنظر داشته باشیم. جمشید ویسی افزود: هم‌اندیشی و ارایه راهکارها برای رفع موانع تولید و حمایت از بخش کشاورزی و کشاورزان از اساسی‌ترین برنامه‌های بانک کشاورزی برای توسعه در این حوزه است. ویسی اظهار داشت: شاهرگ اقتصادی استان کردستان کشاورزی است و فعالیت‌های بخش صنعت و خدمات نیز وابسته به بخش کشاورزی می‌باشد.

سرپرست امور شعب بانک کشاورزی کردستان گفت: متاسفانه درآمد سرانه کردستانی‌ها از میانگین کشوری هم بسیار پایین‌تر است به‌طوری که درآمد سرانه کردستانی‌ها از نصف میانگین کشوری بسیار پایین‌تر بوده و در رده‌های آخر جدول قرار دارد. وی تصریح کرد: کردستان با محرومیت‌های زیادی در عرصه‌های مختلف مواجه بوده و درآمدهای مردم استان در مقایسه با میانگین کشوری علی‌الخصوص در بخش روستایی عادلانه توزیع نشده اما چون تولید اصلی استان در بخش کشاورزی صورت می‌گیرد می‌توان با حمایت از بخش تولید و کشاورزی در مناطق روستایی در کردستان درآمد سرانه را افزایش داد و شاهد ارتقای اشتغال و بهبود معیشت مردم منطقه شد. ویسی گفت: کردستان دارای منابع و ثروت‌های ارزشمندی مانند معادن مختلف است و دارای منابعی مانند آب، خاک حاصلخیز، پوشش جنگلی، داشتن مرز مشترک با کشور عراق، ظرفیت‌های خوبی برای توسعه بخش کشاورزی و توسعه صنایع تبدیلی است اما محروم از توسعه و پیشرفت است که نیازمند است برای بهره‌گیری از منابع و پتانسیل‌های استان جهت توسعه بخش‌های محتلف به ویژه بخش کشاورزی با همدلی و همبستگی همه مسوولان مرتبط این بخش و کمک گرفتن از نمایندگان تشکل‌های کشاورزی و خود زحمت‌کشان این حوزه برای تولید و توسعه بتوانیم گام‌های ارزشمند و ماندگار و به صرفه‌ای را برداریم. وی با اشاره به اینکه رسالت همه این است که تولید و توسعه را در اولویت کاری خود قرار دهیم و برای حمایت از تولید و ارتقای کشاورزی کردستان زمینه حمایت و تقویت بانک کشاورزی را بیشتر و بهتر فراهم کنیم تصریح کرد: اگر بخواهیم شاهد توسعه و پیشرفت بخش صنعت و کشاورزی باشیم پشتیبانی از بانک کشاورزی این مهم را ایجاد می‌کند و بخش زیادی از موانع مرتفع خواهد شد؛ چرا که برنامه‌ها و تسهیلات این بانک در این راستا هدف‌گذاری و مشخص شده است.

ارسال بیش از ۴ میلیون لیتر نفت سفید به مناطق مختلف استان در دوماهه ابتدای سال جاری

میلاد مرادی مدیر شرکت پخش فرآورده‌های نفتی منطقه کردستان گفت: در دو ماهه ابتدایی سال جاری حدود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار لیتر نفت سفید به نقاط مختلف استان که غالبا روستاها بوده است ارسال شده است که ۲ میلیون لیتر آن برای روستاهای صعب‌العبور بوده است.

جهانبخش نوکانی گفت با تحلیل مصرف انواع سوخت در استان از ابتدای سال جاری تاکنون در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته اظهار داشت: در این مدت در استان ۲۵ درصد افزایش مصرف بنزین، ۳ درصد کاهش مصرف نفت گاز و ۲۳ درصد کاهش مصرف نفت سفید به دلیل توسعه گازکشی در برخی از روستاهای استان اتفاق افتاده است.

وی با اشاره به عملیاتی شدن طرح گازسوز کردن خودروهای عمومی در استان بیان کرد: از ابتدای شروع این طرح تاکنون ۴ هزار و ۲۰۰ وسیله نقلیه عمومی در استان به صورت رایگان گازسوز شده است. نوکانی به بازرسی جایگاه‌های سوخت استان برای جلوگیری از بروز هرگونه تخلف اشاره و خاطرنشان کرد: بازرسی جایگاه‌های سوخت بنزین و نفت گاز شبانه روزی به دو صورت کنترل نحوه عرضه سوخت و بازرسی کیفیت و کمیت سوخت در جایگاه‌ها انجام می‌شود. مدیر شرکت پخش فرآورده‌های نفتی منطقه کردستان یادآور شد: تمامی مواد نفتی اعم از بنزین، نفت گاز و نفت سفید به صورت کامل در انبار نفت استان ذخیره شده است. وی افزود: در حال حاضر ۲۱۱ دستگاه نفتکش عملیات سوخت‌رسانی در کل نقاط استان را برای استفاده ۱۴ هزار خانوار نفت سوز را انجام می‌دهند. مدیر شرکت پخش فرآورده‌های نفتی منطقه کردستان ضمن اشاره به مصرف نفت سفید در دوماهه ابتدای سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته اظهار کرد: در دوماهه ابتدایی سال جاری حدود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار لیتر نفت سفید به نقاط مختلف استان که غالبا روستاها بوده است ارسال شده است که ۲ میلیون لیتر آن برای روستاهای صعب‌العبور بوده است. وی به مصرف گاز سی‌ان‌جی نیز در دوماهه ابتدای سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته اشاره و گفت: مصرف گاز سی‌ان‌جی در استان ۳۴ میلیون متر مکعب بوده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۱ درصد افزایش مصرف داشته است که خود عددی نوید بخش در کاهش مصرف بنزین و صرفه‌جویی در مصرف سوخت است. نوکانی خاطرنشان کرد: در حال حاضر در استان ۵۴ جایگاه سی‌ان‌جی و ۸۶ جایگاه بنزین و گازوییل مشغول به فعالیت هستند. در شهر سنندج نیز به عنوان مرکز استان کمبود ۸ جایگاه عرضه سوخت وجود دارد و همین امر باعث ایجاد صف‌های سوختگیری در سطح شهر شده است.

اشتغال

گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد

نرخ مشارکت اقتصادی در کف ۷ ساله

گروه اقتصادی

گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی که بیانگر تعداد افراد فعال در جامعه (بیکار یا شاغل /افراد جویای کار) است، در سال ۱۴۰۰ به صورت میانگین یک تا ۴ درصد با کاهش مواجه شده که بر همین اساس نرخ مشارکت اقتصادی در ۱۹ استان کاهشی شده است. این گزارش که با سرفصل کاهش نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۰ ارایه شده نشان می‌دهد که در واقع افت نرخ مشارکت اقتصادی در نهایت آمار شاغلان و بیکاران را پایین آورده است؛ اتفاقی که با رکود شدید فعالیت‌های اقتصادی چیز عجیبی نیست.

مطابق تعاریف موجود نرخ مشارکت اقتصادی از تقسیم نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۵ ساله و بیشتر به جمعیت در سن کار، ۱۵ ساله و بیشتر به دست می‌آید. با این تعریف محصلان، خانه‌داران و دارندگان درآمد بدون کار، چنانچه شاغل یا بیکار نیز بوده‌اند، فعال اقتصادی محسوب می‌شوند. ضمن اینکه نرخ مشارکت اقتصادی به متغیرهایی چون جمعیت فعال و جمعیت در سن کار که در دل خود جمعیت غیرفعال را نهفته دارد، وابسته است. به‌طور مثال در استان خراسان شمالی نرخ بیکاری طی یک سال از ۱۰.۸ درصد به ۹.۷ درصد در پایان سال ۱۴۰۰ رسیده است. اما نرخ مشارکت اقتصادی نیز در این استان از ۴۶.۲ درصد به ۴۴.۷ درصد کاهش پیدا کرده است. این اعداد نشان می‌دهد که جمعیت فعال در این استان از چرخه کاریابی خارج شده‌اند و لزوما به معنای آن نیست که بیکاران به جرگه شاغلان پیوسته باشند.

بررسی نرخ مشارکت در سال‌های گذشته نشان می‌دهد این شاخص در بعد فصلی در کمترین سطح خود در هفت سال اخیر قرار گرفته و همچنان شیبی نزولی را در فصل‌های اخیر اتخاذ کرده است. در یک نگاه کلی، نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در کل کشور به ۴۰.۹ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده که ۰.۴ درصد پایین‌تر از سال ۹۹ است. مرکز آمار ایران می‌گوید نرخ مشارکت اقتصادی در مردان تفاوتی نداشته اما در میان زنان، ۰.۶ درصد کمتر از سال ۹۹ بوده است.

برای پی بردن به میزان ناچیز بودن این اعداد فقط کافی است به آمار مشابه در همین کشورهای همسایه ایران نگاهی بیندازید. به‌طور مثال نرخ مشارکت اقتصادی در سال ۲۰۲۰ در قطر ۸۶ درصد بوده. این عدد در جمهوری آذربایجان ۶۳ درصد و ترکیه ۵۰ درصد بوده است. البته در کشورهایی مانند چین با نرخ مشارکت ۶۷ درصد و ویتنام یا آنگولا با ۷۶ و ۷۵ درصد، این ارقام بسیار بالاتر هم هست.

مهاجرت از روستا به شهر؟

بخش دیگری از گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی در روستاها در حال کاهش است. در سال ۹۹ بالغ بر ۶ میلیون و ۴۵۷ هزار و ۷۱۷ نفر در روستاها مشارکت اقتصادی در روستاها داشته‌اند که این رقم در سال گذشته ۱۷۲ هزار و ۵۲۷ نفر کمتر شده است. در روستاها فقط در یک سال به تعداد جمعیت غیرفعال ۱۰۷ هزار و ۷۴۳ نفر اضافه شده است. هرچند این رقم برای شهرها بسیار بیشتر و چیزی حدود ۵۰۰ هزار نفر است. با این آمار طبیعی است که فرض کنیم بخش عمده‌ای از روستاییان به سمت نواحی صنعتی گسیل شده‌اند. چنانکه آمار نشان می‌دهد فقط در یک سال، ۲۰۸ هزار و ۱۰۸ نفر از تعداد روستاییانی که کار کشاورزی می‌کردند؛ کاسته شده است. در واقع اشتغال در بخش کشاورزی در روستاها ۲.۴ درصد در سال گذشته نسبت به سال ۹۹ کمتر شده است.

رکودی که جابه‌جا شد

همان گونه که گفتیم در هفت سال گذشته چنین رکودی در نرخ مشارکت اقتصادی بی‌سابقه بوده است. اما در سال گذشته هر چقدر به پایان سال نزدیک شده‌ایم؛ نرخ مشارکت اقتصادی نیز روند نزولی را در پیش گرفته است. در بهار سال ۱۴۰۰ نرخ مشارکت اقتصادی ۴۱.۴ درصد بوده. در تابستان به ۴۱.۱ درصد رسیده و در پاییز ۴۰.۹ درصد را ثبت کرده و در زمستان به ۴۰.۴ درصد کاهش پیدا کرده است.

مرکز آمار ایران در گزارش خود عنوان کرده که نرخ بیکاری ۵ استان که در سال ۹۹ دو رقمی بوده است، در سال ۱۴۰۰ تک رقمی شده است. به گفته این مرکز، نرخ بیکاری استان کهگیلویه‌وبویراحمد از ۱۰.۹ درصد به ۹.۱ درصد، قم از ۱۰ درصد به ۹.۳ درصد، سیستان‌وبلوچستان از ۱۱.۴ درصد به ۹.۴ درصد، خراسان شمالی از ۱۰.۸ درصد به ۹.۷ درصد و البرز از ۱۱.۵ درصد به ۹.۷ درصد کاهش یافته و تک رقمی شده است. اما برخی کارشناسان معتقدند که روندهای کاهشی در نرخ بیکاری غالبا نه بهبود وضعیت اشتغال‌زایی که نتیجه کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در ایران هستند. ضمن اینکه حتی با وجود کاهش نرخ مشارکت اقتصادی نیز میزان نرخ بیکاری کشور مسیری صعودی داشته و روندی افزایشی را در این مقطع در مقایسه با سال گذشته سپری کرده است. چنانکه ۱۱ استان که پیش از این بیکاری تک‌رقمی داشته‌اند؛ سال گذشته نرخ بیکاری در آنها دورقمی شده است. به‌طور مثال نرخ بیکاری یک استان یعنی اردبیل که تک‌رقمی بود، دو رقمی شده و از ۷.۴ درصد به ۱۰.۳ درصد افزایش یافته است. در بین استان‌های دارای نرخ بیکاری دو رقمی استان هرمزگان با نرخ بیکاری ۱۵.۸ درصد بالاترین نرخ بیکاری استان کشور و استان اردبیل با نرخ ۱۰.۳ درصدی پایین‌ترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند. پس از استان هرمزگان، استان کرمانشاه با نرخ بیکاری ۱۴.۹ درصد، خوزستان با نرخ بیکاری ۱۲.۶ درصد، لرستان ۱۲.۵ درصد، آذربایجان غربی با ۱۲.۴ درصد و چهارمحال‌وبختیاری با نرخ ۱۲.۳ درصد قرار دارند.

البته باید به این موضوع نیز اشاره کنیم که بررسی داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد در ۱۲ استان کشور نرخ مشارکت اقتصادی در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۹۹ افزایش یافته است که شامل استان‌های اردبیل، آذربایجان غربی، بوشهر، تهران، خراسان جنوبی، سیستان‌وبلوچستان، قزوین، کرمان، گیلان، لرستان، مرکزی و یزد می‌شود.

برخی از شاخص‌های عمده بازار کار و تغییرات آن

شاخص‌های نیروی کار		نقاط شهری			نقاط روستایی		
		۱۴۰۰	۱۳۹۹	تغییر	۱۴۰۰	۱۳۹۹	تغییر
نرخ مشارکت اقتصادی	نرخ	۴۰.۳	۴۰.۴	-۰.۱	۴۳.۲	۴۴.۲	-۱
	تعداد	۱۹۵۳۷۱۱۴	۱۹۲۷۹۲۹۲	۲۵۷۸۲۲	۶۲۸۵۲۹۱	۶۴۵۷۸۱۸	-۱۷۲۵۲۷
جمعیت غیرفعال	تعداد	۲۸۹۷۳۸۸۸	۲۸۴۷۶۸۴۸	۴۹۷۰۴۰	۸۲۶۹۵۲۰	۸۱۶۱۷۷۷	۱۰۷۷۴۳
بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر	نرخ	۹.۹	۱۰.۴	-۰.۵	۶.۹	۷.۲	-۰.۳
	تعداد	۱۹۳۹۸۵۹	۲۰۰۹۳۳۷	-۶۹۴۷۸	۴۳۵۰۹۴	۴۶۴۷۲۶	-۲۹۶۳۲
اشتغال ناقص	سهم	۹	۸.۲	۰.۸	۱۳.۶	۱۳.۲	۰.۴
	تعداد	۱۵۸۷۰۲۹	۱۴۱۱۸۶۱	۱۷۱۵۱۶۸	۷۹۲۹۸۴	۷۸۸۵۷۲	۴۴۱۲

دیدگاه

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی:

ارزش پول ملی ۱۷ هزار برابر کاهش یافت

عباس شاکری، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی اظهار داشت: امروز قدرت خرید یک دلار به ۲۵ سنت رسیده است و به همین دلیل این پیشنهاد داده شد که ذخایر نفتی به جای دلار بر پایه یورو به فروش برسد.

شاکری که در نشست «بررسی سیکل معیوب تورم ایران از کجا نشات می‌گیرد؟» سخن می‌گفت با بیان اینکه باید به مسائل دیدوسیع‌تری داشته باشیم، اظهار داشت: معتقدم ریلی که از برنامه اول توسعه کار گذاشتیم، اقتضائاتی دارد که همین سیاست‌ها از دل آن بیرون آمده است. در برنامه اول، رشد نقدینگی را ۷ الی ۸ درصد هدف‌گذاری کردند که این عدد در برنامه دوم به ۱۲.۵ درصد رسید اما دولت دید که قابل کنترل نیست و آن را رها کرد.

وی ادامه داد: همین روند را در دولت سازندگی، اصلاحات، مهر و تدبیر هم می‌بینیم. تمام این دولت‌ها نقدینگی را ۷ برابر کردند و رفتند، استثنایی در بین دولت‌ها هم نبود.

در سال‌های گذشته پول درون‌زا فعال بوده است

این کارشناس اقتصادی افزود: در یکی از تحلیل‌ها، دلایل رشد نقدینگی تا سال ۹۳ را مورد ارزیابی قرار داده‌ام و یکی از دلایل انحراف برنامه‌های توسعه، شوک درمانی و بحث درون‌زایی پول تایید شده است. البته پول به‌طور کامل درون‌زا یا برون‌زا نبوده اما یک وجه قالب را پیدا می‌کند و اینکه در سال‌های گذشته پول درون‌زا فعال بوده است.

شاکری با بیان اینکه نقدینگی از طریق قیمت‌ها روی نرخ ارز تاثیر می‌گذارد، گفت: می‌گویند برای ارتقای صادرات در شرایط تورمی، با ثبات ارز به مشکل برخورد می‌کنیم اما نمی‌گویند با ارتقای فناوری و ثبات نرخ ارز هم، صادرات از این رو به آن رو می‌شود.

نقدینگی بیش از ۱۲ هزار برابر شده است

وی با اشاره به روند تغییر نقدینگی اظهار داشت: در حالی که در دهه‌های اخیر نقدینگی چیزی حدود ۳۵۵ میلیارد تومان بوده امروز نقدینگی به ۴۶۰ هزار هزار میلیارد تومان رسیده است. به عبارت دیگر نقدینگی بیش از ۱۲ هزار برابر شده و در عین حال میزان تولید ناخالص ملی با پایه سال ۱،۴۵،۹۵ برابر افزایش یافته است. اگر این دو شاخص یکدیگر را پوشش دهند می‌توان گفت ۹ هزار برابر نقدینگی آماده برای تورم است، اما شاخص‌های قیمتی ۱۸۰۰ برابر شده‌اند.

این کارشناس اقتصادی درباره تضعیف ارزش دلار امریکا تاکید کرد: امروز قدرت خرید یک دلار به ۲۵ سنت رسیده است و به همین دلیل این پیشنهاد داده شد که ذخایر نفتی به جای دلار بر پایه یورو به فروش برسد. شاکری با اشاره به کاهش ارزش پول ملی کشورمان گفت: تمام این عوامل باعث شده که ارزش پولی ملی در طول این سال‌ها ۱۷ هزار برابر کاهش پیدا کند. وی با بیان اینکه در این موضوعات ما بحث مکاتب را نداریم، ادامه داد: ما درباره هیچ مکاتبی حرف نمی‌زنیم بلکه بحث ما دوره گذار روسیه از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ یا دوره گذار کره جنوبی از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ است. باید مسوولان پاکدست برای دوره گذار جان بدهند نه اینکه محلی برای رانت‌خواری باشد.

این کارشناس اقتصادی گفت: اقتصاد مجموعه نظریاتی است که با تحول شرایط دچار تحول می‌شود، اقتصاد یک کلیشه یا ۵ صفحه یا یک کتاب نیست که با خواندن آنها به اقتصاددان تبدیل شویم. اگر درباره تورم صحبت می‌کنیم همه مردم می‌دانند پس از تحریم‌های ترامپ در سال ۹۶ دچار تورم شدیم. در حال حاضر ۷۰ تا ۸۰ درصد از منابع ارز متعلق به دولت است و تابع عوامل بیرونی هستند از این رو در این بخش شرایط رقابتی وجود ندارد و اساسا ما بازاری نداریم. از همین روی نیروهای بی‌نام، قیمت تعیین می‌کنند و عرضه و تقاضا تسویه و مساوی می‌شوند. وی تاکید کرد: در حال حاضر تمام مشکل بازار این است که پول ملی ۱۷ هزار برابر نسبت به دلار امریکا کاهش پیدا کرده اما میزان افزایش نقدینگی ۸ هزار و ۷۰۰ برابر بوده است.

تغییر نرخ بنزین باعث تورم و جهش ارزی در سال ۹۱ شد

شاکری با اشاره به تغییر یارانه حامل‌های انرژی در سال ۸۶ اظهار داشت: در سال ۸۶ قیمت بنزین فوب خلیج فارس بود و همین تغییر باعث تورم و جهش ارزی در سال ۹۱ شد و همین اتفاق در سال‌های ۹۳ و ۹۶ اتفاق افتاد که همه این موضوعات هزینه‌های بسیاری برای اقتصاد تراشید.

نرخ ارز اولین و مهم‌ترین فاکتور تاثیر گذار در افت ارزش پول ملی هر کشوری است. ارزش پول ملی در سال‌های گذشته به‌شدت تنزل داشته به گونه‌ای که دولت قبل دلار را با نرخ سه هزار و ۱۷۱ تومان تحویل گرفت و در مقطعی دلار به بیش از ۳۱ هزار تومان هم رسید و در نهایت با نرخ ۲۶ هزار و ۵۸۲ تومان تحویل داد. دلار در هشت سال گذشته ۷۳۸ درصد رشد داشت و این رقم در رکورد جدیدی بود و امروز نیز ۳۱ هزار تومان را مجدد رد کرده است. قیمت یورو در روز دوشنبه نیز به ۳۳ هزار و ۵۰۰ تومان رسید و به نظر می‌رسد از زمان توقف مذاکرات برای احیای توافق هسته‌ای نرخ دلار روندی صعودی به خود گرفته است.

اقتصاد ایران ساختارهای تورمی دارد

شاکری گفت: کاهش قیمت و ثبات بازار ارز ناشی از اجرای سیاست‌های مختلفی از جمله پوشش نیاز واقعی افراد در بازارهای رسمی، راه‌اندازی سامانه برخط بازار متشکل ارزی، تامین نیاز ارزی صادرکنندگان و واردکنندگان در سامانه نیما و مواردی از این دست است بیش از ۵۰ سال است که اقتصاد ایران ساختارهای تورمی دارد و اولین مساله در حفظ و تقویت ارزش پول ملی مهار تورم است که نیازمند اصلاح ساختاری در حوزه‌های بانکی، بودجه‌ای و تجاری است و ضرورت دارد تا دولت برای حفظ و تقویت ارزش پول ملی برنامه مشخص و مبتنی بر علم اقتصاد ارایه دهد و مسائل را اولویت‌بندی کند، البته در تیم اقتصادی دولت نیز باید هماهنگی‌های لازم انجام شود. با کاهش ارزش واقعی پول داخلی و افزایش نرخ واقعی ارز، در صورتی که امکان توسعه صادرات وجود نداشته باشد، واردات نیز با افزایش قیمت همراه خواهد بود و همین عامل منجر به افزایش سقف قیمت‌ها و در نتیجه تورم در کشور می‌شود.

ادامه از صفحه اول

رسانه‌های نوین و بازتولید اعتماد در مخاطبان

این مهم نیز بستر اعتمادسازی را بیشتر برای رسانه‌های نوین باز کرد و عرصه دروازه‌بانی را به صورت عام روی همه گشود و امکان تصحیح و تکذیب خبر در کوتاه‌زمان فراهم آمد.

رسانه‌های نوین در مقوله مالکیت به‌رغم شروع اولیه که با ابتکار و سرمایه دانشی و فنی وارد عرصه اطلاع‌رسانی شده بودند، اما ارتقای سرمایه و میل دوباره سیاستمداران و صاحبان سرمایه را به خود به عنوان فرصتی جدید برای ورود به عرصه بازار رسانه فراهم دیدند.

علاقه ایلان ماسک صاحب صنایع تسلا و از ثروتمندترین افراد جهان برای خرید توییتر نمونه‌ای بارز از آن است یا تمایل دولت‌ها برای محدودسازی دسترسی به این رسانه‌ها با اتخاذ سیاست‌های خاص بخشی دیگر از رویکرد است. اما نکته‌ای که قابل تامل است، این است که اگر این رسانه‌ها بخواهند همچنان اثرگذار و سودآور باشند نیازمند تداوم راه پیشین خود هستند و گرنه مخاطبان را به سرعت از دست می‌دهند. لذا استراتژی احترام و بازیگری مخاطب دستور اصلی و اولیه بقای این نوع رسانه‌هاست، لذا هر خریداری و هر علاقه‌مندی به تاثیرگذاری بر این رسانه باید بداند رمز بقای رسانه‌های نوین اعتماد میان مخاطب و رسانه است بنابراین هر گونه تخطی از این حوزه به معنای افول آن رسانه است!

این دستور کار برای رسانه‌های نوین استراتژی است نه تاکتیکی، لذا پایبندی به آن عینیت آزادی بیان و واقع‌نگری در عصر جدید انقلاب ارتباطی است. لذا به نظر می‌رسد تحولی ویژه در ساختار و عمل رسانه‌ای به‌وقوع پیوسته که شاید کمتر بشود با نظریات پیشین ارتباطی آنها را معنا کرد. توده بی‌شکل مخاطب در نظام ارتباطی جریان اصلی اکنون به جامعه و گروه‌های کوچک سازمان یافته، چالاک و فعال مبدل شده‌اند و به قول کاستلز در محتوای خود-تولید و در پخش نیز خودگردان شده‌اند و دریافت هم توسط مخاطب انتخابگر صورت می‌گیرد. (عقیلی و قاسم‌زاده‌عراقی؛ ۱۳۹۴: ۲۲)(۲)

با این رویکرد با توجه به تحول در عرصه مخاطب تصویر رسانه‌های نوین در اعتمادزایی با شاخص‌های جریان اصلی شاید دارای اشتراکاتی باشد، اما دارای تفاوت‌های آشکاری است که این مهم در تغییر اندیشه مخاطب، ابزارهای مورد استفاده او و تحمیل اندیشه‌اش به جریان رسانه‌ای است. مخاطب فعال و انتخابگر و خود تولیدگر نظام ارزشی جدیدی را برای استفاده از رسانه تعریف کرده که شاید کم‌اقبالی نسبت به رسانه‌های جریان اصلی ناشی از همین رویکرد باشد. از این رو به نظر می‌رسد عصری که در آن زندگی می‌کنیم، کارکرد ارتباطات توسعه را که با ظرفیت‌های رسانه‌های سنتی آغاز کرده بود، دهه هفتاد میلادی نقطه اوج آن بود، اکنون با چالش‌های جدید روبه‌رو شده که ارتباطات توسعه را خود بنیاد نهاده و مفاهیمی که از طریق رادیو و تلویزیون قرار بر نشر و آموزش داشت اکنون در بستر شبکه‌های اجتماعی دست به دست شده و خیلی زودتر درونی می‌شود و قابل استفاده؛ اگر آنها وارداتی بود اکنون تولیدات درونی است و درون‌زا و قادر است بستر آموزش را نه تنها فراگیر بلکه اثرگذار کند.

بر اساس یک گزارش از چهار میلیارد و ۶۶۰ میلیون نفری که در جهان به اینترنت دسترسی دارند، چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، یعنی به عبارتی بیش از نیمی از جمعیت هفت میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفره جهان. تعداد کاربران این پلتفرم‌ها از ابتدای سال ۲۰۲۰ تاکنون ۲۹۰ میلیون افزایش داشته که نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی همچنان با سرعت در حال گسترش هستند.(۳)

از این رو به نظر می‌رسد تحولی شگرف در دنیای کنونی رخ داده که ابعاد آن شاید هنوز شناخته نشده، اما آنچه مهم است، این است که رسانه‌های نوین بستری متفاوت برای تحولات ارتباطی فراهم کرده‌اند که ستون اصلی آن اعتماد مخاطب است و تا زمانی که آن را در اختیار دارند قادر به اثرگذاری هستند.

1- https://elmnet.ir/Content/User-Profile/Document/10041737-05db3f74-be33-4b4c-9a7d-15bb4786a13c.pdf
۲- عقیلی، سیدوحید، مرتضی قاسم‌زاده‌عراقی (۱۳۹۴). «رسانه‌های اجتماعی؛ چیستی، کارکردها و چالش‌ها» فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعات ایرانی، شماره ۱: ۳۶-۲۱.
3- https://www.irna.ir/news/

پیشخوان
Pishkhan.com

فاجعه متروپل فساد و زمینه‌های آن

زیرا محدود کردن برخوردها به شخص فاسد نوعی پاک کردن صورت مساله است. اما حقیقت این است که با برخوردهای پلیسی، وضع قوانین سفت و سخت و مجازات‌های سنگین نمی‌توان آنگونه که باید با فساد مقابله کرد! چاره مقابله با فساد را باید در باز شدن فضای رسانه‌ها، تکثر رسانه‌ای و تضمین آزادی بیان و آزادی پس از بیان، فعالیت مستقل، آزادانه و بدون محدودیت غیرضروری تشکل‌های مدنی، صنفی و مانند آن جست تا مردم بتوانند بدون واهمه و بیش و پیش از نیروهای دولتی که در مواردی ممکن است با متخلفان دارای منافع مشترک باشند، پرچمدار روشنگری و مقابله با فساد باشند. مطبوعات و رسانه‌های آزاد به‌رغم فشار سنگین اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی با اندک رمقی که برای فعالیت دارند و نهادهای تخصصی و تشکلات صنفی و مدنی نظیر سازمان نظام مهندسی، انجمن صنفی مطبوعات و کانون وکلا برای حفاظت از حقوق مردم با تمام بی‌مهری‌ها می‌توانند گام‌های موثری در این زمینه بردارند و از تکرار چنین حوادثی در آینده جلوگیری کنند.

گزارش

مجمع ایستادگی نکرد

حواله فوتبال به سه ماه بعد!

گروه ورزش

مجمع عمومی فدراسیون فوتبال روز گذشته برگزار شد و هیچ یک از انتظارات جامعه فوتبال را برآورده نکرد. در واقع تنها امید باقی‌مانده علاقه‌مندان به تیم ملی برای بازگشت عقلانیت به اداره فوتبال در فاصله ۵ ماه تا شروع جام جهانی نقش بر آب شد و دوباره همه حواله داده شدند به سه ماه آینده که قرار است انتخابات فدراسیون برگزار شود.

مجمع روز گذشته باید تکلیف چندمساله مهم را روشن می‌کرد که هیچ کدامش انجام نشد. اول از همه باید پروسه عزل شهاب‌الدین عزیزی خادم رییس سابق فدراسیون فوتبال بررسی می‌شد که این کار صورت نگرفت. مجمع اعتراضی به ورود کمیته‌های اخلاق و استیناف به حذف فردی که رای مجمع را داشت انجام نداد و با یک رای‌گیری ساده و بدون استماع گزارش بررسی عزل عزیزی خادم از دستور مجمع خارج شد. کامرانی‌فر پیش از رای‌گیری گفت: «در این شرایط بحث اینکه بخواهیم دفاع کنیم و فرصتی بدهیم امکان‌پذیر نیست. حتی اگر بهترین دفاع را هم داشته باشید، دیگر امکان بازگشت به سمت نیست. بعد از اتمام محرومیت، امکان بازگشت به سمت نیست. همین اساسنامه، تکلیفی را به عنوان دبیر کل بر دوش ما گذاشته است. اگر فردی محروم شود، نمی‌تواند هیچ فعالیتی در فوتبال داشته باشد و ما ایشان (عزیزی خادم) را به عنوان عضوی از فدراسیون نخواهیم داشت. شاید این مساله علی‌رغم میل باطنی ما باشد اما مجبوریم. تخلفات ایشان را رد یا تایید نمی‌کنم چون در آن جایگاه نیستم. فوتبال برای همه شماست. شما باید برای فوتبال تصمیم بگیرید. امروز نظر حسن کامرانی‌فر مهم نیست. طبق موضوعی که فیفا اعلام کرد، امروز نمی‌توانیم فرصتی به ایشان (عزیزی خادم) بدهیم و هر کجا که هستند برای ایشان آرزوی سلامتی داریم.»

با حذف قطعی عزیزی خادم که حتی فرصت دفاع پیدا نکرد بحث انتخابات مجدد ریاست فدراسیون فوتبال مطرح شد. از آنجایی که در ادامه مجمع قرار بود در مورد ماندن یا رفتن ۴ عضو هیات رییسه رای‌گیری شود و ممکن بود هیات رییسه از حد نصاب بیفتد همان ابتدا تکلیف تعیین تاریخ برگزاری انتخابات ریاست فدراسیون مشخص شد و اعضای مجمع به تاریخ ۸ شهریور رای دادند. این در حالی است که جام جهانی از ۳۰ آبان آغاز می‌شود و فوتبال ایران در فاصله کمتر از ۹۰ روز تا سوت آغاز جام جهانی تازه می‌خواهد انتخابات جدید برگزار کند و رییس تازه را بفرستد داخل ساختمان فدراسیون.

بعد از آن نوبت به بررسی صورت‌های مالی فدراسیون و سازمان لیگ شد که آن هم بدون نتیجه به پایان رسید و به مجمع بعد موکول شد! هیات رییسه به سادگی زیر بار امضای صورت‌های مالی سال‌های قبل نرفت و دبیر کل فدراسیون هم صد بار تاکید کرد وقت نداریم و باید کار را جلو ببریم و در نهایت همه پذیرفتند صورت‌های مالی هم سه ماه بعد مورد بررسی قرار بگیرد. به این ترتیب بحث تخصیص بودجه هم دچار مشکل شد که باز هم مجمع بدون بررسی و به سادگی اختیارات بودجه را تا مجمع بعدی به هیات رییسه تفویض کرد.

در ادامه نوبت به عزل یا ابقای ۴ عضو هیات رییسه رسید. چیزی که اهالی فوتبال بیش از هر چیزی منتظر آن بودند تا ببینند مجمع به عنوان نگهبان فوتبال چطور با کسانی که در چند ماه گذشته فوتبال را به بیراهه کشانده‌اند برخورد خواهد کرد. با این حال نتیجه ناامیدکننده‌تر از آن چیزی شد که انتظار می‌رفت. احسان اصولی متهم ردیف اول اتفاقات مشهد و سقوط پدیده به لیگ دسته یک، کسی که برای توجیه حمله به زنان تماشاچی با اسپری فلفل دست به دامان اتفاقات لیگ قهرمانان اروپا شد، با تنها ۳۱ رای از مجموع ۸۲ رای ماخوذه در سمت خود ابقا شد! ابقای این عضو هیات رییسه در شرایطی صورت گرفت که او ۴۸ رای مخالف داشت اما با توجه به قانون دوسوم توانست مجوز ادامه فعالیت در فدراسیون را به دست آورد تا شاهکارهای جدیدی در عرصه مدیریت فوتبال به نمایش بگذارد. اینکه یک فرد بیش از ۵۰ درصد مخالف در مجمع داشته باشد اما همچنان در سمت خود بماند هم از نکات جالب توجهی است که در اساسنامه فدراسیون فوتبال آمده!

مهرداد سراجی، دوست صمیمی عزیزی خادم که برای برکناری رفیق صمیمی‌اش با تیم رقیب پیمان بست تنها بازنده قطعی و اصلی اتفاقات چهار ماه اخیر لقب گرفت. او در رای‌گیری مجمع با ۵۴ رای مخالف از سمت خود عزل شد. این در حالی بود که سراجی تا آخرین لحظه برای ماندن تلاش کرد. او با استناد به یک رای مخدوش ادعا داشت حد نصاب دو سوم مخالف در مورد او محرز نشده تا اینکه نمایندگان فیفا و ای‌اف‌سی عزل او را تایید کردند. با عزل سراجی هیات رییسه فدراسیون فوتبال هم از رسمیت افتاد اما کامرانی‌فر دبیر کل فدراسیون گفت قانون اجازه می‌دهد برای فرد عزل شده یک سرپرست در نظر بگیریم.

طهمورث حیدری و احمدرضا براتی دو عضو دیگر هیات رییسه بودند که موفق شدند اعتماد دوباره مجمع را به دست بیاورند. همچنین مجمع به ادامه کار ارکان قضایی فدراسیون فوتبال و سرپرستی میرشاد ماجدی نیز رای مثبت داد تا به این ترتیب هیچ اتفاق خاصی در فدراسیون فوتبال رخ نداده باشد جز رفتن مهرداد سراجی!

۵ ساعت و سی دقیقه مجمع عمومی فدراسیون فوتبال بدون هیچ دستاورد خاصی به پایان رسید. همه‌چیز کدخدامنشانه حل یا به مجمع بعدی موکول شد. هیچ کس مورد بازخواست قرار نگرفت. معلوم نیست اگر آن همه تخلفی که اعضای هیات رییسه به آن اشاره داشتند صورت گرفته بود چرا در مجمع مورد بررسی قرار نگرفت و اگر آن قدر مهم نبود که می‌شد به راحتی به مجمع بعد منتقل شود چرا بر مبنای همان‌ها فوتبال را وارد حاشیه کردند؟

همانطور که روز قبل از مجمع پیش‌بینی کرده بودیم همه لابی‌های لازم انجام شده بود و فوتبال سودی از این وضعیت نبرد. البته این هم از معایب مجمع ۸۲ نفری است. مجمعی که به راحتی توسط چند نفر و با فشار نهادهای بیرون سازماندهی می‌شود و تصمیمات از پیش تعیین شده را صرفا اجرایی می‌کند.

نقل و انتقالات

بررسی شایعه جدایی هافبک پرسپولیس

سرلک پیشنهاد اروپایی ندارد

در حالی که قرار بود میلاد سرلک هافبک پرسپولیس برای مذاکره به باشگاه برود این اتفاق نیفتاد تا شایعات در مورد جدایی او قوت بگیرد. رضا درویش مدیرعامل پرسپولیس در مورد نیامدن سرلک برای مذاکره گفت: «بنا بود بیایند اما نیامدند. اگر نخواهند بیایند به دنبال گزینه جایگزین می‌گردیم.»

این اتفاق در حالی رخ داد که هفته پیش برخی خبرگزاری‌ها نوشتند سرلک پیشنهاد خارجی دارد. قبل از این هم در مقاطعی رسانه‌ها روی پیشنهادهای خارجی هافبک پرسپولیس مانور می‌دادند. با این حال طبق اطلاعاتی که خبرنگار روزنامه اعتماد از نزدیکان میلاد سرلک به دست آورده این بازیکن دست کم از هیچ باشگاه اروپایی پیشنهاد ندارد و اگر هم پیشنهادی روی میز باشد مربوط به تیم‌های عربی حاشیه خلیج فارس می‌شود. سرلک در آخرین لیست دعوت دراگان اسکوچیچ به اردوی تیم ملی فراخوانده شده. با توجه به علاقه مربی کروات به سبک بازی سرلک به نظر می‌رسد او می‌تواند یکی از مسافرین جام جهانی قطر باشد البته به این شرط که با یک انتخاب اشتباه در آستانه جام جهانی همه داشته‌هایش را پنبه نکند. با توجه به قطعی بودن عدم وجود پیشنهاد اروپایی سرلک در صورت جدایی از پرسپولیس باید راهی یکی از تیم‌های عربی شود و این ریسک بسیار بزرگی است که جام جهانی به حساب می‌آید. همین حالا برخی از هافبک‌هایی که در دو سال گذشته راهی لیگ‌های امارات و قطر شدند می‌خواهند در فصل جدید به لیگ ایران برگردند تا بیشتر فرصت بازی پیدا کنند. این احتمال هم وجود دارد که سرلک برای بازار گرمی دست به چنین کاری زده است. رفتاری که این روزها بسیاری از بازیکنان انجام می‌دهند تا در قرارداد به اعداد بالاتری دست پیدا کنند. این در حالی است که هفته پیش از سوی باشگاه پرسپولیس اعلام شد سرلک از لحاظ مالی با باشگاه به توافق رسیده و فقط منتظر انتهای فصل است تا اگر پیشنهاد خارجی خوبی نداشت برای امضای قرارداد اقدام کند.

پیشخوان Pishkhanehbon

ویژه

در مراسمی از اساسنامه صندوق حمایت از توسعه زراعت در دیمزارها رونمایی شد

اعتبار ۲۰۰۰ میلیارد تومانی صندوق برای جهش تولید در ۱۰ میلیون هکتار دیمزار

صبح دیروز در شصت‌ودومین جلسه «ستاد ملی طرح جهش تولید در دیمزارها» که با حضور سرپرست ستاد اجرایی فرمان امام، وزیر جهاد کشاورزی و معاونان و مدیران ارشد هر دو مجموعه در محل ساختمان وزارت جهادکشاورزی برگزار شد، اساسنامه صندوق حمایت از توسعه زراعت در دیمزارها رونمایی و این صندوق به‌طور عملیاتی آغاز به کار کرد.

سرپرست ستاد اجرایی فرمان امام در این مراسم با بیان اینکه باید با تولید محصولات استراتژیک به ایجاد امنیت غذایی در کشور کمک کنیم، گفت: ستاد اجرایی فرمان امام در راستای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، توانمندسازی اقتصادی مناطق روستایی و دورافتاده کشور و کمک به حفظ استقلال اقتصادی، طرح ملی جهش تولید در دیمزارها را با مشارکت وزارت جهادکشاورزی از سال پیش آغاز کرد؛ سال گذشته این طرح به صورت آزمایشی اجرا شد و سال دوم طرح با تایید مقام معظم رهبری آغاز شده است.

عارف نوروزی افزود: ستاد اجرایی و وزارت کشاورزی ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار هکتار را هدف قرار داده بودند که تاکنون ۲.۵ میلیون هکتار از آن محقق شده و ۱۰۰ هکتار نیز در دوماه آینده زیر کشت قرار می‌گیرد، با توافقی که با وزارت جهاد کشاورزی داشته‌ایم، این رقم را تا پایان سال به ۵ میلیون هکتار افزایش خواهیم دید.

وی افزود: ستاد اجرایی فرمان امام سال گذشته ۱۳۰ میلیارد تومان، امسال ۳۶۰ و سال آینده ۵۶۰ میلیارد تومان کمک بلاعوض به این طرح اختصاص داده و می‌دهد.

سرپرست ستاد اجرایی امام فرمان داد: هدف‌گذاری ۵ساله ستاد رسیدن به ۱۰ میلیون هکتار دیمزار و ۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی برای کشور است.

نوروزی با اشاره به آغاز به کار عملیاتی صندوق حمایت از توسعه محصولات زراعی در دیمزارها اعلام کرد: اعتبار اولیه این صندوق ۱۰۰ میلیارد تومان و سقف اعتبار آن ۲هزار میلیارد تومان خواهد بود.

وی ادامه داد: حمایت‌ها و کمک‌های بلاعوض ستاد و همکاری با وزارت جهاد کشاورزی ادامه خواهد داشت و با اجرای این طرح بزرگ می‌توان معبری برای کشور ایجاد و به همه یادآوری کرد که ظرفیت‌های بسیاری در کشور وجود دارد و می‌توانیم در مسیر خودکفایی و استقلال اقتصادی حرکت کنیم.

وزیر جهاد کشاورزی نیز در این مراسم با اشاره به طرح جهش تولید در دیمزارهای کشور اظهار کرد: این طرح مشارکتی با حمایت ستاد اجرایی فرمان امام ابتدا در ۵ استان آغاز و امسال در ۱۵ استان و در سطح کشت ۲.۶ میلیون هکتار گسترش یافته است.

سیدجواد ساداتی‌نژاد افزود: دیمزارها ارزش ویژه‌ای دارند و از آب سبز استفاده می‌کنند و اقشار مشغول در این دیمزارها نجیب و زحمتکش هستند و با این طرح به این اقشار کمک شایانی می‌شود؛ این طرح همچنین در راستای تولید ملی می‌تواند اثرگذاری فوق‌العاده داشته باشد، از آنجا که در حال حاضر جهان دچار چالش امنیت غذایی شده، نگاه و حمایت ستاد اجرایی فرمان امام به عنوان مرکز پیشران در این حوزه، جای تقدیر دارد.

وزیر کشاورزی ادامه داد: با توافقی که امروز فی‌مابین ستاد اجرایی و وزارت جهاد کشاورزی انجام شد، سطح کشت دیمزارها تا پایان سال به ۵،۲ میلیون هکتار در تمام استان‌های کشور خواهد رسید. این طرح، بزرگ‌ترین طرح ملی کشور در مشارکت با مردم است. در این طرح ارایه تسهیلات ارزان‌قیمت و توسعه سطح بیمه‌ای و تقویت معیشت کشاورزان صورت می‌گیرد و خروجی آن افزایش تولید ملی کشور برای تامین امنیت غذایی است.

به گفته وی، دیروز همچنین توافق شد که در راستای توسعه فناوری‌ها در حوزه کشاورزی، از فعالیت‌های دانش‌بنیان نیز در اجرای این طرح استفاده شود و پژوهش درباره بذرهای مناسب دیمزارها در دستور کار قرار بگیرد.

ساداتی‌نژاد تاکید کرد: طرح‌های مبتکرانه و روند مدیریت جهادی در ستاد اجرایی فرمان امام، قابل تقدیر و راهگشاست، طرح جهش تولید در دیمزارهای کشور مورد تایید و تاکید رهبر معظم انقلاب است که نشان می‌دهد این طرح به لحاظ استراتژیک و ایجاد امنیت در زنجیره غذایی، بااهمیت و مهم است.

گفتنی است در راستای جهش تولید در دیمزارهای کشور و احیای خاک حاصلخیز برای کشاورزی با آب سبز و رسیدن به خودکفایی و امنیت غذایی پایدار در کشور، طرح جهش تولید در دیمزارهای کشور با ابتکار ستاد اجرایی فرمان امام تدوین و به تایید مقام معظم رهبری رسید و پس از آن تفاهم‌نامه همکاری در زمینه طرح مذکور مابین وزارت جهاد کشاورزی و ستاد اجرایی فرمان امام در سال ۹۹ منعقد و مراحل اجرایی آن در سال ۱۴۰۰ آغاز شد. تاکنون ۶۱ جلسه مشترک بین ستاد اجرایی و وزارت جهادکشاورزی با عنوان «ستاد ملی طرح جهش تولید در دیمزارها» برگزار شده و آخرین دستاوردها و پیشرفت‌ها و موانع در آن مورد بررسی قرار گرفته است.

دیدگاه

جامی که بالاخره بالای سر رفت

عبور فرهاد و آبی‌ها از دروازه جاودانگی

سامان سعادت

فعلا همه داغ هستند و دقیقا نمی‌دانند چه اتفاقی رخ داده. آیندگان حتما این قهرمانی استقلال را به شکل دراماتیک‌تری به یاد خواهند آورد و قصه‌های زیباتری برایش خواهند ساخت.

قهرمانی بدون حتی یک باخت چیزی نیست که هر روز اتفاق بیفتد. یک بار در تاریخ لیگ برتر انگلیس آرسنال موفق شد دست به چنین کاری بزند و هنوز هم جزو افسانه‌های فوتبال است و توپچی‌ها به آن می‌بالند. به اینکه توانستند جام طلایی را به خانه ببرند. پرسپولیس هم در سال‌های خیلی دور یک بار چنین آماری از خود به جا گذاشته بود. اما در لیگ برتر ایران چنین چیزی سابقه نداشت تا اینکه یک نفر از راه رسید و گفت «من به اینها نمی‌بازم» و واقعا هم نباخت. آبی‌ها بعد از ۳۰ هفته طاقت‌فرسا با ثبت ۱۹ برد و ۱۱ تساوی و کسب ۶۸ امتیاز جام قهرمانی را بالای سر بردند. این کار را وریا غفوری کاپیتان محبوب آبی‌ها در ورزشگاه آزادی انجام داد. رکوردشکنی استقلال از لحاظ کسب امتیاز و نشاندن عدد صفر جلوی نامش در جدول رده‌بندی و زیر ستون شکست یک روز به یادماندنی و تاریخی را برای صدهزار تماشاچی مرد حاضر در ورزشگاه رقم زد. این را حتی خوش‌بین‌ترین هوادار استقلال هم در ابتدای فصل نمی‌توانست پیش‌بینی کند. نباختن در طول یک فصل کار بی‌نهایت سختی است. حتی اگر تیمی از ابتدای فصل قرار بگذارد با تدافعی‌ترین سیستم‌های ممکن وارد زمین شود تا فقط گل نخورد و با ۳۰ تساوی از زمین بازی خارج شود باز امکان‌پذیر نیست. چه برسد به تیمی که می‌خواهد حمله کند و برنده شود. همین کار استقلال فرهاد مجیدی را ارزشمندتر می‌کند. اینکه تیمش ۳۰ بازی پیاپی وارد زمین مسابقه شد و حریف را دست خالی بدرقه کرد.

اینکه در ۳۰ بازی پشت سر هم بازیکنان برای تک تک امتیازات جنگیدند. اینکه فرهاد مجیدی و تیمش چطور به چنین آماری دست پیدا کردند از حوصله این متن خارج است. مسائل فنی زیادی وجود دارد که باید بررسی شوند. همین‌طور تاثیر تفکر جدیدی که توسط سرمربی به تیم تزریق شد. هرچه هست آن‌قدر این اتفاق باورنکردنی و فوق‌العاده است که رقبا را متوسل به خرافات کرده و می‌گویند استقلال جادوگر دارد. و البته همین جاست که هواداران این تیم با اشاره انگشت فرهاد مجیدی و شاگردانش را نشان می‌دهند و می‌گویند اینها جادوگران ما هستند. سید حسین حسینی که در ۳۰ بازی فقط ۱۰ گل دریافت کرد. امیرحسین حسین‌زاده جوان که بهترین گلزن استقلال بدون در نظر گرفتن ضربات پنالتی شد. خط دفاعی آهنینی که اجازه عبور نمی‌داد و در نهایت فرمانده‌ای که همه سربازان را برای موفقیت به خط کرد و در نهایت دستان‌شان را به جام رساند؛ آن‌هم پس از ۹ سال انتظار.

میلان کوندرا در رمان «جاودانگی» درباره آدم‌هایی که نام‌شان در تاریخ به ثبت رسیده حرف می‌زند. می‌نویسد آدم‌ها گاهی با ویژگی‌های مثبت جاودانه می‌شوند مثل موتزارت و گاهی با اتفاق‌های ناخوشایند. حالا فرهاد مجیدی و تیمش با مثبت‌ترین ویژگی ممکن و با افتخار تمام از دروازه جاودانگی عبور کردند و نام‌شان را در تاریخ به ثبت رساندند.

نقد

ستاره‌های استقلال، قربانی بی‌برنامگی

در حق صالح و دوستانش جفا شد

آیدا توکلی

شروع اولین اردوی تیم ملی فوتبال ایران برای حضور در جام جهانی با حاشیه‌های حداکثری همراه شد که نشان‌دهنده ضعف مدیریتی در فدراسیون فوتبال و سازمان تیم‌های ملی است. روز دوشنبه ساعت ۵ بعدازظهر قرار بود بازیکنان دعوت شده خودشان را به سرمربی تیم ملی معرفی کنند، اما چند بازیکن این کار را انجام ندادند. از جمله ۵ بازیکن استقلال که ساعت ۱۹ باید در ورزشگاه آزادی مقابل نفت مسجدسلیمان به میدان می‌رفتند. به همین دلیل صبح دیروز از سوی دراگان اسکوچیچ سرمربی تیم ملی اعلام شد این ۵ بازیکن از اردوی تیم ملی خط خورده‌اند و ۵ بازیکن دیگر جایگزین آنها شده‌اند. صالح حردانی که با وسایل عازم اردو شده بود، مجبور شد بازگردد. علاوه بر ۵ آبی‌پوش حسین کنعانی‌زادگان که با محرومیت دو جلسه‌ای کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال مواجه شده مجبور به ترک اردوی تیم ملی شد. خط خوردن ۵ بازیکن استقلال آن هم درست یک روز بعد از برگزاری جشن قهرمانی آبی‌پوشان حاشیه‌های اطراف تیم ملی را به شدت بالا برد. مدیران تیم ملی می‌گویند بازیکنان استقلال باید ساعت ۱۷ روز دوشنبه خودشان را به اسکوچیچ معرفی می‌کردند و بعد با اجازه او به اردوی استقلال می‌رفتند، اما این کار را انجام ندادند و مستقیما راهی اردوی تیم باشگاهی‌شان شدند. آنچه واضح به نظر می‌رسد قربانی شدن ۵ بازیکن استقلال و تزریق یک حاشیه بی‌دلیل به تیم ملی به واسطه خودخواهی برخی افراد و ناکارآمدی برخی مدیران است. از یک سمت سازمان لیگ باید بابت برنامه‌ریزی‌اش پاسخگو باشد که چرا توی فیفادی برای تیمی که بیش از ۳ ملی‌پوش داشته بازی گذاشته است. از یک سمت مدیران باشگاه استقلال باید پاسخگو باشند که چرا نتوانستند یک هماهنگی ساده برای معرفی کردن بازیکنان به اسکوچیچ و بازگشت‌شان به اردوی باشگاه را در نظر بگیرند. اصرار مدیران استقلال به برگزاری جشن قهرمانی به دلیل دعوت از چند بازیگر و پیشکسوت در روز دوشنبه نیز باید

مورد بررسی قرار بگیرد. مدیر تیم ملی فوتبال یعنی حمید استیلی نیز باید پاسخگو باشد که چرا نتوانسته میانجیگری درستی میان سرمربی تیم ملی و باشگاه استقلال داشته باشد تا تنشی به وجود نیاید. مدیر رسانه‌ای تیم ملی هم باید جواب بدهد که چرا در اوج عصبانیت هواداران استقلال جوری رفتار می‌کند که انگار تیم ملی نیازی به ستاره‌های تیم قهرمان لیگ ندارد. همه این اتفاقات در شرایطی رخ داد که در مجمع عمومی فدراسیون فوتبال مدیران این نهاد در حال زدن توی سر و کله یکدیگر بودند و برای نگهداشتن صندلی‌شان زمین و زمان را به هم می‌دوختند. همین دیروز یکی از اعضای هیات رییسه که رفتارش در بیش از یک سال گذشته انتقادات زیادی را برانگیخته اظهار داشت چرا در مورد وضعیت فوتبال سیاه‌نمایی می‌شود. او درست لحظاتی این جملات را بر زبان آورد که ثابت شد مدیران فدراسیون و آنهایی که در راس مدیریت تیم ملی قرار گرفته‌اند از هماهنگی‌های ساده برگزاری یک اردو عاجز هستند. بازیکنان استقلال روز گذشته به اردوی تیم ملی رفتند اما با ممانعت کادر فنی مواجه و مجبور به ترک اردو شدند. بازیکنانی که نه سر پیاز هستند و نه ته پیاز و فقط به دلیل ناتوانی عده‌ای در هماهنگی درست مستوجب مجازات شده‌اند. بدترین بخش ماجرا اینجاست که محمد جماعت، مدیر رسانه‌ای تیم ملی می‌گوید: باشگاه استقلال عهدشکنی کرد و به برنامه‌ای که با سرمربی تیم ملی هماهنگ شده بود احترام نگذاشت، اما حمید استیلی در مصاحبه دیگری عنوان کرد اصلا قول و قراری وجود نداشته است!

دیدگاه

هزار هزار افسوس

امیرحسین خداپرست

نخستین‌بار مصطفی ملکیان را در خردادماه ۱۳۷۸ در سمیناری در دانشکده فنی دانشگاه تهران به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر شریعتی دیدم. در آن زمان من دانش‌آموزی دبیرستانی بودم که همچون بسیاری از نوجوانانِ آن روزهای پرامید، مشتاق سردرآوردن از مسائلِ فکری و سیاسی مطرح در جامعه ایران، نشریات را ورق می‌زدم و به این جلسه و آن جلسه می‌رفتم. سخنرانی آن روزِ ملکیان را خوب به یاد دارم. درباره این مدعای شایع سخن می‌گفت که شریعتی دین را ایدئولوژیک کرده است و به تفصیل، هفت دلیل آورد بر اینکه دین امری ایدئولوژیک هست و کسی، از جمله شریعتی، نمی‌تواند آن را ایدئولوژیک بکند. جذابیت بیان و گیرایی استدلال‌هایش چنان بود که من نوجوان را به پیگیری دقیق بحثش برمی‌انگیخت، به گونه‌ای که پله‌پله با او همراه شوم تا ببینم دلایل ما را با خود به کجا خواهند برد. آنچه می‌گفت آسان و زودیاب نبود؛ از کتاب‌ها و متفکران و مکاتب هم نام می‌برد ولی ساده و در عین حال، بسیار دقیق سخنش را پیش می‌برد؛ گویی آموزگاری است در کلاس درسی که دانش‌آموزانش نه در سن و سال و نه در دانش پیشین درباره موضوع متجانس نیستند ولی او می‌داند چگونه از مقدماتی ساده آغاز کند و نتایج مهمش را بر آنها بنا نهد تا همه مخاطبان به قدر طاقت فهم خود آن را دریابند. بحثش را ارایه کرد و در پایان تذکری داد. گفت دلزده است از اینکه در جامعه ما بیش از اینکه به صدق و کذب سخن بپردازند، مشغول انتساب آن به صفاتی مانند ایدئولوژیک و مانند آن می‌شوند. از آن زمان تاکنون نزدیک ربع قرن گذشته است و من که آن موقع دانش‌آموز بودم اینک نقش محقق و مدرس فلسفه یافته‌ام. هرگز قابل انکار نیست که اگر در این مسیر اندوخته‌ای داشته‌ام، بخشی قابل توجه از آن را مرهون نوشتارها و گفتارهای مصطفی ملکیان هستم. کم نیستند مترجمان و محققان و مدرسانی در قلمروهای گوناگون علوم انسانی، به‌ویژه فلسفه و الهیات که در فضای دانشگاهی کشور به کار مشغولند و همچون من، خود را وامدار ملکیان می‌دانند. با این حال، خودِ ملکیان، به‌رغم فضلِ آشکار و کتمان‌ناپذیرش، به عللی روشن و تاسف‌بار، در فضای دانشگاهی کشور جایی ندارد. سال‌هاست روزانه عادت کرده‌ایم هر روز بابت خسارت‌های سرسام‌آور قصورها و تقصیرها برای سرمایه‌های طبیعی و مادی کشورمان افسوس بخوریم. این را هم باید همواره در یاد آوریم که کنج خلوت گزیدنِ کسی مثل ملکیان و «استاد» و «حکیم» خوانده شدنِ کسانی که جز با حربه تملق و دستیازی به قدرت به محیط دانشگاهی راه نیافته‌اند، خسارت اخلاقی و علمی جبران‌ناپذیری برای اکنون و آینده میهن ماست. هزار هزار افسوس که این افسوس‌ها و هشدارها مکرر شده است ولی به گوش آنان که باید نمی‌رسد. «از همین روزن گشوده به دود»، به مصطفی ملکیان درود می‌فرستم، ادای احترام می‌کنم و زادروزش را شادباش می‌گویم. «شاد باش و دیر زی!»

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

نظر

همچون شمس و مولانا

محسن آزموده

«اما استاد کل فی‌الکل ملکیان اعجوبه زمان است. او در هیچ بحثی وارد نمی‌شود الا اینکه حق آن را چنان که باید ادا کند و از هیچ مقوله‌ای دم نمی‌زند الا اینکه چراغی فرا راه ارباب تحقیق بر افروزد. محضر او محضر نور و علم و برکت است و من بر دانشجویانی که سعادت درک فیض درس‌های‌شان را دارند حسد می‌برم.» این جملات را نه دانشجویی جوان و نه حتی استادی میانسال که محمدعلی موحد نوشته است، در هشتاد و چهار سالگی (۲۸ خرداد ۱۳۸۶) و در بخشی از یادداشت خود بر چاپ دوم ترجمه و تحلیل فصول‌الحکم محی‌الدین ابن عربی (نشر کارنامه)، یعنی زمانی که مصطفی ملکیان پنجاه و یک سال سن داشته. بعد از آن هم بارها در محافل و نشست‌های مختلف شاهد اظهار ارادت‌های صمیمانه و شدید و غلیظ از هر دو سو نسبت به یکدیگر بوده‌ام. یک بار در مجلسی در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به مناسبت چاپ جدید ترجمه محمدعلی موحد از کتاب گیتا (سرود خدایان)، استاد موحد در آغاز سخنرانی از برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان جلسه که عموما اهل فضل و دانش و از چهره‌های نام‌آشنا بودند، تشکر کرد، اما وقتی به استاد ملکیان رسید، لحن کلام و واژگان او تغییر کرد و تقدیر از او به مدح و ستایشی شگفت‌انگیز بدل شد. مصطفی ملکیان هم به همین اندازه نسبت به محمدعلی موحد ارادت دارد و هر جا که نام او می‌آید، چشم‌هایش می‌درخشد و با شور و شعفی وصف‌ناپذیر از موحد سخن می‌گوید. علاقه‌مندان به این دو لابد آن عکس مشهور را دیده‌اند که ملکیان خم شده و دست موحد را می‌بوسد. محمدعلی موحد حقوقدانی تاریخ‌نویس و اهل ادبیات و عرفان است و مصطفی ملکیان معلم فلسفه و اخلاق و پژوهشگر کلام و روانشناسی و عرفان. هر دو در زمینه مولاناشناسی صاحب‌نظر هستند و احتمالا اصلی‌ترین و بیشترین زمینه همکاری و دوستی‌شان هم در این حوزه بوده. از این جهت نوع رابطه میان این دو را هم می‌توان تا حدودی شبیه رابطه شمس و مولانا خواند، دوستی و محبتی، چنانکه اشاره شد، بسیار پرشور و هیجان و سرشار از شیفتگی و ارادت. از این رو بی‌مناسبت نیست اگر در صفحه پیش‌رو، سالروز تولد این دو را که با فاصله سی و سه سال و ده روز از یکدیگر به وقوع پیوسته، جشن بگیریم و برای هر دو سلامت و شادکامی طلب کنیم، با آرزوی عمر روزافزون و سرشار از عزت و احترام. با امید.

جشن‌نامه

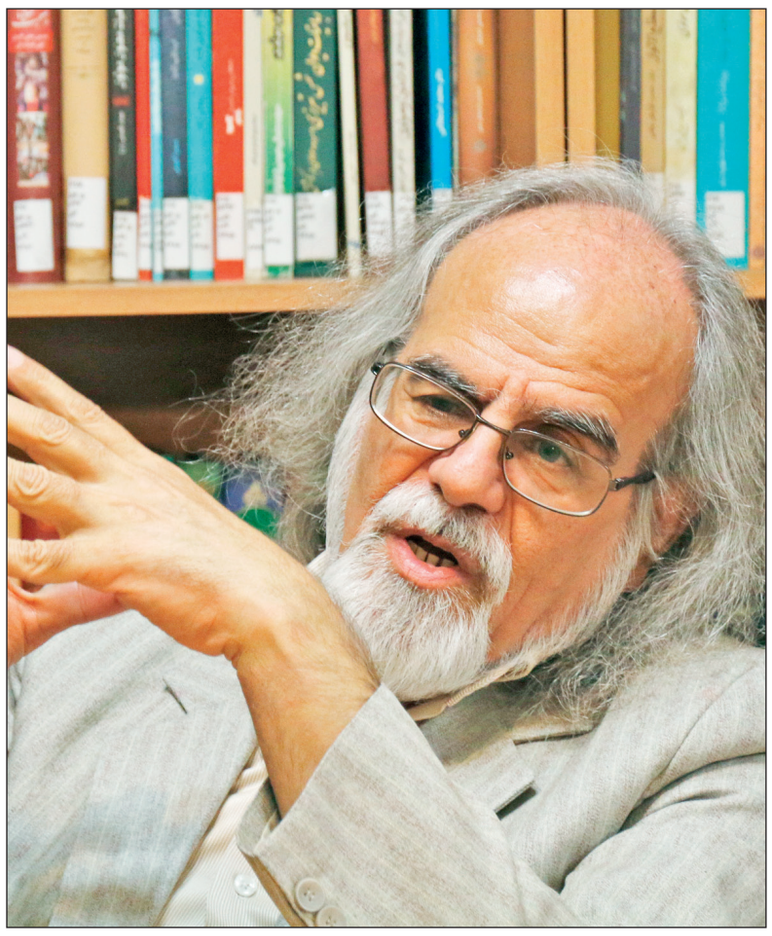

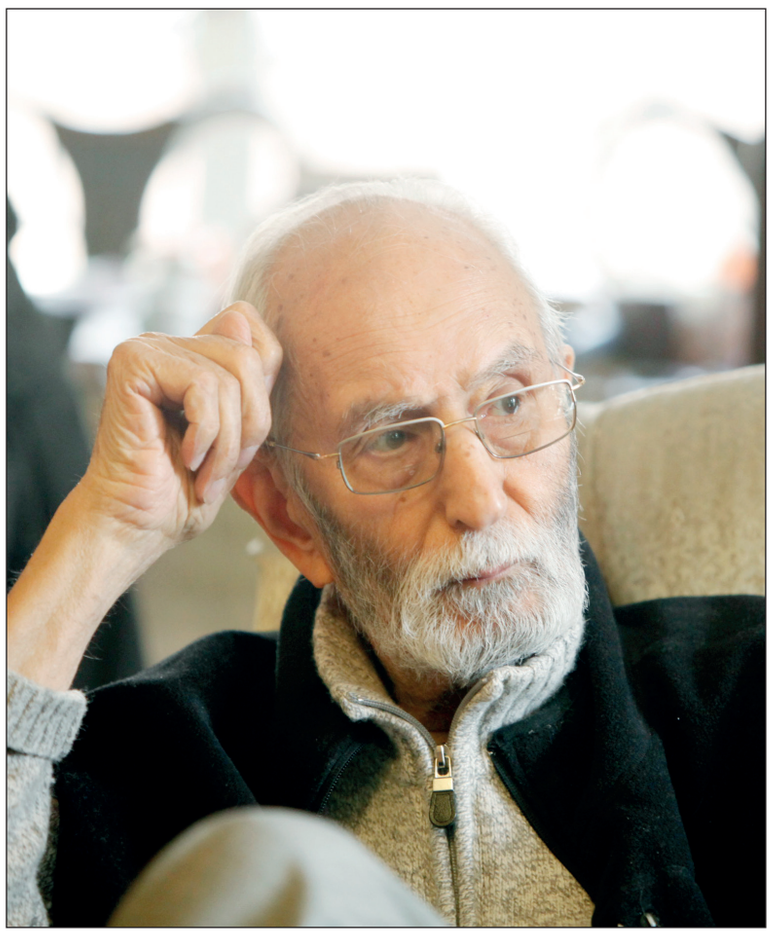

یک جشن‌نامه مختصر برای دو مولود خردادی

روشنفکری با لهجه فرهنگ

امیر یوسفی

از دوم خرداد، زادروز استاد محمدعلی موحد تا دوازدهم خرداد، سالزاد استاد مصطفی ملکیان ده روز فاصله است.

روایتی واحد از زبان نمایندگان دو نسل

میان محمدعلی موحد و مصطفی ملکیان، ۳۳ سال تفاوت سن است؛ چیزی در قواره فاصله یک نسل. جمعیت‌شناسان، معمولا شاخص تعیین نسل را ۲۵ سال می‌دانند. به این اعتبار، میان این دو تن که یکی زاده ۱۳۰۲ و دیگری زاده ۱۳۳۵ است بیش و کم، یک نسل فاصله است. ۳۳ سال «فاصله تقویمی» به خودی خود، این مقدار توان و تعیین‌کنندگی دارد که به «فاصله فرهنگی» نیز منتهی شود و نوعی شکاف یا حتی تعارض نسلی را رقم بزند کما اینکه در باب بسیاری از اهل فرهنگ، به چنین تفاوت یا تعارضی انجامیده است. اما انگار در فقره موحد- ملکیان، زور تقویم به فرهنگ نرسید و آنها نه فقط اسیر فاصله نسلی خود نشدند بلکه به یک الگوی کمابیش یکسان از سلوک فرهنگی، اقتدا کردند. دو نماینده نام‌آور و نوآور از دو نسل متفاوت، سیمای فرهنگی تقریبا واحدی دارند تا آنجا که شباهت‌های خانوادگی فکر آنها بارها بیشتر از تمایزها و تفارق‌های‌شان است. این شباهت‌های خانوادگی به گمان راقم این سطور، سرشتی روشنفکرانه و ماهیتی روشنگرانه دارد. معنای این سخن آن است که پروژه موحد و ملکیان، نه از جنس نقشی است که کارگزاران حرفه‌ای دانش ایفا می‌کنند و نه شباهتی به ماموریت کنشگران تمام‌وقت سیاست دارد. آنها روی ارتفاعی روشنفکرانه می‌ایستند که میانگینی از دانش آن کارگزاران و عملگرایی این کنشگران در آن مستتر است. از آن جهت که خارخار حقیقت دارند با مردان دانشی نسبت پیدا می‌کنند و از آن حیث که به عرصه عمومی التفات دارند با اهل سیاست خویشاوند خواهند شد. آنها در پروژه روشنفکرانه خود، آرمانی بنیادین را دنبال می‌کنند: نبرد با مخاطره جاودانِ صغارت، خواه صغارت‌های سنتی و خواه صغارت‌های مدرن.

موحد و ملکیان به رغم تفاوت‌هایی که در برنامه پژوهشی و روش‌شناسی تحقیقاتی خود دارند در این باور همداستانند که تلاش برای خروج از وضعیت نابالغی خودخواسته مردمان این سرزمین بر هر پروژه دیگری برتری دارد. این خصیصه، آشکارا طنینی از نهضت روشنگری و به وضوح نشانی از رهیافت سقراطی -کانتی دارد. اما غلط است اگر تبار و طعم روشنفکرانگی ایشان را در تبعیت از جنبش روشنگری خلاصه کنیم. موحد و ملکیان در سایه انس دیرین با سنت‌های حِکمی قدیم و جدید و در پرتو موانست مستمر با میراث معنوی اندیشان جهان، به این شهود خطیر دست یافته‌اند که غلبه بر نابالغی جاودان آدمی، بیش از هر چیز در گرو اصلاح نفوس و تغییر درون و ترمیم باطن است. به این اعتبار، لحن روشنفکرانه ایشان، اگر در آرمان، شباهتی با روشنگری داشته باشد در شیوه و اقدام، ماهیتی متمایز و ممتاز دارد. وانگهی این لحن و لهجه، آنها را از شاخه‌های متعارف روشنفکری متمایز می‌کند و نمونه‌ای ممتاز از یک الگوی متفاوت می‌سازد: «روشنفکران فرهنگ‌گرا».

محمدعلی موحد، احتمالا هیچ‌جا در ستایش یا شماتت کنش روشنفکرانه سخنی نگفته است اما نشانه‌های یک روشنفکر مسوول را در کاروبار خود عیان کرده است. دامنه دغدغه‌ها و دایره گزینش‌ها و گرایش‌های او شبیه‌ترین نشانه‌ها با سلوک روشنفکرانه را دارد. او تمام عمر روی یال چهار قله بلند فرهنگ (تاریخ، عرفان، حقوق، ادبیات) آمدوشد داشته است. در چارچوب همین رفتار است که به ترجمه کتاب‌های آیزیا برلین و آرتور کوستلر تا برگردان درخشان «سرود خدایان» و آثار ابن عربی و ابن بطوطه همت می‌کند

این سرمشق روشنفکری، به اصالت فرهنگ باور دارد و نقطه ارشمیدسی خروج از صغارت و نابالغی را اصلاح و بهبود و ترمیم و تصفیه فرهنگ می‌داند. کنشگران روشنفکری که تقلا در میدان فرهنگ را بر هرگونه تلاشی مقدم می‌دانند البته به اصلاحات اجتماعی یا سیاسی بی‌التفات نیستند اما عمیقا باور دارند که کار روشنفکری - به تعبیر رسای دکتر علی فردوسی - «در لامکانِ کار سیاسی صورت می‌گیرد.» به نظر می‌رسد وضعیت غامضِ برآمده از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ لحظه‌ای تاریخیِ و آخرالزمانی در وجدان روشنفکران ایرانی بود تا از اجاره‌نشینی در عمارت سست سیاست خلاص شوند و به خانه فرهنگ که زرادخانه غنی‌سازی دانایی است کوچ کنند و از همانجا مهره اول از دومینوی تحولات اجتماعی و فرهنگی را به حرکت درآورند. محمدعلی موحد و مصطفی ملکیان اکنون در کنار روشنفکران فرهنگ‌گرایی همچون محمدحسن لطفی، محمد قاضی، نجف دریابندری، محمدعلی اسلامی ندوشن و... از کارگزاران و سخنگویان فصیح این سلوک نوپدید روشنفکری هستند.

غربت‌ها و قرابت‌های دو مولود خردادی

محمدعلی موحد، احتمالا هیچ‌جا در ستایش یا شماتت کنش روشنفکرانه سخنی نگفته است اما نشانه‌های یک روشنفکر مسوول را در کاروبار خودعیان کرده است. دامنه دغدغه‌ها و دایره گزینش‌ها و گرایش‌های او شبیه‌ترین نشانه‌ها با سلوک روشنفکرانه را دارد. او تمام عمر روی یال چهار قله بلند فرهنگ (تاریخ، عرفان، حقوق، ادبیات) آمدوشد داشته است. در چارچوب همین رفتار است که به ترجمه کتاب‌های آیزیا برلین و آرتور کوستلر تا برگردان درخشان «سرود خدایان» و آثار ابن عربی و ابن بطوطه همت می‌کند. در تصحیح احمد جام و فضل‌الله خنجی و مثنوی معنوی و ابتدانامه بهاءولد و مقالات شمس می‌کوشد. به عرصه تاریخ معاصر و نهضت ملی شدن نفت ورود می‌کند و آخرالامر پای در مسیر دانش دشوار و بنیادین حقوق می‌گذارد تا از کرامت ذاتی فرزندان آدم پاسبانی کرده باشد. این خوشه شریف از دانش‌ها و دغدغه‌ها، موحد را در ردیف روشنفکران فرهنگ‌گرا می‌نشاند.

مصطفی ملکیان، اما در کاروبار روشنفکری، حضوری مشهودتر و متمایزتر داشته است. او در این باب، هم به تحلیل‌های مفهومی دست گشوده و هم به ارزیابی‌های تاریخی پرداخته است. حجم قابل اعتنایی از تاملات و تولیدات و مکتوبات و خطابات او رمزگشایی از مفهوم روشنفکر، ارزیابی اقسام آن و سرانجام روشنگری در باب ضرورت و اولویت و اصالت جریان موسوم به روشنفکران فرهنگ‌گرا بوده است. او در پرتو نظریه عقلانیت و معرفت، جوهره کار روشنفکری را «تقریر حقیقت و تقلیل مرارت» می‌شمارد و بزرگ‌ترین خدمت روشنفکرانه را آموختن «زندگی اصیل» به آدمیان می‌داند. ملکیان نیز به قاعده موحد، روشنفکری «چندمنبعی» و «میان‌رشته‌ای» است. تمام عمر روی خط‌الرأس چهار قله قدم رو کرده است: اخلاق، فلسفه، الهیات، روانشناسی. به میراث فلسفی و حِکمی یونانیان با همان جدیت التفات می‌کند که به گنجینه معرفتی متفکران مدرن. از ذخیره فروزان الهیاتی و اخلاقی ادیان همان مقدار خوشه‌چینی می‌کند که از یافته‌های روانشناسان و معنوی‌اندیشان و حکمت‌شناسان معاصر.

مصطفی ملکیان، اما در کاروبار روشنفکری، حضوری مشهودتر و متمایزتر داشته است. او در این باب، هم به تحلیل‌های مفهومی دست گشوده و هم به ارزیابی‌های تاریخی پرداخته است. حجم قابل اعتنایی از تاملات و تولیدات و مکتوبات و خطابات او رمزگشایی از مفهوم روشنفکر، ارزیابی اقسام آن و سرانجام روشنگری درباب ضرورت و اولویت و اصالت جریان موسوم به روشنفکران فرهنگ‌گرا بوده است. او در پرتو نظریه عقلانیت و معرفت، جوهره کار روشنفکری را «تقریر حقیقت و تقلیل مرارت» می‌شمارد

به این اعتبار در مهارت کمیاب اما کارآمدِ «آمیزش افق‌ها» استادی زبردست و تیزچنگ است.

ملکیان به زعم ناچیز راقم این سطور، «اندیشمندِ عبور» است و «متفکر خروج»؛ کسی که صادقانه و مومنانه و به عمیق‌ترین وجه ممکن، می‌کوشد سخن «دیگری» را فهم کند اما همواره برای عبور و خروج از یقین‌های رسواشده و سترون آماده است. او شجاعتِ جهش دارد و بی‌هراس از ملامت سرزنشگران، هرجا که اخلاقِ باور اقتضا کند «برون‌خویشی» می‌کند و صنم‌پرستی را ترک می‌گوید و ایمان را تازه می‌سازد. این فضیلت علمی در موحد و ملکیان به ملکه‌ای ماندگار مبدل شده است. آنها خداوندگاران حفظ فاصله انتقادی از باورهای‌شان هستند و با تمام ارادت و اخلاصی که به سوژه‌های پژوهشی‌شان دارند هیچ‌گاه از مرزهای انصاف و حق‌طلبی فاصله نمی‌گیرند و به ورطه ستایش یا نکوهش ناموجه درنمی‌غلتند.

محمدعلی موحد و مصطفی ملکیان، یک روح در دو بدن نیستند. تمایزهای‌شان کم نیست. هر کدام راه خود می‌روند و کار خود می‌کنند. اما نام هر دوشان در دفتر روشنفکران فرهنگ‌گرا ثبت است. دنبال «دانش سرد» و «آگاهی سترون» نیستند. مدام احوال عرصه عمومی را می‌پرسند و از روز و حال انسان ایرانی امروزین عیادت می‌کنند. ردّ «حکمت» را هرجا که باشد، می‌زنند تا سعادت و بهروزی و به‌زیستی را وارد ادبیات روشنفکری کنند و مرامنامه روشنگران ایرانی را کامل‌تر نمایند. به این اعتبار در کاروبار این دو مولود خردادی می‌توان روایتی رسا و شنیدنی از سنت روشنفکری فرهنگ‌گرا یافت. این همخونی و خویشاوندی، افزون بر کنش‌ها و آفرینش‌های معرفتی آنها، ستایش‌های متقابلی که نثار یکدیگر کرده‌اند نیز پیدا و هویدا است. استاد ملکیان در تعبیری قصیر و عبارتی قصار گفته است «محمدعلی موحد یک اثر هنری است» و استاد موحد نیز در چند موضع (از جمله در مقدمه‌ای که بر تصحیح خود از مثنوی معنوی نگاشته و نیز در مقدمه‌اش بر ترجمه فارسی فصوص‌الحکم) ملکیان را «اوستاد اوستادان [...] که سایه مهربان او همواره بر سرم و نفس گرم او قوت‌بخش زانوانم بود» خطاب می‌کند. روزنامه‌نگار

چشم‌انداز

جاذبه و دافعه مصطفی ملکیان

فریدون مجلسی

به نظر این نگارنده، استاد مصطفی ملکیان از کسانی است که صفت استادی به راستی برازنده اوست. یعنی تعارفی از سر ادب و سفیدی مو نیست که ما نیز تجربه کرده‌ایم. دانش برای درخوری مقام استادی لازم است، اما کافی نیست. باید دید منظور از دانش و کسب آن چیست. ملکیان در کتاب «درس گفتارهایی در باب اخلاق کاربستی» نکته‌ای را از ویتگنشتاین نقل می‌کند که معلوم است در او اثر گذاشته و به قول امروزی‌ها همذات‌پنداری کرده است: «ای خواننده! خوش دارم که اثر من تو را بهتر کند.» و خواندن آثار او یا شنیدن آن در من که زمینه‌های آموزشی و تجربی و کاری متفاوتی دارم، چنین احساسی را برمی‌انگیزد. ممکن است برای همه چنین نباشد. زیرا زاویه دید و تحلیل‌های استادانه او که مستلزم رهایی از تعصبات جانبدارانه است، خوشایند ایدئالیست‌ها یا به قول ایشان باوراندیشان نیست. نکته دوم که به آن دانش خصوصیت استادانه می‌بخشد و من گاهی با طنز به آن اشاره می‌کنم، روِشمندبودن پژوهش و نیز ارایه روشمند و کاملا علمی و استادانه آن است. یعنی در بحث یا بیان هر نکته‌ای با روشی بسیار ریاضی ابعاد آن را با دیدی موشکافانه همچون یک مجموعه به اجزای پدیدآورنده آن موضوع تفکیک می‌کند که مثلا این موضوع می‌تواند چهار حالت کلی داشته باشد. وقتی چهار حالت را بیان می‌کند، می‌بینی که به راستی خارج از این چهار حالت نیست. اما وقتی وارد بحث هر یک از آن چهار حالت می‌شود، معلوم می‌شود که حالت اول خودش مثلا شش جنبه دارد که هر یک از آن جنبه‌ها می‌تواند چندین جزو متفاوت داشته باشد. به این ترتیب پس از تحمل این جنبه‌ها و اجزای شمارش‌شده تازه می‌رسید به حالت دوم. یعنی راه فراری غیر از فهماندن مطلب باقی نمی‌گذارد. من این شیوه استدلال را به بمب خوشه‌ای تشبیه می‌کنم که پس از انفجار اولیه هر ترکش آن بمب‌های فرعی دیگری در درون خود دارد. مانند خوشه انگور ریش بابا هم نیست، مانند خوشه‌های بزرگ یاقوتی است که هر حبه؛ حبه‌هایی چسبیده به بچه خوشه‌هایی دارد تا برسد به ساقه اصلی! در این مختصر نمی‌توانم از اشاره ایشان به شیوه ایدئالیست‌ها بگذرم که می‌گوید: «ایدئالیست اصرار دارد باورها را با باورها بسنجد... و در نکته مورد بحث می‌کوشد با استناد به باوری دیگر مثلا فلان سخن بودا استناد و شما را از میدان به در کند... و از این بوداها بسیارند!» مصطفی ملکیان در ترجمه سلیس کتاب «روح اسپینوزا» اثر نیل گراسمن، مقدمه‌ای عالی حاوی چند بمب خوشه‌ای تحلیلی دارد که در یکی از آنها دیدگاه اسپینوزا را از پایان سیر و سلوک «عقلانی و معنوی» او، دست‌یابی به حالتی بیان می‌کند که آن را «والاترین کامروایی /بهروزی آدمی»، «سعادت»، «نجات»، «رهایی» و «آزادی» تعبیر می‌کند. این «آزادی و رهایی و نجات» را می‌توان از طرفی رهابودن از اسارت اندیشه و باورهای تعبدی و استقلال و «خود» بودن در تلفیق «عقلانیت و معنویت» تلقی کرد و نیز می‌توان احترام به «آزادی عقیده» دانست که «آزادی» حدود مشخص و تعریف‌شده دارد. در حالی که عقیده، که امری آشکار هم نیست، غالبا می‌تواند از نوع «خودحق‌انگارانه» و بیگانه‌ستیز از نوع داعشی باشد و به خودی خود نمی‌تواند احترامی داشته باشد. آنچه را که جاذبه افکار مصطفی ملکیان می‌دانم همین رهایی از تعصبات و «خودِ اخلاق‌مدار» اوست که زندگی و عقاید ابزاری او یکی است. سخنانی که به گفته خودش عقیده‌ساز است، در مقابل دافعه عقایدی برآمده از باورهای متعصبانه و افراطی از هر نوع ایدئولوژی خودحق‌انگار و تحمیل‌گر!

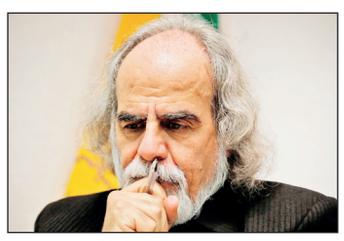

نویسنده و مترجم

نگاه

آموزگارِ هنرِ زندگی

محمد صادقی

به باور مصطفی ملکیان، ما براساس سه ضرورت و با سه نیت به سراغ کتاب می‌رویم. نخست؛ به جهت تقسیم کار اجتماعی، علمی و تخصصی. یعنی اینکه تقسیم کار اجتماعی ما را موظف می‌کند در جامعه تخصصی را برعهده بگیریم و بر این اساس برای رشد خود در زمینه کار، علم و هنری که مشغول به آن هستیم به سراغ کتاب‌هایی می‌رویم که ما را در جهت تخصصی که داریم ورزیده‌تر کند. دوم؛ در این رویکرد لذت‌بردن ملاک است. همه ما کنجکاو هستیم و حس کنجکاوی در ما موجب می‌شود که بخواهیم از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم بیشتر سر در بیاوریم. حس کنجکاوی نیز (که یک واقعیت روانشناختی است) هنگامی که به سراغ کتاب‌خوانی می‌رویم ما را به سوی برخی از کتاب‌ها می‌کشاند. هر کس به شاخه‌ای علاقه دارد، یکی به فلسفه، یکی به تاریخ، یکی به فیزیک و... و همه ما از یک دسته کتاب لذت نمی‌بریم. یکی به کتاب‌های خاطرات علاقه دارد، یکی به شعر و... و در این رویکرد، ما در پی کسب لذت هستیم. چنین رویکردی به کتاب و کتاب‌خوانی هم کم و بیش و نه به اندازه نوع اول، تا اندازه‌ای در جامعه رواج دارد. اما حجم کتاب‌هایی که در این زمینه می‌خوانیم به اندازه نوع اول (به لحاظ کیفی و کمی) نیست و این نوع کتاب‌خوانی، برای سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت در نظر گرفته می‌شود.

سوم؛ کتاب‌هایی هستند که بیشترین ضرورت و کمترین طرفدار را دارند. کتاب‌هایی که نه برای پیداکردن شغل و تقویت علمی و تخصصی در کار یا هنری و نه برای سرگرمی، بلکه برای پیداکردن راهی به سوی زندگی خوب، خوش و ارزشمند مناسب هستند.

به باور ملکیان، هنر زندگی را باید آموخت و هنر زندگی بیش از هر هنری به تخصص و آگاهی بیشتری نیاز دارد. به نظر او، ما بر اساس عادت زندگی می‌کنیم، درد و رنج می‌کشیم و به دیگران نیز درد و رنج وارد می‌کنیم.

اما برای اینکه زندگی کردن را که دشوارترین هنر است، بیاموزیم، کمتر به سراغ مطالعه می‌رویم و برای رسیدن به یک زندگی آرمانی (در اندازه‌ای که انسان می‌تواند به آن دست یابد) و برخورداری از زندگی‌ای خوب، خوش و ارزشمند کمتر به کتاب‌خوانی می‌پردازیم.

او با اشاره به این نکته که ما از رحم مادر خود با بینش و دانش زاده نمی‌شویم، تاکید دارد که برای فهم و کسب مهارت‌های زندگی به تلاش (و مطالعه) نیازمندیم و این در حالی است که در میان کتاب‌های موجود، کتاب‌هایی که هنر زندگی را به ما بیاموزانند، کمتر وجود دارند، کمتر ترجمه می‌شوند و همچنین کمتر خوانده می‌شوند.

ملکیان با اشاره به سخنی از کی‌یرکگور می‌گوید که زندگی خوب و خوش و ارزشمند زندگی‌ای نیست که با پریدن از روی این لذت به آن لذت ممکن شود (مانند زنبور عسل که از روی این گل به روی آن گل می‌پرد) زندگی آرمانی زمانی امکان می‌یابد که بدانیم اگر چگونه زندگی کنیم، درد و رنج کمتری را تحمل کرده و درد و رنج کمتری را به دیگران تحمیل می‌کنیم و این قبل و بیش از هر چیز به آگاهی و دانایی نیازمند است.

از ویژگی‌های برجسته کار روشنفکری مصطفی ملکیان این است که نسبت به وضعیت فرهنگی ما و نقص‌ها و ضعف‌های موجود در نظام آموزش و پرورش ما بسیار حساس است.

او نه فقط بهتر از هر کسی نقص‌ها و ضعف‌های آموزش و پرورش در ایران را برشمرده و توضیح داده، بلکه با گشودن بحث درباره هنر زندگی و درس‌های زندگی که جای چندانی در کتاب‌های مدرسه و دانشگاه ما و سخن و نوشته‌های روشنفکران ما ندارند، خدمت بزرگی به جامعه ما کرده است.

ما بهترین سال‌های زندگی خودمان را در مدرسه و دانشگاه سپری می‌کنیم و این در حالی است که به تعبیر او «هیچ‌وقت به ما یاد نداده‌اند که با تنهایی خودمان چگونه مواجه شویم، چگونه در مقابل ناامیدی، مقاومت درونی پیدا کنیم و دست از امیدواری برنداریم، چگونه دیدگاه بدبینانه را وابنهیم و دارای دیدگاه خوش‌بینانه شویم، چگونه تعادل بین آزادی و مسوولیت را در زندگی خود برقرار کنیم، چگونه زندگی خود را ارزشمند کنیم، چگونه زندگی خود را هدف‌دار کنیم، چگونه کارکرد زندگی خود را افزایش دهیم، با احساس وحشت از مرگ چگونه کنار بیاییم... روش گفت‌وگو کردن چیست که من گفت‌وگو را با جروبحث و گپ‌زدن اشتباه نگیرم؟

گفت‌وگو زندگی را رشد می‌دهد، گپ‌وگفت برای سرگرمی زندگی لازم است و جروبحث برای هیچ چیز زندگی لازم نیست. فرق اینها در چیست، اینها را ما نیاموخته‌ایم. مذاکره چیست؟ نقش مذاکره در زندگی چیست؟

فرق بین نیاز و خواسته چیست، آیا من باید تابع نیازهای خود باشم، یا تابع خواسته‌های خود باید باشم، یا گاهی تابع نیازها و گاهی تابع خواسته‌ها، اصلا اینها چه فرقی با هم دارند؟»

واقعیت این است که چنین مسائل و مشکلاتی، جسم و جانمان را می‌فرسایند، با این وجود یکی از کارهای ناب و ستودنی ملکیان این است که با آموزش درس‌های زندگی و معرفی کتاب‌هایی که هنر زندگی را به ما می‌آموزند (و خوشبختانه در این سال‌ها به تدریج بر تعدادشان افزوده شده) همواره کوشش داشته و دارد که از درد و رنج ما بکاهد. به راستی که وجودش برکت است برای ایران، تولدش مبارک باد.

روزنامه‌نگار

پیشخوان
Pishkhan.com

اعتماد
آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید
info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir

- صاحب امتیاز و بنیانگذار: الیاس حضرتی
- مدیرمسوول: بهروز بهزادی
- زیر نظر شورای سردبیری
- معاون اجرایی: حجت طهماسبی
- مشاور مدیر مسوول: محمد حضرتی
- نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
- تلفن خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ نمابر: ۶۶۱۲۴۰۲۱
- توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
- چاپ: همشهری ۲ ■ تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲

■ اذان ظهر: ۱۳/۰۲ ■ غروب آفتاب: ۲۰/۱۵ ■ اذان مغرب: ۲۰/۳۶ ■ اذان صبح فردا: ۴/۰۶ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵/۵۰

کتاب روز

فلسفه نوشتن

کتاب «فلسفه نوشتن» با ویراستاری جیمز دالی و ترجمه ماهان سیارمنش منتشر شد. این کتاب با عنوان کارگاه نویسندگی در ۳۶۰ صفحه و با قیمت ۱۰۸ هزار تومان توسط انتشارات دوات معاصر منتشر شده است.

در معرفی ناشر از کتاب «فلسفه نوشتن» عنوان شده است: این کتاب متون گوناگونی از نویسندگان شناخته شده را در خود جای داده است که هر کدام بنا به تجربیات خود به تکنیک‌های نویسندگی و شیوه نوشتن رمان و داستان در قالب مقاله و یادداشت، مطالبی را بیان می کنند. از نویسندگان این مجموعه می‌توان به رابرت لوییس استیونسن، جویس کارول اوتس، کورت ونه‌گات، مارگارت آتوود، ریموند کارور، سینکلر لوییس، ریمون چندلر، جوزف کنراد، والاس استگنر، ادگار آلن‌پو، جان اروینگ، مارک تواین، هنری جیمز، کیت شوپن، اودورا ولتی، جک لندن و ویلا کاتر اشاره کرد. این مجموعه به عنوان کتابی کاربردی است که به‌وسیله نویسندگان معاصر و کلاسیک جهان، توضیحاتی عملی و ذهنی را درباره هنر نویسندگی بیان می‌دارد. این مقاله‌ها با تمرکز روی نظرات و تمرینات هنری، حاوی تأملاتی شخصی، پیشنهادات و نقدهاست و هر کدام از نویسندگان با تکیه بر تجارب خود، روی یکی از مسائل مهم عرصه نویسندگی تمرکز می‌کنند.

خاطره

آلبرت کوچویی

عاشق مستعان

برای ما بچه‌های دبیرستانی در دهه سی و چهل، پاورقی‌های روزنامه‌ها و مجلات، جذابیتی غریب داشتند، پرکشش، هیجان‌آلود و نفس‌بر، با لذتی که به گمانم اگر نگویم، هیچ یک باید بگویم کمتر مجموعه پی در پی امروزی قادر باشد، به مخاطب بدهد. شاید هم بدهد. اما جذبه و لذتی که پاورقی‌های روزنامه‌ها و مجله‌ها، هر بار برپا می کردند، دشوار به زبان بیاید. یک پاورقی‌نویس، داستانی دنباله‌دار را روایت می کرد با مجموعه‌ای از حادثه‌ها و اتفاق‌ها که تا پایان آن شماره نشریه می‌پایید و پس از آن، شما را در هیجانی نگه می‌داشت که تا شماره بعد، البته بیشتر در مجله‌های هفتگی می‌پایید. هیجانی پر از نگرانی و دلواپسی از حادثه‌ای که بر قهرمان یا قهرمانان پاورقی رفته است. چه حادثه‌ای در پی خواهد داشت و چه حادثه‌هایی آنها را انتظار می کشد؟ استاد خلق این هیجان‌ها، حسینقلی مستعان بود. البته با او یا پس از او، امیر عشیری، ارونقی کرمانی، سالور و بسیاری دیگر بودند. اکنون مجموعه‌های تلویزیونی به مدد رنگ و تصویر و صدا، همان را می‌خواهند خلق کنند و مخاطب را تا نوبتی دیگر پای آن هیجان و تعلیق به پا شده، نگه می‌دارند. پس از پاورقی‌های نوشتاری، نمایش‌های دنباله‌دار رادیویی، چنین هیجانی را با موسیقی و صدا و بازی صدایی بازیگران در همان دهه‌های سی و چهل به پا می کردند. داستان‌های شب، در رادیو ایران، از ساعت ۹ یا ۱۰ شب، کتابی را روایت می کردند که هیجانی غریب داشتند. بهانه‌ای و موضوعی برای زنگ‌های تفریح فردا در مدرسه. رادیو، دستگاهی گران بود و در هر خانه‌ای جای نداشت. گاه در یک محله، یک یا دو خانه صاحب رادیو بودند که به‌طور معمول، میزبان در و همسایه هم بودند. پس از شنیدن داستان شب رادیو را خاموش می کردند. پارچه تزئینی گل و منگولی، بر آن کشیده تا فردا خاموش می‌ماند. جای آن البته در صدر خانه بود. روی میزی فراخور آن. باری پاورقی خوانی ما بچه‌های مدرسه، تابستان‌ها و بعد از تعطیلی مدرسه‌ها بود. پیدا کردن شماره‌های گذشته، کاری دشوارتر بود یا در کتابفروشی‌ها که کرایه می‌دادند یا در خانه اعیان و اشراف کتابخوان بودند که آن هم باید بخت‌تان یاری دسترسی به آنها، بلند می‌بود. من از جمله آن بلندبخت‌ها بودم. تابستان‌ها را در همدان، خانه عمو و عموزاده‌های پدر می گذراندیم. آنها البته اهل کتاب و مجله نبودند. خویشاوندی داشتیم که دور از خانه عمو و عموزاده، در خیابان عباس‌آباد آن هنگام بودند. باید از کوی فرنگی‌ها راه می‌افتادید که راهی دراز بود، اما رنج سفر می‌ارزید تا کتاب جلد شده پاورقی را زیر بغل بزنم تا یک هفته با آن حال کنم. در خانه درندشت این خویشاوند، دو خانواده بودند با زیرزمینی که کتابخانه دوست ما بود. دو، سه ساعتی می‌خواندم. کتاب مجموعه پاورقی را برای یک هفته به خانه عمو و عموزاده‌ها می‌آوردم. پیاده یا پشت در شکه پریدن و طی کردن این مسافت دور و تحمل شلاق‌های درشکه‌ران که گاه تا پشت چرخ درشکه می‌رسید. به پیاده رفتن می‌ارزید. «نیقدیموس» و «هرمز»، دو دوست و خویشاوند چهار، پنج سال بزرگ‌تر از من، صاحب گنجینه پاورقی‌ها بودند. «نیقدیموس» الگو و نمونه آرزویی من و دیگر بچه‌های همدان بود. سال آخر دبیرستان، آماده دانشگاهی شدن بود. باز صد البته از رقصندگان حرفه‌ای رقص‌های آشوری‌ها بود. ستاره همه آیین‌ها، کوهنوردی و کوهپیمایی‌های قله الوند و تپه‌پیمایی تا گنجنامه. او چنان از پاهای خود برای پایکوبی‌ها کار کشیده بود، که در سال‌های هفتاد زندگی فلج شد. کوچ و مهاجرت به ینگه دنیا، چاره‌ساز نشد که عاقبت خانه سالمندان‌نشین در تورلاک کالیفرنیا شد. در سال‌های هشتاد زندگی توانستم او را پای «واتس‌آپ» ببینم. دچار آلزایمر شده بود، اما گاه به گاه آدم‌ها را می‌شناخت. با شنیدن صدایم، لبخندی بر لبانش ظاهر شد. گفتم مرا به یاد داری؟ با صدایی گرفته و با لکنت نشسته بر ویلچر گفت: جوان عاشق مستعان! و بغض مانع حرف‌هایش شد.

امروز در تاریخ

مرتضی میرحسینی

پاپ لهستانی در لهستان کمونیست

یک: نامش کارل جوزف ویتولا و لهستانی بود، اهل کشوری که کمونیست‌ها بر آن حکومت می کردند. اما اکتبر ۱۹۷۸ به نام ژان پل دوم، رییس کلیسای کاتولیک شد. سال ۱۹۷۹ در چنین روزی، برای دیدار با مردم کشورش به لهستان برگشت. پاهایش که از پلکان هواپیما به زمین رسید، زانو زد و خاک کشورش را بوسید. نوشته‌اند: «جمعیتی عظیم، پرشور و ستایشگر به استقبالش آمده بودند و او بازوانش را به نشانه تبرک آنها از هم گشود. هوا بسیار گرم بود، بالای ۴۰ درجه سانتی‌گراد. پاپ طی هفت روز آتی، به گوشه و کنار وطنش سفر کرد. تقریبا یک‌سوم جمعیت لهستان به خیابان‌های شهرهای‌شان آمدند تا شخصا و از نزدیک او را ببینند. مردم ساعت‌های طولانی، در هوایی به شدت داغ، در طول مسیر منتظر می‌ماندند تا حتی شده فقط برای یک لحظه ببینندش. این دیدار ثابت کرد که کلیسای کاتولیک بعد از سه دهه حکمرانی کمونیست‌های خداناباور بر لهستان، همچنان وفاداران بسیار پرشماری در بین لهستانی‌ها دارد؛ بسیار پرشمارتر از کمونیست‌ها. هر بار بالغ بر دو میلیون نفر در برخی نمازهای دسته‌جمعی پاپ در فضای باز در لهستان حضور پیدا می کردند. آخرین موعظه‌اش طی این سفر در دهم ژوئن در شهر کراکوف بود که بنا به اذعان مقامات حکومتی، بزرگ‌ترین گردهمایی در تاریخ لهستان بود.»

دو: پاپ -یا در واقع ویتولای لهستانی- باور داشت خداوند او را به دلیلی به ریاست کلیسای کاتولیک رسانده است و او نسبت به کشور و مردمش، وظیفه‌ای خاص دارد. حکومت لهستان ابتدا مخالف سفر پاپ بود و بعد هم به اجبار و اکراه، به آن تن داد. توافقاتی میان دو طرف انجام شده بود. اینکه «پاپ ژان پل دوم در جریان سفرش به لهستان مطلقا هیچ حرف و سخنی که حاوی کوچک‌ترین اعتراضی به کمونیسم یا تحریک‌آفرینی‌های کمونیست‌ستیزانه مذهبی باشد، بر زبان نیاورد.» او چنین کرد. حداقل به ظاهر به آنچه قولش را داده بود، عمل کرد. از کمونیست‌ها و در مخالفت و نکوهش آنان چیزی نگفت، اما از انسان و از شأن و کرامت انسانی حرف زد و از حقوقی گفت که همه انسان‌ها باید از آن برخوردار باشند. حقوقی که به آسانی پایمال می‌شود. شنوندگانش این صحبت‌ها را در چارچوب حب و بغض‌های زمانه تفسیر کردند و آن را حمله‌ای سنگین به حکومت کشورشان فهمیدند. به قول ویکتور شبشتین «پاپ طوری به مردم روحیه داد و آنها را برانگیخت که تا پیش از آن سابقه نداشت. او به طرز سرنوشت‌سازی کمونیسم را مجروح کرد... پاپ هرگز به صورت علنی حرفی علیه رژیم یا کمونیسم نزد، اما صرفِ بازگشت پیروزمندانه‌اش به وطن معادل بود با فراخوانی صریح و روشن به مقاومت علیه سرکوب، به جای مصالحه و کوتاه آمدن در برابر رژیم.» ناگفته نماند که مدت‌ها پیش از این سفر، یوری آندروپوف رییس کاگ‌ب خطر پاپ لهستانی را برای حکومت‌های بلوک شرق پیش‌بینی کرده بود. می گویند شب انتخاب ویتولا به مقام پاپی، به سفیر لهستان زنگ زد و گفت: «چگونه چنین اتفاقی افتاد؟ تو چگونه اجازه دادی که شهروند یک کشور سوسیالیستی به عنوان پاپ جدید انتخاب شود؟» و بعد اضافه کرد: «این برای همه ما خطرناک است.»

تیتر مصور | روز جهانی مبارزه با دخانیات

الحبرا

شوکران‌نوش

چه کنم دور زمان را

تو مرا جان و جهانی چه کنم جان و جهان را
چو تو را صید و شکارم چه کنم تیر و کمان را
تو مرا گنج روانی چه کنم سود و زیان را
چو من اندر تک جویم چه روم آب چه جویم
نفسی یار شرابم نفسی یار کبابم
چه توان گفت چه گویم صفت این جوی روان را
چو در این دور خرابم چه کنم دور زمان را
چو نهادم سر هستی چه کشم بار کهی را
ز همه خلق رمیدم ز همه باز رهیدم
چو مرا گرگ شبان شد چه کشم ناز شبان را
نه نهانم نه پدیدم چه کنم کون و مکان را
چه خوشی عشق چه مستی چو قدح بر کف دستی
ز وصال تو خمارم سر مخلوق ندارم
خنک آن جا که نشستی خنک آن دیده جان را

مولانا

تشعشعات ذهنی

نادی صبوری

می ترسم پس هستم؟!

دو، سه هفته پیش ایمیلی گرفتیم از منابع انسانی. گفته بودند قرار است مشاور یک‌بار در هفته بیاید و اگر می‌خواهیم درخواست کنیم به هر کدام وقت بدهند. من هم ذوق‌زده جواب دادم که من می‌خواهم باشم. ایراد کار فقط اینجا بود که اشتباهی پاسخ را نه فقط به ایمیل فرستنده، بلکه برای همه کارکنان ارسال کردم. موضوع چند روزی سوژه خنده همه شده بود. اما ماجرایی که می‌خواهم تعریف کنم چیز دیگری است. یک ماه پیش روزهای فرد و حالا روزهای زوج استرس می گیرم. روز باشگاه است و یادم می‌افتد به کاغذ آچهار نسبتا چروکیده‌ای که توی کاور قرار دارد و رویش پر است از اعداد و کلمات. جلو بازو سیمکش ۳ ضرب در ۱۵، جلو پاماشین ۳ ضرب در ۱۲، فیله کمر ۳ ضرب در ۱۲ و... اغلب این طور است که جلسه اول حرکت‌ها را توضیح می‌دهند و کم کم حداقل از جلسات چهارم به بعد انتظار دارند روی آنها اشراف داشته باشی. من خیلی زود یادم می‌رود که باید سیمکش را کجای میله ثابت کنم و خودم با چه زاویه‌ای بایستم. هر بار قاطی می کنم که باترفلای کدام است و فلای‌بک کدام و برای پای سه جهتی باید دقیقا به کجا تکیه کنم. بعد درگیری ذهنی‌ام شروع می‌شود. باید از مربی بپرسم؟ نکند مثل قبلی مدام بخواهد بگوید پس چرا خودت یاد نگرفتی؟ خب اصلا وظیفه‌اش است برای من توضیح بدهد یا نه؟ یک ور ذهنم می گوید وظیفه‌اش است و اگر نمی‌روی بپرسی معنایش این است که تو ترسو هستی. وقتی به این جمله ختم می‌شود توی سرم حس بدی پیدا می کنم. واقعیت این است که نمی‌دانم چه چیزی هستم. چند باری کارهایی کردم که هزینه و تبعاتش ورای تمام تصوراتم بوده و انگار شبیه گربه‌هایی شدم که آزار دیده‌اند و حتی اگر بخواهی محبت کنی می‌ترسند و جلو نمی‌آیند. خیلی فکر می کنم. نه از آن فکرهایی که به جایی منتهی شود، تئوری‌ای بسازد و تغییری ایجاد کند. فکر می کنم چطور حرفم را بزنم یا چطور حرفم را نزنم. کلمه‌ها را بالا و پایین می کنم، عوض‌شان می کنم و بعد کلا پاک‌شان می کنم. مهم نیست قرار است درباره چه چیزی صحبت کنم یا در صفحه شخصی‌ام چیزی بگذارم، لغو مسابقه دو، هنرپیشه‌ها روی فرش قرمز کن یا بازی فوتبالی که لغو شده است. مدام می‌خواهم جلوی هزینه‌هایی که می‌شود را بگیرم اما این انتها ندارد. از چند وقت پیش تصمیم گرفتم قبل از باشگاه حرکت‌ها را گوگل کنم، اوضاع کمی بهتر شد اما هنوز هم آن لحظات وحشتناکی که باید تصمیم بگیرم فرا می‌رسند و افکار هجوم می‌آورند: تو مسوول خودت هستی، ممکن است شماتت شوی، تو شهامت نداری، خودت یاد بگیر. از چالش‌هایم با مشاور صحبت کردم و یک جمله گفت که از آن روز مدام با خودم زمزمه می کنم: تصمیم‌گیری فرآیند تبدیل کردن انتخاب به بهترین انتخاب است. حس می کنم می‌توانم رویش حساب کنم. در راهرو یکی از بچه‌های منابع انسانی را می‌بینم و از جلسه بعدی مشاوره می‌پرسم. لحن شماتت‌بارش آشناست و می گوید که باید دید اولویت با کیست و شاید جلسه بعدی سه ماه بعد باشد.

در ستایش جزئیات

نژادپرستی بد است، لباس پرستی خوب!

سید حسن اسلامی اردکانی

نژادپرستی به لحاظ علمی نادرست و به لحاظ اخلاقی خطاست. در نتیجه نژادپرستی و نژادپرستان را محکوم می کنیم. اما نژادپرستی یعنی چه؟ به زبان ساده یعنی درباره افراد بر اساس رنگ پوست یا حالت صورت و فیزیک چهره آنها قضاوت کنیم و متناسب با نژادی که آنها را به آن نسبت می‌دهیم، بگوییم آنها خوب یا بد هستند. نمونه نژادپرستی را در نظام هیتلری در آلمان نازی یا دوران آپارتاید در آفریقای جنوبی یا در رفتار کوکلس کلان‌های ایالات جنوبی امریکا می‌توان دید. نژادپرستان منطق ساده‌ای برای قضاوت درباره افراد دارند. از این منظر، بی‌توجه به عملکرد افراد، هر کس رنگ پوستش تیره یا روشن یا سفید یا سیاه باشد، پس خوب یا بد است. در حالی که امروزه این منطق درباره رنگ پوست نادرست به شمار می‌رود، همچنان شاهد کاربرد آن درباره دیگر مظاهر افراد هستیم. یکی از جلوه‌های آن قضاوت افراد بر اساس نوع لباسی است که می‌پوشند. مقصودم لباسی که نشان‌دهنده تعلق آنها به یک صنف یا گروه اجتماعی یا قومیتی است. در اینجا نیز با دیدن کسی در لباسی، بی‌آنکه حتی نام آن شخص را بدانیم یا چیزی از عملکرد او شنیده باشیم، بلافاصله قضاوت می کنیم که این شخص فلان و بهمان است. البته گاه لباس هر کس منطقا بیانگر دیدگاه عقیدتی او است. برای نمونه ممکن است یک سازمان یا فرقه نژادپرست لباسی ابداع کند و همه پیروان این سازمان یا فرقه آن را به تن کنند. در اینجا با دیدن هر کس در آن لباس حق داریم که او را نژادپرست بدانیم. شاید نمونه آن را بتوان در پوشش خاص کوکلس کلان‌ها دید. همچنین کسانی که به نشانه عضویت در حزب نازی نشان صلیب شکسته بر بازوی خود نصب می کردند. باز در اینجا چه بسا کسانی مجبور می‌شدند که عضویت حزب را قبول کنند و حتی نشان آن را بر بدن خود نمایش دهند. ولی این نکته درباره نونازی‌ها صدق نمی کند. از این‌رو، اگر دیدیم کسی بر بدن خود صلیب شکسته تتو کرده یا بر لباس خود آن را دوخته است، حق داریم که او را نژادپرست بدانیم. اما برخی لباس‌ها این گونه نیستند و در دل تاریخ به تدریج شکل گرفته و برآمده‌اند و با دیدن کسی که آنها را به تن کرده است نمی‌توان واقعا گفت که این شخص چه دیدگاهی دارد و مشمول چه حکمی باید باشد. برای نمونه لباس کردی چنین وضعی دارد. این لباس نماد یک قوم است که فراز و فرود تاریخ آن را در خود ثبت کرده است. اما با دیدن کسی که لباس کردی به تن دارد، نمی‌توان نتیجه گرفت که او به لحاظ سیاسی چنین و چنان است. همین مساله درباره لباس طلبگی راست می‌آید. این لباس بیانگر یک صنف است؛ صنفی که مدعی فهم و تخصص در احکام دین است. اما با دیدن کسی که این لباس را به تن دارد، بیش از این نمی‌توان داوری کرد. در این لباس کسانی هستند که معتقد به اسلام سیاسی هستند و کسانی که آن را منافی اسلام می‌دانند. کسانی این لباس را به تن داشته‌اند که با حاکمان بهترین مناسبات را داشتند و کسانی که بیشترین مخالفت را با آنها. کسانی این لباس را به تن داشتند که معتقد به حکومت اسلامی و اجرای همه احکام آن حتی در عصر غیبت امام زمان(عج) بودند و کسانی که حکومت را فقط از شوون شخص امام معصوم می‌دانستند. حال چگونه با دیدن کسانی که این لباس را به تن دارند، می‌توانیم درباره مواضع سیاسی یا رتبه دانشی آنها قضاوت کنیم؟ اگر یادمان نرفته باشد «شازده کوچولو» از خرده‌سیاره «ب ۶۱۲» آمده بود. اولین‌بار این سیاره را یک ستاره‌شناس ترک، در سال ۱۹۰۹ شناسایی و کشف خود را در مجمع جهانی اخترشناسان اعلام کرد. «ولی چون قبای ترکی به تن داشت کسی سخنش را باور نکرد. آدم‌های بزرگ‌ها این‌جورند دیگر.» (شازده کوچولو، ترجمه ابوالحسن نجفی، تهران، نیلوفر، ص ۱۸) اما همین ستاره‌شناس در سال ۱۹۲۰ در لباس برازنده فرنگی دوباره در همان مجمع کشف خود را اعلام کرد و این‌بار همه نظر او را پذیرفتند. اگر نژادپرستی خطا باشد، لباس‌پرستی هم چندان تفاوتی با آن ندارد.

استاد دانشگاه ادیان و مذاهب

عکس‌نوشت

خبرگزاری تسنیم با انتشار مجموعه عکسی نوشت: «چند سالی است که در فصل بهار لک‌لک‌ها در روستاهای حاشیه زرینه‌رود و تالاب نوروزلو در حوالی شهر میاندوآب لانه‌سازی و جوجه‌آوری می کنند. لک‌لک‌ها در کوچه‌های روستا و در بالای تیرهای برق و حتی پشت‌بام خانه‌ها لانه‌سازی کرده و اهالی روستا با مهربانی تمام از آنها میزبانی می کنند. همین امر باعث ازدیاد هر ساله تعداد لک‌لک‌های مهاجر شده است. تالاب نوروزلو به دلیل داشتن شرایط آب و هوایی مناسب زیستگاه مناسبی برای گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری از جمله لک‌لک‌ها است.»

هشتگ روز

#استقلال

جای امثال پورحیدری‌ها و حجازی‌ها خالی

کمی بعد از جشن پیروزی استقلال، پنج بازیکن این تیم که باید در جشن حاضر می‌شدند به دلیل عدم حضور در اردوی تیم‌ملی، از تیم‌ملی خط خوردند. هشتگ «استقلال» در توییتر فارسی داغ است و آنچه می‌خوانید منتخبی از این توییت‌هاست.

«و استقلال قهرمان شکست ناپذیر ایران زمین»، «جشن قهرمانی دیشب استقلال نشون داد بدون وزیر هم میشه این مراسم‌ها رو اجرا کرد و ثابت کرد قبلا وزیر در نقش وزیر تو جشن قهرمانی شرکت نمی کرده بلکه یک هوادار بوده»، «یه بازی تدارکاتی نداشته، برنامه اردو مشخص نیست. مربی‌هاش قرارداد ندارن ولی این بی‌نظمی‌ها مهم نیست. بازیکنای استقلال که خواستن تو جشن قهرمانی‌ای که یه فصل براش زحمت کشیدن باشن رو به خاطر بی‌نظمی خط زده»، «چقدر بهت فحش دادیم و گفتیم هیچی از مربیگری نمیدونی و حقیقتش فکر می کردیم این فصل با گرفتن نتیجه بد برای همیشه دور استقلال رو خط می کشی. ولی با این تیم معمولی که تک ستاره‌اش خودت بودی خیلی چیزا رو ثابت کردی آهای فرهاد مجیدی»، «از سالی که فوتبال رو دنبال می کنم هیچ مربی‌ای اندازه تو ندیدم اینجور تنها باشه تو لیگ. از غریبه و آشنا خوردی. رقیب کارش همینه کوبیدن ولی جلوی زخم زبون و سنگ‌اندازی‌های خودی امثال فکری و قلعه و علیمنصور و... ایستادی. وجه مشترک این به ظاهر بزرگای استقلال با دشمن هم این بود که نمی‌خواستن این جام به غیر از خودشون با کس دیگه‌ای بالا بره به خصوص شما آقای مجیدی... این اشکای شما نبود. بغض ۱۰ ساله ما هوادار بود که ترکید، هواداری که ۱۰ سال صبر کرد و تو روزای سخت جنگید کنار شما»، «اسکوچیچ ۵ بازیکن استقلال رو به خاطر شرکت در جشن قهرمانی از لیست تیم ملی خط زده... عجب عجب»، «این وسط سازمان لیگ مقصر هست که همزمان با اردوی تیم‌ملی بازی گذاشت و گرنه طبق قانون استقلال می‌تونست به خاطر پنج بازیکن در اردوی ملی بازی نکنه، حالا شما آقای کروات استقلالیا رو از لیست خط بزن»، «وریا غفوری، کاپیتان تیم استقلال بعد از قهرمانی این تیم در جام قهرمانی لیگ برتر فوتبال ایران با اشاره به «فاجعه متروپل آبادان» گفت: برای قهرمانی جشن نگرفتیم، یک مراسم بود. چون ته دل‌مان غم بزرگی برای مردم آبادان بود»، «تیم ملی هم بچه بازی شده؟! دعواهای قدیم رو تو تیم ملی تسویه میکنن، با این مربی دمدمی مزاج نمیشه در جام جهانی امیدوار بود. جای امثال پورحیدری‌ها و ناصر حجازی‌ها ی اخلاق‌مدار و دلسوز در تیم ملی خالیه»، «قهرمانی استقلال رو از صمیم قلبم به استقلالی‌ها تبریک میگم»، «خط خوردن ۵ بازیکن استقلال از تیم ملی منطقی نیست. بهتاش فریبا پیشکسوت استقلال گفت: وقتی تیمی ساعت ۷ بعد از ظهر بازی دارد، چگونه بازیکنانش ساعت ۵ بعد از ظهر خودش را به اردوی تیم ملی معرفی کند؟ این موضوع نشان می‌دهد که کادر فنی تیم ملی ما باتجربه نیست»، «یه جوری تیم رو اذیت می کنن که اصلا چه معنی داره تیمی به اسم استقلال وجود داشته باشه؟! باید منحل بشه»، «تو لیگ که تیمی نتونست استقلال رو ببره، بگید تیم ملی با همه بازیکناش بیاد ببینیم میتونه یا نه اگر نه که ما جاش بریم جام جهانی»، «همه عمر برندارم سر از این خمار مستی، که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی» و «تاریخ‌سازی و فتح مقتدرانه و بدون شکست لیگ بیست و یکم فوتبال برتر ایران توسط شیر بچه‌های آبی‌پوش ایران زمین به فرماندهی شیر فرهاد در سالی که هوای فوتبال ایران پاک بود، ثبت رکورد تاریخی و بدون شکست لیگ توسط استقلال و جای گرفتن در بین برترین‌های دنیا».